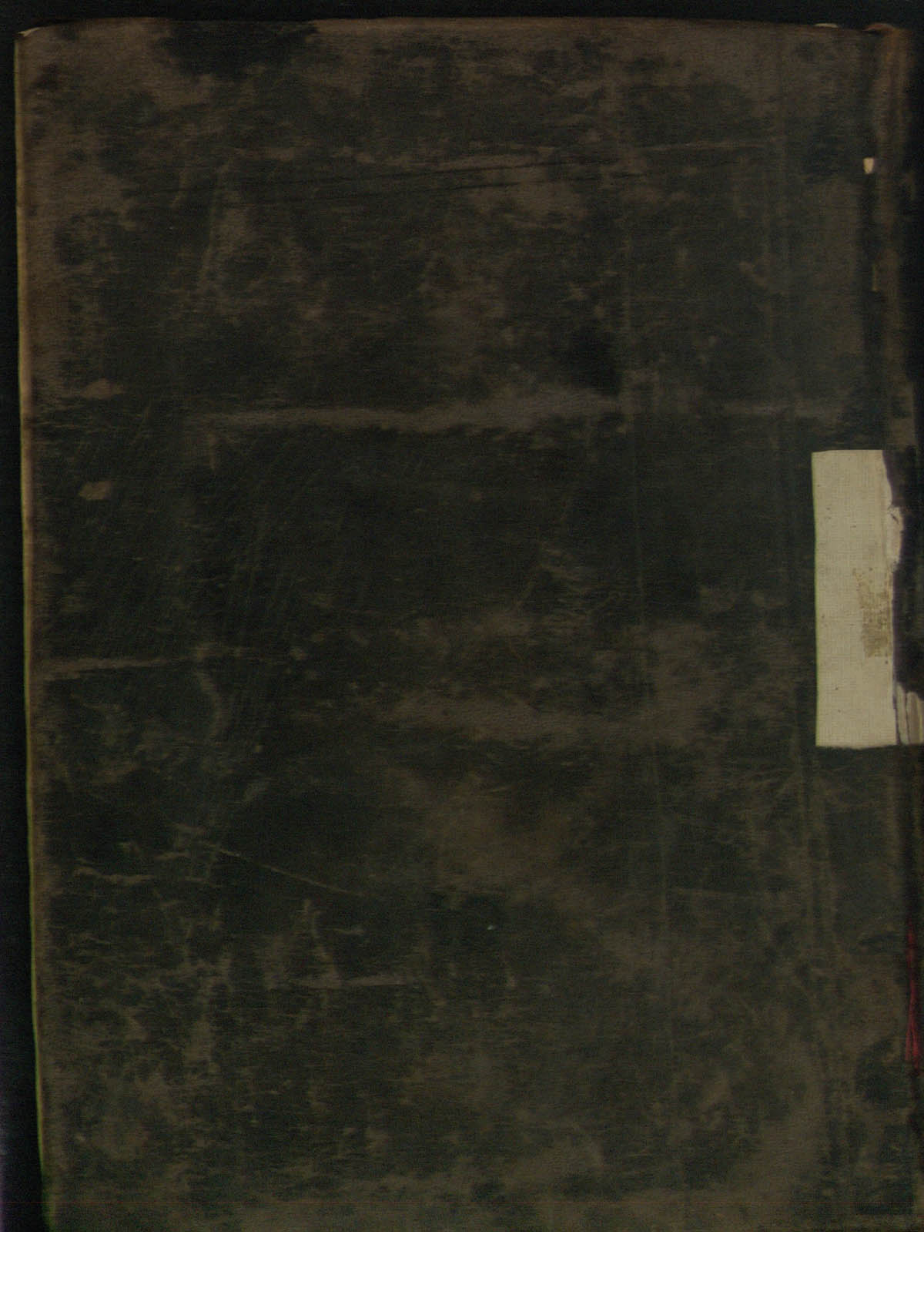
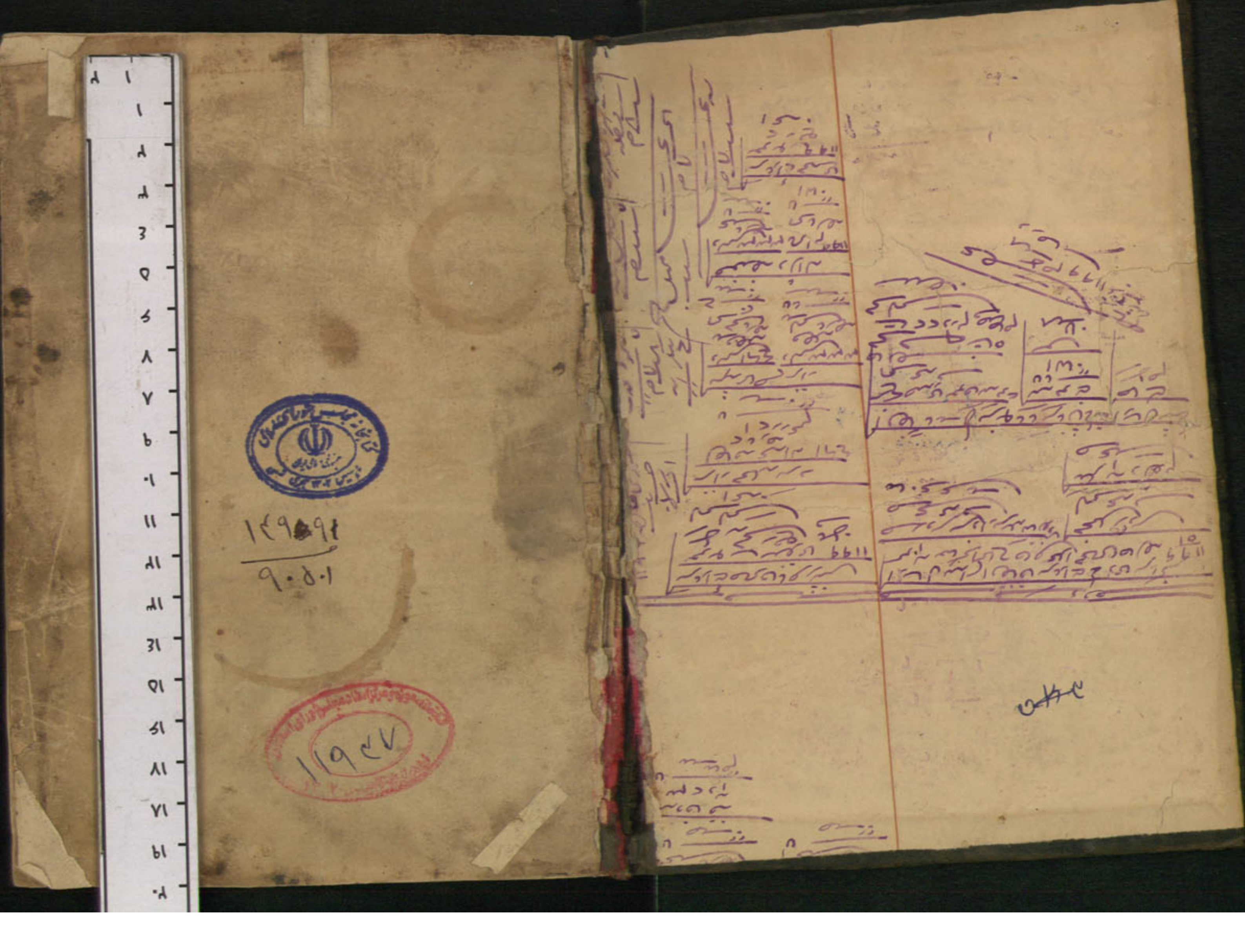






بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی امر بالحج فی شریعة الاسلام وجعل امتثاله کفارة لجمیع الذنوب والاثام والصلوة علی رسوله المبعوث لبیان مناسکه وسایر الاحکام محمد واله الطاهرة البررة الکرام اما بعد این رساله ایست در بیان مسایل مهمه حج بیت الله الحرام است که حسب الفرموده علیاحضرت قدسیه خصلت مریم طینت زبدة المستورات وعمدة المخدرات بانوی سراچه حضرت شهریاری خاتون سرای حضرت ظل اللهی نواب علیه عالیه مشهوره بوالده نواب اشرف اعلی ماحی الظلمة والدجی حامی اهل الشریعة والهدی ظل السلطان لازالت رایات الظافر مظللة علی فرق کافة العلماء الاعیان مرقوم رقم عبد حاطی جانی نصر الله ابن الحسن الحسینی الاسترابادی میگردد وچون وقت بسیار تنگ بود و مجال درنگ نبود اقتصار بر مسایل حج تمتع نموده شد واین رساله را مسمی

برساله مناسکیه

برساله مناسکیه نمودم واین رساله ترتیب داده شد بر مقدمه وچند باب وخاتمه **مقدمه** در بیان اقسام حج وکیفیت حج تمتع بر وجه اجمال بدانکه در شریعت اسلام حج بر سه قسم است **قسم اول** حج تمتع **قسم دویم** حج قران **قسم سیم** حج افراد وحج تمتع بر کسی واجبست که از خانه او تا مکه شانزده فرسخ باشد بنا بر اظهر واشهر چنانکه فتوای سید مرحوم ومیرزای مرحوم نیز همین است وطریق کردن حج تمتع انستکه از میقاتگاه که تفسیر ان خواهد امد احرام بر بندد وبعد ازان داخل مکه شود وهفت مرتبه طواف خانه کعبه نماید ودر مقام حضرت ابراهیم ع دو رکعت نماز طواف بجا اورد وبعد ازان قدری از موی خود را بتراشد یا بکند یا از ناخن خود چیزی را قراض نماید واین عمره حج تمتع است وبعد ازان احرام دیگر می بندد از مکه از برای حج تمتع بنحوی که تواند خود را در ما بین زوال روز عرفه که نهم ذی الحجه است ومغرب بعرفات رساند ولکن بهتر انستکه این احرام را بعد از نماز ظهرین از روز هشتم ذی الحجه ببندد وروز نهم را بعد از زوال وقوف بعرفه نماید وشب دهم در مشعر وقوف نماید ومعنی وقوف ماندن در ان دو مکان شریف است در ان دو وقت وبعد از طلوع صبح دهم از مشعر کوچ نموده بمنی رود ودر انجا قربانی نماید

بعد از انکه هفت سنك ریزه بجمره عقبه که در منی است و نزدیکتر
از هر سه جمره است بمکه زده باشد و بعد از ذبح و قربانی مرد اختیار
دارد میان انکه سر تراشد یا از ریش یا ناخن و موی خود چیزی را بکیرد
و در حق زن متعین است ناخن کرفتن یا از موی چیزی کرفتن
و بعد از ان اختیار دارد میان انکه در منی بماند در روز یازدهم
و دوازدهم و در هر روز هر سه جمره را سنك ریزه زند و
در دوازدهم بلکه سیزدهم بمکه رود و هفت مرتبه طواف
حج بجا اورد و دو رکعت نماز در مقام ابراهیم کند
و هفت مرتبه در میان صفا و مروه سعی نماید و بعد از ان
هفت مرتبه طواف نساء بجا اورد و دو رکعت نماز طواف
کند و میان انکه در همان روز بعد از فراغ از ناخن
کرفتن و سر تراشیدن بمکه رود و هر دو طواف را با هر دو
نماز و سعی میان صفا و مروه را بعمل اورد و بعد از ان بمنی رود
و شب یازدهم و دوازدهم در منی بماند و در روزها هر یك
جمره را هفت سنك ریزه بزند و بهتر اختیار دویم است
یعنی اعمال مکه را در روز دهم بعمل آورد حتی بعضی حرام
میدانند تاخیر انداختن اعمال مکه را از روز قربانی
اکر چه حج را با تاخیر انداختن نیز صحیح میدانند چنانکه

مختار در نزد

مختار در نزد حقیر و جناب سید آقا سید علی است و خواهد
آمد خلاصه اشکالی نیست در صحت حج با تاخیر و تقدیم پس
بنا بر این حج تمتع با عمره آن عبارت از بجا آوردن نوزده
فعل است در مکه و اطراف آن اوّل احرام بستن بعمره
تمتع دویم طواف کعبه عمره بجا اوردن سیم نماز طواف
بجهت عمره کردن چهارم سعی نمودن میان صفا و مروه
بجهت عمره پنجم تقصیر کردن یعنی قدری از مو یا ناخن
کرفتن و باین پنج فعل عمره تمتع تمام میشود و از احلال
اکثر چیزها که بر محرم حرام بود محل میشود یعنی بر او اکثر انها حلال
میشود ششم احرام حج تمتع بستن هفتم در عرفات
وقوف نمودن هشتم در مشعر وقوف نمودن نهم ماندن
در منی بعد از آفتاب روز دهم دهم هفت سنك ریزه
بجمره عقبه زدن یازدهم قربانی کردن دوازدهم سر تراشیدن
یا چیزی از مو کم کردن اکر چه بکندن باشد سیزدهم طواف خانه
نمودن چهاردهم نماز طواف زیارت کردن پانزدهم میان
صفا و مروه هفت مرتبه سعی نمودن شانزدهم طواف نساء بعمل
آوردن هفدهم نماز طواف نساء کردن هیجدهم شب در

منی بیرون بودن **نوزدهم** سنت دیزه هفت مرتبه بهر سه جمه
ردن وچون وصول باین مواقف بدون سفر غالبا میسر نیست
لهذا ذکر آداب سفر مناسب است در صحیح حلبی مذکور است که
بیش از سفر تصدق سنت و آیة الکرسی نیز سنت است و هر روز
که خواهد سفر نماید حتی چهارشنبه و در روایت سکونی وارد
شده که هیچ چیز بهتر نیست از برای خلیفه جانشین قرار داد
از دو رکعت نماز پس سنت است نیز دو رکعت نماز و بعد از
فراغ از نماز بگوید اللّهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسی وَاَهْلی
وَمالی وَذُرِّیَّتی وَدُنْیایَ وَآخِرَتی وَخاتِمَةَ عَمَلی
پس هر که این دو رکعت نماز را بجا آورد با این دعا و هر حاجت
که داشته باشد از خدا بطلبد با ولطف خواهد فرمود و در
روایت دیگر از حضرت موسیٰ ع وارد شده که هر که اراده سفر
داشته باشد از خانه بیرون رود و بایستد در حالتی که روی
او بسمت مقصود باشد و آیة الکرسی را بخواند و برپیش روی
خود دمد و بجانب راست وچپ و پشت بخواند و بان سه جانب
دمد و بعد از ان بگوید اللّهُمَّ احْفَظْنی وَاحْفَظْ ما مَعی
وَسَلِّمْنی وَسَلِّمْ ما مَعی وَبَلِّغْنی وَبَلِّغْ ما مَعی بِبَلاغِكَ

الحسن

الحَسَن خداوند عالم او را و آنچه را که با اوست محافظت فرماید
و بسلامت بمنزل برساند و در صحیح معاویة بن عمار از حضرت
امام جعفر صادق ع وارد شده که آنجناب فرمودند که هر که سفر مکه
اراده داشته باشد در هنگام بیرون آمدن از خانه بخواند
لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلیمُ الْكَریمُ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ
سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ
وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ اللّٰهُمَّ كُنْ لی
جاراً مِنْ كُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ وَمِنْ كُلِّ شَیْطانٍ مَریدٍ بِسْمِ اللّٰهِ دَخَلْتُ
وَبِسْمِ اللّٰهِ خَرَجْتُ وَفی سَبیلِ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ اِنّی اُقَدِّمُ بَیْنَ یَدَیَّ
نِسْیانی وَعَجَلَتی بِسْمِ اللّٰهِ وَما شاءَ اللّٰهُ فی سَفَری هٰذا ذَكَرْتُهُ
اَوْ نَسیتُهُ اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُسْتَعانُ عَلَی الْاُمُورِ كُلِّها وَاَنْتَ الصّاحِبُ
فِی السَّفَرِ وَالْخَلیفَةُ فِی الْاَهْلِ اللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَیْنا سَفَرَنا وَاَطْوِ
لَنَا الْاَرْضَ وَسَیِّرْنا فیهِ بِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ
اللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لَنا ظَهْرَنا وَبارِكْ لَنا فیما رَزَقْتَنا وَقِنا عَذابَ
النّارِ اللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ

معاویة بن عمار

وسوء المنظر فى الاهل والمال والولد اللهم انت عضدى
وناصرى بك احل وبك اسير اللهم انى اسئلك فى سفرى هذا
السرور والعمل بما يرضيك عنى اللهم اقطع عنى بعده ومشقته
واصحبنى فيه واخلفنى فى اهلى بخير ولا حول ولا قوة
الا بالله اللهم انى عبدك وهذا حملانك والوجه
وجهك والسفر اليك وقد اطلعت على ما لم يطلع احد
فاجعل سفرى كفارة لما قبله من ذنوبى وكن لى عونا عليه
واكفنى وعثه ومشقته ولقنى من القول والعمل رضاك فانما
انا عبدك وبك ولك ووقتى كه پا در ركاب گذارد بگويد
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله والله اكبر ووقتى كه درست قرار
بر چهارپا گيرد يا در محمل درست نشست بگويد الحمد لله الذى هدانا
للاسلام وعلمنا القرآن ومن علينا بمحمد صلى الله عليه وآله سبحان
الله سبحان الذى سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الى
ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمين اللهم انت الحامل على الظهر

والمستعان على الامر اللهم بلغنا بلاغا يبلغ الى خير بلاغا
يبلغ الى مغفرتك ورضوانك اللهم لا طير الا طيرك ولا خير
الا خيرك ولا حافظ غيرك وتفصيل اين امور نوزده كه ترك هشت
باب معين و محرم ميشود **باب اوّل** در احرام است و بحث در آن
در سه مطلب است **مطلب اوّل** در احرامگاه است بدانكه شارع
مقدس از براى احرام عمره حج تمتع چند موضع معين فرموده كه بايد
از آنجا احرام بست و آن شش است **اوّل** وادى عقيق است و
آن محل احرام اهل عراق است از راه نجد هر گاه بمدينه مشرف نبود و
عقيق صحراى و سيعى است كه زياده از هشت فرسخ است و اول آن
مسلخ و آخر آن ذات عرق است و اظهر و احوط آنستكه جايز است از براى
اهل نجد احرام بستن از ذات عرق چنانكه فتواى سيد مرحوم و مرحوم
ميرزا نيز همين است هر چند يكه احوط چنانكه سيد مرحوم تصريح
فرموده آنستكه نگذرد از ذات عرق مگر آنكه احرام را پيش از رسيده
بآنمكان بسته باشد مگر در حالت تقيه و افضل آنستكه احرام را در اصل مسلخ
به بندد و تاخير نيندازد تا غمره نيز مگر در صورت تقيه و ضرورت
بيمارى و در اين ميقات و غير آن از ميقاتگاه رجوع باعراب باديه
نشين و غير ايشان از كسانيكه از حرف ايشان مظنه دست بهم دهد

توان نمود **میقات دوم** ذو الحلیفه است و آن میقاتگاه اهل مدینه و کسانیکه
از راه شام یا از غیر شام بمدینه در آیند و آن دو فرسخی مدینه است
و در جواز احرام بستن از نفس ذو الحلیفه و لزوم احرام بستن از مسجد
شجره نه از خارج آن هر چند بکه احرام بندد جنب و حائض باشند
اشکال است بلکه خلاف است اظهر و احوط چنانکه سید مرحوم
و میرزای مرحوم فرموده انستکه احرام از نفس مسجد شجره بسته شود و جنب
و حائض نیز از مسجد احرام بندند و درنگ و مکث نکنند و هرگاه احرام بستن
این دو شخص در نفس مسجد شجره مستلزم مکث شود احوط احرام بستن
از خارج مسجد است و بعد از آن در جحفه نیز که احرامگاه اهل شام است و اهل مصر است
که از انجا تا مکه بیست و هفت فرسخ و ثلث فرسخ است هرگاه بمدینه
نروند و این میقات سیم است **میقات چهارم** یلملم است و آن میقات
اهل یمن است که دو منزلی مکه است **میقات پنجم** قرن المنازل است
که میقات اهل طایف است و کسیکه عبورش از اهل نجد بانجا افتد
میقات ششم خانهای کسانیکه خانه ایشان از یکی از میقاتهای
گذشته نزدیکتر باشد بسوی مکه و احرامگاه حج تمتع نفس مکه
است و هرگاه حاجی بیکی از میقاتگاه پنجگانه متقدمه نرسد و از
راهی رود که بیکی از میقاتگاه برنخورد پس هرگاه ممکن باشد بدون
عسر شدید که خود را بیکی از میقاتگاه برساند آنرا ترک نکند

وهرگاه

وهرگاه ممکن نشود بمحاذات میقاتگاه خود احرام بندد پس هرگاه بمیقات
دیگر برسد تجدید کند و هرگاه نرسد در خارج حرم تجدید کند بنا
بر احوط در هر دو موضع و همین است حکم در کسیکه فراموش کرده
باشد که در میقاتگاه احرام بندد یا لزوم آن را ندانسته و بعد از آن
بخاطر آورد یا مطلع شود **بدانکه** احرام بعمره حج تمتع باید در ماه
شوال و ذی القعده یا اوایل ذی الحجه باشد و پیش از آن جایز نیست و احرام
بستن پیش از رسیدن بمیقات و تاخیر انداختن نیز جایز نیست و حال
فراموش کننده و جاهل گذشت **مطلب دویم** در نفس احرام است
بدانکه مقدمات احرام همه سنت اند از انجمله سنت است سنت مؤکد
اینکه در اوائل ماه ذی القعده موی سر و ریش را بگذارد بلکه هرگاه
سر بتراشد احتیاط آنستکه خون بریزد یعنی گوسفندی فدا دهد و
مستحب است که پیش از احرام موی زیر بغل را ازاله کند و پشت زهار بلکه
کل بدن را از گردن تا پاها نوره بکشد و شارب و ناخن را بگیرد و غسل
احرام بکند و در این غسل تاکید بسیار است و نیت چنین کند که غسل
احرام عمره حج تمتع میکنم سنت قربة الی الله و در احرام سه چیز واجب است
باتفاق فقهای امامیه **اول** نیت است و باید مقصود از احرام
بستن را رضای خداوند عالم قرار دهد **دویم** دو جامه احرام
پوشیدن که یکی از آنها را لنگ میکند و دیگری را بر دوش نها

می اندازد و یا شرط صحت احرام است پوشیدن آنها و احرام متحقق بوهمین و
پوشیدن لباس دوخته باطل است یا نه دو قول است اجود چنانکه فتوای
سید مرحوم است آنستکه شرط صحت نیست و باید بنا بر احوط بلکه اقرب
لنگ آنقدر باشد که میان ناف و زانوها را بپوشد و بدن نمایان نباشد
و هرگاه ممکن شود احوط آنستکه لنگ را گره نزنند بلکه طرفهای آنرا از هم بکشند
و بعضی از آنها را داخل در بعضی دیگر کنند و ابخر را که بدوش می اندازد بهتر
آنستکه بطریق ردا باشد و آن بایطور است که جامه را بر دوشها
می اندازد و دو طرف آن را بر پیش سینه می آورد یا آنکه هر دو طرف جامه را
نقدا انداختن بدوش جمع میکند و بدوش راست می اندازد و بهتر
آنستکه آنرا گره نزنند و باید هر دو جامه حریر نباشد و پوست و موی
حیوان حرام گوشت نباشد و نجس نباشد نجاستیکه در آن عفو و بخشش
نیست در نماز بلکه از بعض اخبار ~~و از بعض~~ مستفاد میشود که در
سایر اوقات احرام هم نیز باید پاک باشد و مغصوب نباشد و احوط
آنست که جامه دوش نیز بدن نما نباشد هر چند که جواز در کمال
قوة است چنانکه مرحوم میرزا اشاره فرموده اند و احوط آنستکه
که بدن نیز در حالت احرام بستن بلکه در جمیع اوقات احرام از نجاست
غیر متعدیه بجامه نیز پاک باشد و زنان در جامهای حریر توانند
که احرام ببندند هر چند که احتیاط شدید ترک کردن پوشیدن

ایشان است جامهای حریر را چنانکه فتوای جماعتی است و غیر این
مذکورات جایز است که جامه احرام شوند ولکن افضل در میان
رنگها سفید است و بهتر آنستکه در هنگام کندن جامه دوخته
پیش از غسل چنین نیت کند که جامهای دوخته را میکنم قربة الی الله
و بعد از غسل جامهای احرام پوشد و در هنگام پوشیدن نیز چنین
کند که دو جامه احرام می پوشم در عمره حج تمتع عمرهٔ اسلام واجب
قربة الی الله و تعیین چنین احوط است و جز قربت یعنی قصد
رضای خدا چیز دیگر لازم نیست مگر آنکه فعل متعدد بر ذمه محرم
باشد در این هنگام تعیین لازم است و جایز است پوشیدن زیاده
از دو جامه بجهت رفع سرما و گرما و جایز است تبدیل کردن آن دو جامه
را بدو جامه دیگر لکن افضل است که طواف را در آن دو جامه بجا آورد
و بعد از پوشیدن جامهای احرام میکند و سنت است که احرام
در عقب نماز ظهر بگیرد و اگر وقت آن نماز نباشد عقب نماز واجب
دیگر و هرگاه آنهم ممکن نباشد حتی نماز قضای واجب است
که دو رکعت نماز احرام بجا آورد و چنین نیت کند که دو رکعت
نماز نافله احرام میکنم سنة قربة الی الله و بعد از حمد در رکعت
اول قل هو الله و در رکعت دویم قل یا ایها الکافرون بخواند
و هرگاه وضو نداشته باشد بغسل احرام تنها داخل در نماز شود

محرم گردد

بلکه وضو بگیرد و بهتر آنست که وضو را پیش از غسل بجا آورد و هرگاه
اراده کردن نماز واجب دارد قصد کند بوضو وضوء واجب را
و هرگاه قصد نماز سنت داشته باشد نیت سنت کند اگرچه قصد
قربت در هر صورت کافی است و بعد از نماز چه سنتی و چه واجبی
سنت است که این دعا را بخواند که در صحیح معویة بن عمار از حضرت
صادق ع وارد شد بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والشكر لخالق السموات والارضين
والصلوة على محمد وآله اجمعين اللهم اني اسئلك ان تجعلني ممن استجاب
لك وآمن بوعدك واتبع امرك فاني عبدك وفي قبضتك
لا اوقى الا ما وقيت ولا آخذ الا ما اعطيت وقد ذكرت
الحج فاسئلك ان تعزم لي عليه على كتابك وسنة نبيك و
تقويني على ما ضعفت عنه وتسلم مني مناسكي في يسر منك
وعافية واجعلني من وفدك الذي رضيت وارتضيت و
سميت وكتبت اللهم فتمم لي حجتي وعمرتي اللهم اني اريد

التمتع

التمتع بالعمرة الى الحج على كتابك وسنة نبيك فان عرض
لي شيء يحبسني فحلني حيث حبستني لقدرك الذي قدرت
علي اللهم ان لم تكن حجة فعمرة احرم لك شعري وبشري ولحمي
ودمي وعظامي وعصبي من النساء والثياب والطيب ابتغي
بذلك وجهك والدار الآخرة و بباین شرطی که ودو
هرگاه قصد آن شرط تحریم نماید هر وقت که مانع از تمام کردن
عمره یا حج بهم رساند محل میشود هرگاه خواسته باشد و این کمال
لطفی است از خداوند بخلقان و بعد از خواندن دعا بلا فاصله
نیت احرام کند و احوط آنست که اول نیت عمره کند باین طریق که عمره
حج تمتع بجا می آورم در عمرهٔ اسلام را واجب قربة الی الله و بعد از آن
احرام کند باین طریق که احرام میکنم احرام عمره حج تمتع را واجب قربة
الی الله واجب سیم تلبیات اربعه است و آن چنانکه واجب است
شرط صحت احرام است در حج تمتع مطلقا نه و آیا واجبست که تلبیه
مقارن نیت احرام باشد یا جایز است تأخیر او بعضی جواز تأخیر
چنانکه سید مرحوم و میرزای مرحوم اختیار فرموده اند و لکن احوط
آنستکه تلبیات را مقارن نیت بجا آورد و احوط آنستکه از برای تلبیه لفق

ولحمي

عامد کود سید

نیة علیحده کند چنانکه فتوای بعضی از فقها است و نیت آن را مقدم بر نیة
احرام بدارد و چنین کند که چهار تلبیه میگویم در عمره تمتع عمره
اسلامی قربة الی الله و بعد از آن نیة احرام کند و تلبیه بگوید و
کیفیة آن بنا بر احوط این است که بگوید بکلمته اللهم لبیک لبیک
لا شریک لک لبیک ان الحمد و النعمة لک و الملک لا شریک لک
لبیک و معتبر دیگر بگوید اللهم لبیک لبیک ان الحمد و النعمة
لک و الملک لک لا شریک لک لبیک و اظهر کفتن لبیک اللهم
لبیک لبیک لا شریک لک لبیک کافی است و این تلبیات اربعه یکمرتبه
واجب است و همزه ان را بکسر و فتح توان خواند و هر دو قسم خواندن
احوط است و سنة است که در ابتداء تلبیه بلکه در جمیع اوقات خصوصا
بعد از نماز احرام این تلبیات طولانی را که در صحیح معویة بن عمار وارد شده
است بخواند لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک
ان الحمد و النعمة لک و الملک لا شریک لک لبیک ذا المعارج
لبیک لبیک داعیا الی دار السلام لبیک لبیک غفار الذنوب

لبیک

لبیک لبیک اهل التلبیة لبیک لبیک ذو الجلال و الاکرام لبیک
لبیک مرهوبا و مرغوبا الیک لبیک لبیک تبدئ الخلق و المعاد الیک
لبیک لبیک تستغیث و نصف الیک لبیک لبیک مرهوبا و مرغوبا
الیک لبیک لبیک اله الحق لبیک لبیک ذو النعماء و الفضل
الحسن الجمیل مذکور است در تهذیب کشاف الکرب العظام
لبیک لبیک عبدک و ابن عبدیک لبیک یا کریم لبیک
و تکرار تلبیه سنت است و بلند خواندن آن نیز سنت است در حق مردان
و زن آهسته خواند و سنة است بجا آوردن در وقت سحرها
و بعد از نمازها اگر چه سنتی باشند و در وقتی که در بلندی بالا رود و در
پستی فرود آید و در وقتی که از خواب بیدار شود و وقتیکه بسوار مردمی
ملاقات کند و چون معتمر خانهای مکه را مشاهده نماید باید قطع
کند تلبیه کفتن را و هر گاه در احرام حج تلبیه کفته شود مکرر میکند
تا زوال روز عرفه و بعد از آن واجب است که قطع کند و بعد از قصد احرام
و پیش از کفتن تلبیه هر گاه یکی از محرمات آینده را بیاورد بر او کفاره
لازم نیست **مطلب سیم** در محرمات احرام است بدانکه مراد با حرام
حرام کردن مکلف است بر خود چیزها را که خدا تعالی بر او حرام کرده است

تا وقت محل شدن وان چند چیز است **اوّل** شکار کردن حیوانی
که دریائی نباشد وبحسب طبع از انقیاد واطاعت بشر دوری کند
وحشی چه حلال گوشت باشد مانند آهو وگورخر وگاو کوهی وچه حرام
گوشت باشد مانند خرگوش وروباه وسوسمار وخارپشت ودد
حرام گوشت چون حلال گوشت فرق نیست میان پرنده وغیر پرنده ونیز
فرقی نیست میان درنده وغیر درنده وصغیر از حیوان بحسب جثه وکبیر آن
حتی مثل کفتار وچرخ ومانند آن از حیواناتی که در قتل آن کفاره لازم نیست
بنا بر احوط بلکه اظهر چنانکه ظاهر فتوای مرحوم میرزا است وظاهر فتوای
سید مرحوم اختصاص حرمت بآن حیوانی که از برای کشتن او کفاره
در شرع لازم باشد لکن کشتن مار وافعی وعقرب وموش جایز است
هرچند یکه مظنه خوف نفس وهلاکت نداشته باشد ولکن احوط اختصاص
جواز کشتن است بصورتیکه اراده تلف کردن آن داشته باشد هم چنانکه
جایز است بی اشکال کشتن هر حیوانی درنده که از نکشتن آن مظنه ضرر
بر نفس داشته باشد وذبح کردن شتر وگاو وگوسفند ومرغ اهلی
ودجاج حبشی جایز است چون کشتن حیوان دریائی که بچه وتخم را
در آب کند وتیر بکلاغ بجمیع اقسام آن توان انداخت بر روی شتر
وغیر آن لکن اولی تعدی نکردن در صورت روی شتر است وحداه
که حیوان معروفی است در نوعی ب درحکم کلاغ است وهم چنانکه کشتن

آنها حرام

آنها حرام است بر احرام بند خوردن گوشت آن وسایر چیزهائیکه
توان خورد حرام است بر او هرچندیکه ذبح کننده غیر محرم باشد وصیدی
که محرم صید کند بر غیر محرم حرام است هرچندیکه صید کردن در غیر
حرم باشد ودر حکم ذبح کردن است اشاره نمودن باعضای بدن
خود صیاد را چه آن صیاد غیر محرم باشد یا محرم باشد [وچه] وچه در حرم
صید کرده باشد وچه در غیر حرم ودر حکم اشاره است دلالت
کردن صیاد را بزبان وکنایه وفرقی میان دلالت ظاهره وخفیه
نیست ودر صورتیکه دلالت کردن باعث زیادتی میل صیاد نشود
بلکه خود بیش از دلالت دیده باشد حرام نخواهد بود وهمچنین حرام
است در بروی حیوان بستن تا در آشیانه ومنزلگاه خود بمیرد
دویم از محرمات احرام جماع کردن است چه با زنان خود وچه با
زنان اجنبیه چه در دبر وچه در قبل وبوسیدن وبدن خود را
با ایشان مالیدن ونظر کردن هرگاه هریک از آنها از روی شهوة
باشد بدون اشکال در حرمت جماع واما حرمت غیر آن محل اشکال است
واحوط بلکه اقرب حرمت آنها است خصوصا هرگاه بعد از آنها بی
غیر خود انزال منی شود ودر حکم جماع است عقد کردن چه از برای خود
وچه از برای غیر خود وچه غیر محرم باشد وچه محرم باشد وظاهر است که عقد
نیز باطل است وهرگاه وکیل کند غیر را که برای او عقد کند نیز حرام است

بنا بر احوط واظهر وهم چنین است حرام است شاهد شدن او برای عقد
چه برای عقد محرم چه برای عقد غیر اگر چه بجهت متحمل شدن شهادت حاضر
در مجلس عقد نشده باشد و در جواز اقامهٔ شهادت اگر چه در زمان
محرم شده متحمل آن شده باشد اشکال است وجواز را مرحوم میرزا
فتوای داده است واحوط ترک است لکن هرگاه اقامهٔ شهادت
نمودن مستلزم وقوع در زنا و مفسدهٔ دیگر شود لازم است اعلام
کردن حاکم شرع را باینکه در نزد او شهاده هست وخریدن کنیزان
بجهت خدمت وغیر آن جایز است ولکن نزدیکی نکند **سیم** طلب منی کردن
بدست مالیدن یا بازی کردن یا بهر نوع که باشد حتی تخیل نمودن بدون
اشکال هرگاه بعد از اینها انزال منی شود علی الاحوط هرگاه انزال نشود
چهارم استعمال بوی خوش نمودن چه ببوئید و چه خوردن باشد
وچه بمالیدن به بدن و رخت باشد ومراد بوی خوش بنا بر اظهر واشهر
واحوط چنانکه فتوای جناب سید مرحوم وآقای مرحوم است جمیع بوهای
خوش است بشرط آنکه اینها مهیا شده باشند از برای بوئیدن غالبا
مانند مشک وعنبر وگلاب و روغن بنفشه و روغن گل و زعفران وعود و
ورس که گل سرخ رنگی است و مشهور است وکافور وامثال اینها هر چند که
در این زمان از این باب نیست نهایت در اخبار وارد شده وظاهرا در آن
اوقات چنین بوده وگیاههای صحرای خوشبو چون درمنه ترکی وبومادران

وبوینه

وبوینه وخاضره که دارد استعمال آنها وهم چنین ضرر ندارد استعمال
زنجبیل ودارچینی وقرنفل وسایر دواهای معطره که وضع آن بجهت
تداوی است نه استشمام رایحه آن وهم چنین ضرر ندارد میوه های خوشبو
چون سیب وبه وترنج ومانند آنها ولکن احوط اجتناب کردن از مطلق
خوشبو است خصوصا ریحان که حکم حرمت آن خالی از قوة نیست وخلوق
کعبه که آن بوی خوشی است که بیشتر اجزاء آن زعفران است وجامه کعبه معطر
ضرر ندارد بی اشکال هرگاه جامه محرم بآن آلوده شود واقوی آنست که شستن
آن نیز ضرر ندارد لکن ترک آن احوط است وهم چنین استثنا شده است
بوی خوش بازار عطاران که در ما بین صفا ومروه است وضرور نیست
دماغ گرفتن از آن ودوری کردن از آن هرگاه از آن رایحه توان کسب نمود
وهرگاه مضطر شود بخوردن خوشبو واستعمال آن واجب است
که بینی خود را بگیرد بلکه اظهر چنانکه میرزا تصریح فرموده آنست که بینی
خود را از بوی خوش در غیر صورت اضطرار نیز بگیرد **پنجم**
دماغ را از بوی بد گرفتن واحوط بلکه دور نیست که اظهر باشد
آنکه نیز حرام است **ششم** پوشیدن لباس دوخته بجهت مردان
مثل پیراهن و زیر جامه وقبا وهم چنین آنچه شبیه باینها باشد هر چند دوخته
نباشد مثل کفنک و نمد کلاه وامثال اینها مثل زره وهرگاه جامه
احرامی که مخصوص لنگ است نداشته باشد توان بی اشکال زیر جامه دوخته را

پوشیدن و هرگاه جامه احرامی که مخصوص دوشها است نداشته
باشد قبای دوخته را توان پوشید بطریق عکس یعنی دامن را بر
دوش اندازد و فرقی نیست در حرام بودن لبس دوخته در صورت
عدم ضرورت میان آنکه بپوشنده احاطه نماید یا نه و هرجا
و میان آنکه ساتر عورت باشد یا نباشد اگرچه بسیار کوچک
باشد لکن بستن همیان ضرر ندارد و لباس بیابخی ضرر ندارد
بشرط آنکه تکمه آن را نبندد و لکن احوط آنست که آن دوختگی که
بجهت تکمه و بند حاصل شده اکتفا کند و بر زنان لبس دوخته
ضرر ندارد بنا بر اظهر و اشهر و همچنین ضرر ندارد در حق زن
حایض پوشیدن غلاله که آن لباس نازکی است که زیر جامه‌ها
پوشیده میشود بجهت آنکه خون حیض بجامه‌های او نرسد و قفا
زین که آن دو دستکشی است که زنان بجهت زینت یا بجهت سرما
میدوخته‌اند حرام است در حق زنان نیز هفتم پوشیدن
چیزی که پشت پا را بپوشد در حق مردان چون چکمه و جوراب و در
صورت اضطرار جایز است و لکن احوط شق کردن پشت پا تا [illegible]
پشت پاها است هرچند که سید مرحوم منع احتیاط فرموده و هرگاه
بعض پشت پا را بپوشد جایز است و هرگاه مجموع پشت پاها مستور
شود بوضع لباسی مثل آنکه جامه احرام را بر او بیندازد در حالت

خواب

خواب و مانند آن و پوشیدن نعلین نیز ضرر ندارد و چه تسمه
آن در سمت عرض باشد و چه در سمت طول **هشتم** سرمه بچشم
کشیدن بدون ضرورت خواه بقصد زینت باشد و خواه نباشد
بنا بر احوط و اظهر و سرمه کشیدن بچیزی که در او بوی خوشی باشد
نیز حرام است و داخل در محرم چهارم است **نهم** نگاه در آینه کردن
بنا بر اشهر و احوط و اظهر چنانکه مرحوم سید و میرزا تصریح فرموده
اند **دهم** روغن مالیدن هرچند که بوی خوش در او نباشد
بعد از احرام بستن بنا بر اظهر چنانکه ~~بر اظهر چنانکه~~ فتوای هر دو است
و در حرمت استعمال روغنی که در او بوی خوش باشد در حالت
احرام اشکالی نیست و همچنین هرگاه بوی آن باقی ماند بنا بر اظهر[2]
و احوط ترک استعمال روغنی که عین آن باقی بماند بعد از احرام هرچند که
جواز در کمال قوة است **یازدهم** ازاله کردن موی سر و ریش و سایر
اعضای خود خواه اندک و خواه بسیار بدون ضرورة و همچنین
است هرگاه ازاله موی غیر نماید چه محرم باشد و چه غیر محرم خصوص
در تراشیدن سر **دوازدهم** انگشتری بدست کردن بجهت زینت
بنا بر اظهر چنانکه سید مرحوم و جناب میرزا اختیار فرموده اند و
بجهت قصد سنت ضرر ندارد **سیزدهم** حنا بستن بجهت زینت
بنا بر اظهر و احوط و بان مرحوم میرزا فتوای داده هرچند که حنا

[2] اشهر و هم

سید مرحوم تاملی دارد و میل بآن نموده و در صورت قصد سنة
جایز است و بیش از احرام جایز است و احوط ترك خضاب نمودن است
هرگاه قصد هیچ یك از سنة و زینة ننموده باشد **چهاردهم**
پوشیدن زنان زیورهائی را که عادة بانها ندارند بدون اشکال
هرگاه با قصد زینة باشد چنانکه حرام است بر آن پوشیدن زیور عادی را
بقصد زینة و اما هرگاه بدون قصد زینة باشد محل اشکال است
جناب سید مرحوم و مرحوم میرزا حکم بلزوم اجتناب از آن نموده اند
و آن دور نیست و زیورهای عادی پوشیدن آنها هرگاه بقصد
زینت نباشد جایز است مادامیکه بر شوهرش ظاهر نسازد و
اولی مخفی داشتن پوشیدن آنهاست از جمیع مردان حتی محرمها را
و اولی ترك است بالکلیه **پانزدهم** ناخن گرفتن بدون ضرورت است
بهر چیزی که باشد اگر چه بغیر ناخن گیر باشد و در صورت ضرورت
مانند آنکه نصف آن بشکند یا بسیار دراز شود که محرم را آزار کند
جایز است که ناخن را بگیرد و در صحیحه معویة ابن عمار وارد شده
که بعوض هر ناخن یکقبضه گندم و جو تصدق نماید **شانزدهم**
حجامت نمودن و فصد کردن بلکه مطلق بیرون آوردن خون حرمت
آن احوط است چنانکه فتوای سید مرحوم و میرزای مرحوم است
اگر چه خالی از اشکال نیست و دور نیست که فرموده آن اقوی باشد

بانسه

وخاریدن

و خاریدن بدن جایز است مگر آنکه منجر شود بخون آوردن
بدن در اینصورت ترك کند و مسواك کردن همین حکم را دارد
هیجدهم کشتن شپش و کیك و پشه و مانند اینها از
جانوران بدن چه در بدن و چه در جامه بنا بر اظهر و اشهر
چنانکه فتوای آن هر دو بزرگوار است و فرقی نیست در بدن
میان سر و غیر آن **هفدهم** انداختن شپش است از بدن
و جامه و در نقل کردن آن از مکانی بمکانی دیگر اشکال است
و جواز اقوی است هر چند که احوط ترك است حتی از
نقل کردن بجای محفوظ تر از مکان اول باشد آری در صورتیکه
نقل کردن باعث تلف او شود قطعا یا غالبا احوط ترك است
بلکه اظهر چنین است و در جواز انداختن غیر شپش از جا
نوران اشکال است و جواز اقوی است لکن حلمه یعنی کنه بود را
بنا بر احوط نیندازد خصوصا از شتر خود و کنه کوچك را
توان بی اشکال از جامه و بدن و شتر دور کرد **نوزدهم**
پوشیدن همه سر از برای مردان در حال اختیار و همچنین
حرام است پوشیدن بعضی از سر از برای ایشان بلباس
اظهر چنانکه سید مرحوم و میرزای مرحوم اختیار فرموده
اند و اشکالی نیست در حرام بودن هرگاه ساتر از چیزهائی

که بحسب غالب عادة سر بانها پوشیده میشود مانند عمامه و کلاه و عرقچین
واما در پوشیدن بمثل کلاه کاغذی و مخضوب کردن بمانند حنا
وگل و طبق و زنبیل اشکال نیست واحتیاط ترک است بلکه قول بان
خالی از قوة نیست بلکه اقوی است چنانکه آن دو جناب فتوای داده
اند و بجاریدن سر پوشیدن صادق نمی آید بلکه بعض از اخبار معتبره
بخصوص آن دلالت دارد و گذاشتن سر بروی بالش باعث پوشانیدن
سر نمیشود و همچنین هرگاه عمامه خود را بالش قرار دهد و هرگاه
سهوا سر را بپوشد واجب است که فورا ساتر را بیندازد و احتیاطا
تلبیه نیز بگوید و پوشیدن رو در حق مردان جایز است و در حق
زنان حرام است اگرچه روی خود را بر باد زن و کاغذ بپوشند
و برو خوابیدن در حق ایشان ضرر ندارد و هرگاه زنان محتاج بپوشیدن
رو باشند بجهت ندیدن نامحرم باید مقنعه خود را برو بیاویزند
از سر خود تا طرف بینی بلکه تا گردن و اولی آن است که مقنعه
بصورت او برنخورد یا دست خود را حایل قرار دهد یا چوب را
مانع از رسیدن نماید بیستم ارتماس نمودن یعنی سر را بزیر
آب بردن و اما آب ریختن بر سر و شستن آن با ضرر ندارد بلکه
دست بر سر مالیدن نیز ضرر ندارد مگر آنکه مظنه خون آمدن
یا افتادن مو داشته باشد در اینصورت ترک نماید

بیست یکم

بیست یکم پوشیدن سلاح بجهت ترس از دزد و دشمن و درنده
بنا بر احوط بلکه اقرب چنانکه صریح فتوای مرحوم میرزا است
بیست دویم سایه بان قرار دادن در حال راه رفتن از برای
مردان و در حکم سایه بان است بودن در جای سقف دار
مانند کجاوه و محملی که سقف دار باشد چه شب راه رود و چه
روز خواه هوا صاف باشد یا نباشد خواه او را گاهی آفتاب بگیرد
یا نه و هرگاه جامه را بروی چوبی نصب کند و برابر صورت خود بدارد
که آفتاب او را آزار نکند سید مرحوم و جناب میرزا این را جایز
میدانند چنانکه صریح فتوای [illegible] علامه رحمه الله در کتاب
منتهی بلکه از ظاهر کتابهای عالی مقدار مستفاد میشود که این
قسم را جمیع علمای امت رسول صلعم تجویز نموده اند و احوط ترک
آن نیز هست هرچند که جواز اقوی است و هرگاه در بالای سر
چادر را در اینصورت نگاه دارد بنوعیکه مجموع سر در زیر سایه آن
باشد جناب میرزا اشکالی در حرام بودن آن نموده و فرموده که اجتناب
احوط است لکن حرمت در کمال قوة است و راه رفتن در زیر سایه محمل
و کجاوه و دیوار و درخت و مانند اینها اگر چه در همه احوال باشد عیب
ندارد چنانکه عیب ندارد هرگاه بعض جسد خود را در زیر سایه نگاه
دارد ولکن احوط چنانکه جناب سید مرحوم فرموده ترک همه اینها کردن

مکروه رفتن در زیر سایه بعد از فرود آمدن از شتر آن و بی اشکال
جایز است سایه بان قرار دادن در حالت فرود آمدن چه نشسته باشد
و چه غیر نشسته و هم چنین جایز است در حالت ضروره مثل آنکه بیمار شود
یا بسیار سرد شود یا گرم باشد که طاقت نتواند آورد و باید بعد از آن
فدا دهد یعنی گوسفندی قربانی نماید و بر زنان و کودکان حرجی نیست
در سایه بان قرار دادن هر قسم در هر حال بیست یکم بریدن درخت
و کندن و تراشیدن خار و علفها و گیاه هائیکه در حرم میروید اگرچه خشک
باشد و احوط بلکه اقوی عدم جواز منتفع شدن بآن است اگرچه
بباد و مانند شکسته و افتاده باشد و حرم چهار فرسخ در چهار
فرسخ است و چنانکه حرام است بر محرم حرام است بر غیر محرم و حلال
بر هر [illegible] دو هر گاه خود کاشته باشد چنانکه بریدن و کندن درخت
خرما بلکه هر درخت میوه دار که باشد اگرچه در منزل او نباشد حلال است
چون درخت اذخر که درخت مشهور است و بوی خوش دارد بیست
چهارم فسوق است و آن حرام است بی اشکال خواه مراد از آن مطلق
دروغ باشد خصوصا دروغ بر خدا و خواه مراد از آن فحش دادن
باشد و خواه مراد از آن مفاخرت کردن بذکر صفات کمال خود یا سلب
کردن از غیر و دفع صفات نقص از خود کردن یا اثبات آن از برای
غیر و خواه مراد از آن مجموع باشد بیست و پنجم جدال است

و آن متحقق

و آن متحقق میشود بگفتن هر یک از لا والله و بلی والله قطعا و مطلق
قسم خوردن بنا بر احوط لکن با بودن مقسم به از الفاظ جلاله دال بر
بر ذات و صفات حضرت غایب و بقسم خوردن باسامی انبیا
و اولیا و قرآن متحقق نمیشود بنا بر اقرب و جدال است قسم خوردن
بمطلق بین و خصوص همین دو صیغه بجهت رفع دعوای باطلی
که خصم نموده بنا بر اقرب و هم جایز است قسم خوردن در مقام
مهربانی با برادر دینی مثلا که بالا تر نشین و او قسم خورد اگرچه
بیکی از این دو صیغه باشد که بالا نمی نشینم اگر صحیح دینی قسم
خورد لکن احوط ترک تکریر پی در پی است بدانکه حیض و نفاس مانع
احرام بستن نیست و در اینجا توان احرام در مسجد شجره بست و بزودی
گذشت و مکروهات احرام چند چیز است اول احرام بستن در رخت
سیاه یعنی دو جامه احرام سیاه نباشد بلکه مطلق رنگ خصوص
نیم رنگ بنا بر مشهور میان فقها دویم خوابیدن بر روی فرش
سیاه بلکه مطلق رنگ سیم جامهای احرام چرک دار نباشد
و احوط ترک شستن آنهاست هر گاه در اثنا احرام چرک شود مادام که
محل نشده باشد هر چند که کراهت خالی از قوة نیست چهارم
آنکه جامهای علم دار نباشد یعنی اندو رنگ بافته نشود یا بر روی

جامه یکرنك ونك دیکر بدو زند یا رنك نماید **پنجم** داخل حمام شده
خصوصا هرکاه بدن خود را مالش دهد یا غیر او را مالد **ششم**
لبیك در جواب کسی کفتن بلکه یا سعد بکوید وچرك از بدن برطرف
کردن ... مرحوم از جمله مکروهات شمرده و دلیلش را نیافتم

باب دویم

در طواف است و احکام آن بدانکه سنت است
که چون محرم بحرم برسد پیاده شود و بجهت دخول حرم غسل کند
و پاها را برهنه کند و نعلین خود را بدست کیرد و داخل حرم شود و در
وقت دخول قدری از کیاه اذخر بخاید که دهان او خوشبو شود
و از اعالی مکه هرکاه از راه مدینه رود داخل شود و چون بمکه رسد
و تواند که غسل کند باز نیز غسل کند و بعد از آن با رام دل و تن و کمال
شکستکی داخل مکه شود و چون بمسجد الحرام رسد سنت است که غسل
دیکر نماید و از باب بنی شیبه سنت است که داخل شود و آن حالا داخل
مسجد شده پس از باب السلام می آید تا بستونهائی که در انجا در بنی شیبه
بوده است میرسد و چون برابر آن ستونها رسد بایستد و بکوید
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
وَمِنَ اللهِ وَمَا شَاءَ اللهُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ
وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

رب العالمین

رَبِّ الْعَالَمِينَ وبا رام تن و دل و پای برهنه داخل مسجد
شود و چون داخل شود دست خود را بسمت آسمان بلند
کند در حالتیکه رو بکعبه نموده باشد و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هٰذَا فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقَبَّلَ تَوْبَتِي وَأَنْ
تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَتَضَعَ عَنِّي وِزْرِي اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَلَّغَنِي
بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى
اَللّٰهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُكَ
أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَؤُمُّ طَاعَتَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدَرِكَ
أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اَللّٰهُمَّ
افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ
پس باز با تانی و آرام روانه شود بحجر الاسود و کامها را نزدیك
هم بردارد از ترس الهی و چون به نزدیك حجر الاسود رسد
دستها را بلند نماید و حمد و ثناء الهی بجا آورد و بعد از آن
صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و از خدا سؤال نماید که اعمال
حج او را از او قبول نماید و سنت است که در این مقام دعائی کم

اللهم انی اشهدك ان هذا بیتك ... [illegible]

مکروه رفتن در زیر سایه بعد از فرود آمدن از شتر آن و بی اشکال
جایز است سایه بان قرار دادن در حالت فرود آمدن چه نشسته باشد
و چه غیر نشسته و هم چنین جایز است در حالت ضروره مثل آنکه بیمار شود
یا بسیار سرد شود یا گرم باشد که طاقت نتواند آورد و باید بعد از ان
فدا دهد یعنی گوسفندی قربانی نماید و بر زنان و کودکان حرجی نیست
در سایه بان قرار دادن هر قسم در هر حال **بیست سیم** بریدن درخت
و کندن و تراشیدن خار و علفها و گیاه هائیکه در حرم میروید چه خشک
باشد و احوط بلکه اقوی عدم جواز منتفع شدن بان است اگر چه
بباد و مانند شکسته و افتاده باشد و حرم چهار فرسخ در چهار
فرسخ است و چنانکه حرام است بر محرم حرام است بر غیر محرم و حلال الا
بر هر کاه ... دو هر کاه خود کاشته باشد چنانکه بریدن و کندن درخت
خرما بلکه هر درخت میوه دار که باشد اگر چه در ملک او نباشد جایز است
چون درخت اذخر که درخت مشهور است و بوی خوش دارد **بیست
چهارم** فسوق است و آن حرام است بی اشکال خواه مراد از ان مطلق
دروغ باشد خصوصا دروغ بر خدا و خواه مراد از ان فحش دادن
باشد و خواه مراد از ان مفاخرت کردن بذکر صفات کمال خود یا سلب
کردن از غیر و دفع صفات نقص از خود کردن یا اثبات آن از برای
غیر و خواه مراد از ان مجموع باشد **بیست و پنجم** جدال است

و ان متحقق

وآن متحقق میشود بگفتن هر یک از لا والله و بلی والله قطعا و مطلق
قسم خوردن بنا بر احوط لکن با بودن مقسم به از الفاظ ... دال بر
بر ذات و صفات حضرت غالب‌مه و بقسم خوردن باسامی انبیا
و اولیا و قرآن متحقق نمیشود بنا بر اقرب و جایز است قسم خوردن
بمطلق یمین و خصوص همین دو صیغه بجهة رفع دعوای باطلی
که خصم نموده بنا بر اقرب و هم جایز است قسم خوردن در مقام
مهربانی با برادر دینی مثلا که بالا تر نشین و او قسم خورد اگر چه
بیکی از این دو صیغه باشد که بالا نمی نشینم اگر چه دریچ قسم
خورد لکن احوط ترک تکرر بج در بج است بدانکه حیض و نفاس مانع
احرام بستن نیست و در اینجا توان احرام در مسجد شجره بست و بزودی
گذشت و مکروهات احرام چند چیز است **اول** احرام بستن در رخت
سیاه یعنی دو جامه احرام سیاه نباشد بلکه مطلق رنگ خصوص
سیوم رنگ بنا بر مشهور میان فقها **دویم** خوابیدن بر روی فرشی
سیاه بلکه مطلق رنگ **سیم** جامهای احرام چرک دار نباشد
و احوط ترک شستن آنهاست هر کاه در اثنا احرام چرک شود مادام
محل نشده باشد هر چند بکراهت خالی از قوة نیست **چهارم**
آنکه جامهای علم دار نباشد یعنی اندو رنگ بافته نشود یا بر روی

جامه یکرنگ زنگ دیگر بدوزند یا رنگ نمایند بیستم داخل حمام شدن
خصوصا هرگاه بدن خود را مالش دهد یا غیر او را بمالد بیست و یکم
لبیك در جواب کسی گفتن بلکه یا سعد بگوید و چرك از بدن برطرف
کردن را میرزای مرحوم از جمله مکروهات شمرده و دلیلش را نیافتم

باب دویم در طواف است و احکام آن بدانکه سنت است
که چون محرم بحرم برسد پیاده شود و بجهت دخول حرم غسل کند
و پاها را برهنه کند و نعلین خود را بدست گیرد و داخل حرم شود و در
وقت دخول قدری از گیاه اذخر بخاید که دهان او خوشبو شود
و از اعالی مکه هرگاه از راه مدینه رود داخل شود و چون بمکه رسد
و تواند که غسل کند باز نیز غسل کند و بعد از آن با رام دل و تن و کمال
شکستگی داخل مکه شود و چون بمسجد الحرام رسد سنت است که غسل
دیگر نماید و از باب بنی شیبه سنت است که داخل شود و آن حالا داخل
مسجد شده پس از باب السلام می آید تا ستون هائی که در اینجا در بنی شیبه
بوده است میرسد و چون برابر آن ستونها رسد بایستد و بگوید
السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
وَمِنَ اللهِ وَمَا شَاءَ اللهُ وَالسَّلامُ عَلَى اَنْبِيَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ
وَالسَّلامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ وَالسَّلامُ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

رب العالمين

رَبِّ الْعَالَمِينَ و با رام تن و دل و پای برهنه داخل مسجد
شود و چون داخل شود دست خود را بسمت آسمان بلند
کند در حالتیکه رو بکعبه نموده باشد و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْئَلُكَ فِي مَقَامِي هٰذَا فِي اَوَّلِ مَنَاسِكِي اَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَاَنْ
تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَتَضَعَ عَنِّي وِزْرِي اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَلَّغَنِي
بَيْتَهُ الْحَرَامَ اَلّٰذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَاَمْناً مُبَارَكاً وَهُدًى
اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُكَ
اَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَاَؤُمُّ طَاعَتَكَ مُطِيعاً لِاَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدَرِكَ
اَسْئَلُكَ مَسْئَلَةَ الْمُضْطَرِّ اِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اَللّٰهُمَّ
افْتَحْ لِي اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ
پس با زبانی و آرام روانه شود بحجر الاسود و کامها را نزدیك
هم بردارد از ترس الهی و چون به نزدیك حجر الاسود رسد
دستها را بلند نماید و حمد و ثناء الهی بجا آورد و بعد از آن
صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و از خدا سؤال نماید که اعمال
حج او را از او قبول نماید و سنت است که در این مقام دعائی که

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُكَ اَنَّ هٰذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ

که ابوبصیر از حضرت صادق ع روایت نموده بخواند الحمد لله الذی
هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر الله اکبر من خلقه واکبر ممن
اخشی واحذر ولا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
بعد از ان بگوید اللهم صل علی محمد وال محمد وبعد از ان سلام فرستد
بر انبیا و مرسلین همان سلامی که در برابر ستونهای باب بنی شیبه
در آنجا ساکن بود که بخواند وذکر شده بود وبعد از ان حجر الاسود را
در بغل گیرد وببوسد و رو و دستها را بان بمالد وهر گاه نتواند
دست بمالد اشاره کند و در این هنگام بخواند دعائی را که معویة بن
عمار بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت نموده وان این است
اللهم امانتی ادیتها ومیثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاة اللهم
تصدیقا بکتابک وعلی سنة نبیک اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله امنت بالله وکفرت
بالجبت والطاغوت وباللات والعزی وعبادة الشیطان
وعبادة کل ما یدعی من دون الله وهر گاه نتواند که همه این

دعا را

دعا را بخوانند بسبب ازدحام ومانند آن کافی است خواندن تا
اللهم تصدیقا وبعد از ان این دعا بخواند اللهم الیک بسطت
یدی وفیما عندک عظمت رغبتی فاقبل مسحتی واغفر لی
وارحمنی اللهم انی اعوذ بک من الکفر والفقر ومواقف الخزی فی الدنیا
والاخرة وبعد از انکه رو بحجر الاسود نمود و دعا را خواند مهیای
طواف شود بدانکه طواف چند شرط دارد اول آنکه از حدث
پاک باشد یعنی جنب نباشد و بی وضو نباشد بدون اشکال
در طواف واجب و بنا بر احوط در طواف سنتی هر چند بکیر اقوی
جواز است وهر گاه اب گیرش نیاید بجهت وضو وغسل تیمم
کند بجهت وضو وغسل دویم پاک بودن جامه و بدن است
از نجاست قطعا در طواف واجب و بنا بر اقوی در طواف سنتی نیز
واحوط اجتناب از جمیع نجاسات است حتی از نجاستی که بخشیده
شده از او در نماز ولکن اقرب عفو است سیم ختنه کردن در
مردان ودر زنان شرط نیست بنا بر اقوی چهارم ستر عورت است چنانکه
میرزا صاحب فتوی بان داده و از ظاهر کلام سید مرحوم علم اشتراط
مستفاد میشود و احوط بلکه اقوی است واما کیفیت طواف پس
واجبات او چند چیز است اول نیت است وکافی است بنا بر اظهر

من الکفر

از مری که در نماز عفو است [illegible]

چنانکه صریح فتوای سید مرحوم است قصد قربة بنوعی که فعل را از
غیر ممتاز نماید هر گاه محتاج بتعیین نباشد واحوط نیة کردن باین طریق
است که هفت مرتبه دور خانه کعبه میکردم در عمره اسلام عمره تمتع واجب
قربة الی الله و باید بر همان نیة باقی باشد تا آخر هفت مرتبه کردید نو
نیة غیر نیة اول نکند چنانکه فتوای سید مرحوم است اگر چه از ظاهر فتوای
میرزا استفاده میشود که باید در باید همان نیة باشد تا آخر طواف مرتبه هفت
دویم آنست که ابتدا کند بحجر الاسود در طواف بدون اشکال و
ابتدا کردن عرفا صادق می آید بجو برابر عرفی با حجر الاسود اگر چه سر
انگشت پای او قلیلی از حجر الاسود گذشته باشد چنانکه صریح
فتوای هر دو جناب است لکن احوط چنانکه علامه و جمع کثیری
از متاخرین فقها فرموده اند آنستکه باید اجزاء بدن او که پیش از
همه اعضا است مثل سر انگشت بزرگ پاها یا طرف بینی او برابر شود
با جزء اول از حجر الاسود واین در کمال اشکال است خصوص در وقتیکه
ازدحام شدید باشد ولکن این طریق تا مادامیکه ممکن شود ترک نکند یعنی
اگر چه قدری پیش از حجر الاسود باشد تا بان قصد که هر قدریکه برابر اول
حجر الاسود است اول طوافش باشد ضرر ندارد بلکه گاه هست که ضرور
باشد من باب مقدمه سیم ختم کردن بحجر الاسود است واین در کمال اشکال است
باین طریق که عرفا گویند که انتها طواف نیز برابر حجر الاسود شده اگر چه قدری
زیاد و کم شود واحوط چنانکه همه جماعت فرموده اند آنستکه ختم کند بهمان

نوعیکه

لیست توم

ابتدا کرده بود بنحویکه

نوعیکه زیاد و کم نشود واین نیز بسیار مشکل است که بعمل آید و در اینجا
نیز اگر قلیل در آخر طواف از حجر بگذرد از باب مقدمه باین نیة که آنقدری که
در برابر حجر بود آخر طوافش باشد خوبست چهارم خانه را در
هنگام طواف بسمت دست چپ اندازد پس هر گاه رو بخانه نماید
یا پشت بخانه کند یا خانه را میان دو چشم خود قرار دهد مجزی نخواهد
بود و باید از سر بگیرد و کج شدن قلیلی بسمت دست راست ضرر ندارد
پنجم آنکه حجر اسمعیل را داخل در طواف نماید یعنی اینکه در گردش دور
خانه حجر حضرت اسمعیل را داخل کند و در اینجا ملاحظه کامل نماید که دائم
بسبب داخل شدن حجر اسمعیل خانه از دست چپ بیفتد یعنی اینکه
قدری دور طواف کند تا بسبب داخل شدن حجر باز خانه در سمت
چپ واقع شود ششم آنکه هفت مرتبه بهمین قسم دور خانه
و حجر گردش نماید هفتم آنکه طواف در میان خانه و مقام حضرت
ابراهیم ع که در این زمان مقام است واقع شود و مراد بمقام حضرت
ابرهیم سنگی است که قدم مبارک حضرت بر او قرار گرفت در هنگامیکه
بناء دیوار کعبه مینمود نه آن موضعی که سنگ در آن موضع است و
از دور ان دیوار کشیده اند پس خود آن سنگ هم در طواف است نه دیوار
و هر گاه بر روی دیوار طواف نماید بنوعی که آن سنگ داخل در
مطاف نباشد ضرر ندارد و اظهر چنانکه فتوای سید مرحوم و میرزا است

مرحوم است انسکه در همه اطراف خانه مقدار مسافت مابین کعبه و مقام را
باید اعتبار کرد باینمعنی که طواف کننده در هنگام طواف بیش از اینمقدار
که بعضی تحدید کرده اند او را به بیست و شش ارش از هر سمت خانه دور
نشود و قول ابن جنید بجواز آن ضعیف است **هشتم** انکه بدن طواف کننده
در هنگام طواف بجمیع اعضاء از کعبه خارج باشد پس هر گاه در هنگام
طواف دست خود را داخل در دیوار خانه نماید باید اعاده ان گردش نماید
ثانیا بنوعیکه دست او داخل نشده باشد و هر گاه بهمان حال اکتفا کند
باید اعاده طواف نماید و در این حکم است بنا بر احوط بلکه بنا بر اقوی انکه
در هنگام طواف دست خود را بدیوار خانه برساند و هر گاه اراده دست
رسانیدن نماید دران حال ترک طواف کند و بنا بر اینکه باید در طواف
جمیع بدن خارج از کعبه باشد پس باید که شاذروان که قدری از اساس دیوار
کعبه است که در تعمیر آخر کعبه او را واگذاشته اند و دیوار را عقب تر
ازان بلند کرده اند داخل در طواف نماید نیز و بر روی او راه نرود که
طوافش باطل میشود هر گاه بان اکتفا نماید بهتر دانسته است مرحوم
میرزا آن را که مقدار شاذروان را که تحدید فرموده اند بمقدار یک
ارش در همه اطراف ملاحظه نماید و دلیلش را اگرچه نیافتم لکن مضایقه
در عمل بفرموده ایشان نیست و سنت است که در حال طواف دعا بخوانند
باین دعائیکه در صحیح معویه ابن عمار وارد شده است از حضرت صادق

[illegible]

که انجناب

که آنجناب امر فرموده اند او را بخواندن این دعا در حال طواف اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ کَما یُمْشی بِهِ
عَلی جُدَدِ الْاَرْضِ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ وَ
اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی تَهْتَزُّ لَهُ اَقْدامُ مَلائِکَتِکَ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ
الَّذی دَعاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَلْقَیْتَ
عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی
اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأَخَّرَ وَاَتْمَمْتَ عَلَیْهِ
نِعْمَتَکَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا و بعد ازان حاجتهای خود را طلبد و
کار را در جمیع هفت گردش سنت است که متوسط میان تند رفتن
و کند رفتن قرار دهد باینمعنی که نه تند رود و نه کند بلکه میانه روی
نماید و از فتوای مرحوم میرزا حکم باستحباب تنگ گذاشتن گامها
در جمیع گردشها مستفاد میشود و قایل بان معلوم نیست و هر چند وقت که
بدر خانه کعبه رسد سنت است که صلوات بفرستد چنانکه در صحیح
معویه ابن عمار وارد شده است یعنی بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و در احوال طواف این دعا را نیز سنت است که بخوانند که در همان حدیث
وارد شده است اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَاِنّی خائِفٌ مُسْتَجیرٌ فَلا تُبَدِّلْ

اِسْمِی وَلَا تَغَیَّرَ جِسْمِی و چون بحجر اسمعیل رسد سنت است که بگوید اللّٰه
اکبر اللّٰهمّ صلّ علی محمّد وال محمّد اللّٰه اکبر السلام علی رسول اللّٰه صلّی
اللّٰه علیه واله و در حدیث معتبر وارد شده که حضرت سید سجاد ع
در هنگامیکه بحجر اسمعیل می رسیدند پیش از انکه بناودان طلا رسند
سر بسوی آسمان مینمودند و میفرمودند اللّٰهمّ اَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ
وبعد از ان نظر بناودان مینمودند و میفرمودند وَاَجِرْنِی بِرَحْمَتِكَ
مِنَ النَّارِ وَعَافِنِی مِنَ السُّقْمِ وَاَوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ
عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ واز
از حضرت صادق بسند صحیح وارد شده که آنجناب میفرمودند وقتیکه
بانتهای کعبه میرسیدند در هنگام تجاوز کردن از حجر اسمعیل میفرمودند
یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْجُودِ وَالْکَرَمِ اِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی
وَتَقَبَّلْهُ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و سنت است نیز که در میان رکن
یمانی و حجر الاسود این دعا که در صحیح معاویة بن عمار از همان جناب
معدن القاب وارد شده رَبَّنَا اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْاٰخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و خواندن این دعا در میان رکن یمانی و حجر
اسمعیل نیز مناسب است و سنت است که همه ارکان اربعه را یعنی رکن عراقی

که دراو

که دراو حجر الاسود مضروب است با رکن یمانی و رکن شامی و رکن غربی
استلام نماید یعنی در بر گیرد و ببوسد و دست خود را بر ان بماله
خصوصا رکن یمانی که بعضی واجب میدانند دست مالیدن
بر او را و در هنگام بوسیدن و بغل گرفتن رکن یمانی این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ تُبْ عَلَیَّ حَتّٰی اَتُوبَ وَاعْصِمْنِی حَتّٰی لَا اَعُودَ و چون در گردش
هفتم بمستجار که آن پشت کعبه نزدیک رکن یمانی برابر در خانه است
برسد بایستد و دستهای خود را بگشاید و بگذارد بر خانه و رو
و شکم خود را برساند بکعبه و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُكَ
وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهٰذَا مَکَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ و بعد از ان گناهان
خود را در نظر خود ممثل کند و اقرار بانها تفصیلا اگر تفصیل انها را بداند
و اجمالا اگر تفصیل آنها را نداند و هر بنده که گناهان خود را ذکر نماید
و طلب آمرزش نماید حقتعالی عالم از رحمت خود گناهان او را بیامرزد
و بعد از ان سنت است که بگوید اَللّٰهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعَافِیَةُ
اَللّٰهُمَّ قَنِّعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی وَبَارِكْ لِی فِیمَا اٰتَیْتَنِی اَللّٰهُمَّ اِنَّ
عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی اَللّٰهُمَّ وَاغْفِرْ لِی مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی
وَخَفِیَ عَلٰی خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اَسْتَجِیرُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاَجِرْنِی مِنْهَا
بعد از ان هر حاجت که داشته باشد بخواهد و بعد از ان استلام رکن یمانی

نماید و بعد ازان برکن عراقی خود را برساند و حجر اسود را بغل کرفته ببوسد
و هفت شوط تمام میشود و در همه هفت کردش بارام تن و دل بودن
سنة میباشد چون بذکر خدا و بعد ازان چون بحجر الاسود در کردش هفتم رسید
سنت است که این دعا بخواند اللهم قنعنی بما رزقتنی و بارک لی فیما
ابقیتنی و باید در وقتیکه میخواهد حجر را ببوسد یا دست بمالد یا
ارکان را در برکیرد ان موضع طواف را نشان کند و بعد از کردن این اعمال
برکردد بهمانجا مبادا اکر زیاد و کم شود که زیادتی آن بنا بر اظهر باعث
بطلان طواف میشود و حرام است اکرچه زیاده بقصد طواف بعمل نیاید
پس بهتر آنستکه آدم بی وقوف و بی دست با این اعمال را در طواف
سنتی بکند و در طواف واجب احتیاط خود را نکاه دارد که مبادا عیب
کند و بعد از فراغ از طواف برود در مقام ابراهیم ع و در دو رکعت نماز بکند
و آن دو رکعت واجب است در طواف واجب و سنت در طواف سنة اصح
و مکان کردن آن دو رکعت پشت آن سنک است که مذکور شد که اثر
قدم حضرت ابراهیم ع در آنجاست و دو طرف راست و چپ آن سنک
نیز جایز است بشرط آنکه سر او در حال سجده از سنک نکذرد بلکه سر
او از جزء آخر آن پیش نرود ولیکن داخل آنخانه که سنک در آنجاست
توان رفت و در پشت آن سنک و در طرفین آن بشرط مذکور نماز توان
کرد ولکن احوط آنست که نماز در آنخانه بجا آورد در پشت آن سنک

بنوعیکه

بنوعیکه آن سنک بمنزله پیشنماز از برای او باشد و در صورت هجوم
عام و حصول ازدحام دورتر هم توان نماز کرد بقدریکه رفع ضرورة
شود و هرکاه خوف داشته باشد در اینصورت هرکاه پشت سر سنک
توان نماز کرد مقدم دارد بر جانب راست و چپ و این حکم مخصوص نماز
طواف واجب است و اما طواف سنتی پس او را توان در هر جا از مسجد
الحرام بجا آورد و این نماز اذان و اقامه ندارد و چنین نیت کند که دو
رکعت نماز طواف میکنم در عمره اسلام عمره تمتع واجب قربة الی الله
و چنین نیت کردن احوط است و اظهر آنستکه کافی است قصد قربة تنهائی
و در بلند خواندن حمد و آهسته خواندن اختیار دارد و سنت است که در
رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت دویم بعد از حمد
قل یا ایها الکافرون بخواند و بعد از سلام حمد و ثنای الهی بجا آورد و
درود پیغمبر و آل آن بفرستد و از خداوند خود سؤال نماید که از او قبول
کند و دعای ماثور را بخواند و آن اینست اللهم ارحمنی بطواعیتی
ایاک و طواعیتی رسولک صلی الله علیه و آله اللهم جنبنی
ان اتعدی حدودک و اجعلنی ممن یحبک و یحب رسولک و ملائکتک
و عبادک الصالحین و بعد ازان رو بحجر الاسود نموده و دست و بدن
خود را بر آن بمالد و ببوسد و هرکاه نتواند دست بمالد اشاره کند

وخواندن دعائیکه ذکر شد سابقا یعنی دعای اللهم امانتی ادیتها ومیثاقی
تعاهدته تا آخر نیز مناسبست ومکروهست حرف زدن بغیر قرآن وذکر
ودعا در اثناء طواف خصوصا شعر خواندن مگر آنکه مدح ائمه ع یا مشتمل
بر موعظه ومانند آن باشد وهم چنین مکروهست بجانب راست وچپ
نگاه کردن بدانکه هرگاه دو رکعت نماز را فراموش کند در هر موضعیکه
بخاطر آورد هرگاه ممکن است که برگردد برگردد ودو رکعت نماز را در
مقام حضرت ابراهیم بجا آورد وحاجتی نیست باعاده کردن آنچه بعد
ازاو بترتیب بایست بعمل آید از سعی وطواف نساء وسایر چیزها و
هرگاه ممکن نباشد یا مشقت شدیده در بازگشتن باشد در همانجا
که بخاطر آورد دو رکعت نماز را بجا آورد بنیة قضا بدانکه طواف
رکن است پس هرگاه عمدا ترک شود حج او باطل خواهد بود وجاهل
مسئله نیز باید اعاده حج نماید وشتری نیز قربانی کند واحوط لزوم برگشتن
است بر عامد نیز هرگاه فراموش کرد بجا آوردن طواف را باید قضا
کند وحج او بهم نمیخورد وهرگاه نتواند که مراجعت کند نایب بگیرد و
فرقی نیست درمیان طواف حج وطواف زیارت وطواف نساء وشک
کننده در عدد طواف بعد از فراغ شک او اعتبار ندارد یعنی طواف او
صحیح است وبر او چیزی لازم نیست وتعبیر کرده است سید مرحوم فراغ
از طواف را باعتقاد کردن تمام پس هرگاه اعتقاد نموده باشد بتمام شدن
طواف را شکش اعتبار ندارد اگرچه در مطاف باشد واگرچه منافی

طواف را بعمل نیاورده باشد وهرگاه اعتقاد تمام نداشته باشد پس شک
او شک پیش از فراغ خواهد بود که حکمش حال خواهد ذکر شد اگر
چه نزدیک بحجر الاسود آمده باشد واگرچه از مطاف گذشته باشد
ومنافی طواف را بجا آورده باشد وظاهر آنستکه فراغ متحقق میشود
بآمدن در مطاف خصوصا با فعل منافی اختیاری اگرچه اعتقاد تمام
شدن نداشته باشد وهرگاه شک در اثنا طواف باشد پس هرگاه
شک کند بعد از آنکه ختم بحجر الاسود نمود در اینکه گردش که نموده بود هفتم
بوده یا هشتم بنا را بر هفتم گذارد ومشغول نماز طواف شود در مقام
هرگاه چنین شک پیش از رسیدن بحجر الاسود باشد طوافش باطل
است وباید از سر گیرد وهم چنین از سر میگیرد بنا بر اظهر هرگاه شک
کند در اینکه هفت گردش بجا آورده یا شش یا چهار یا پنج بجا
آورده یا شش [illegible] بجا آورده یا چهار ودو بجا آورده یا سه ویک
بجا آورده یا دو وحکم در همه صورت یکی است اگرچه شک سه تایی
یا چهارتائی باشد بمعنی اینکه شک کند در اینکه دو است یا سه
یا چهار یا پنج است وآنچه ذکر شد در طواف واجب است واما در طواف
سنت پس بنا را بر اقل گذارد وهرگاه سهو کند وکم کند از طواف گردشی
یا بیشتر یا کمتر پس هرگاه بخاطرش بیاورد در حالیکه از محل طواف

نکذشته باشد تمام میکند مادامیکه منافی طواف را بعمل نیاورده باشد
و دور نیست که طول کشیدن بسیار نیز از جمله منافیات باشد
و هرکاه از محل طواف کذشته باشد و طواف طواف واجب باشد
بر میکردد و از سر میکیرد و هرکاه چهار دورهٔ طواف را بعمل نیاورده
باشد و هرکاه چهار دوره طواف را بجا آورده باشد از سر کرفتن لازم
نیست و انچه را که فراموش کرده بجا آورد و هم چنین است حکم هرکاه
طواف را ترک نمود بجهة وقوع حدث یا بجهت حصول مرض یا بجهت
دخول جوف خانه کعبه و هرکاه قطع طواف نموده باشد بجهة کردن
نماز واجب یومیه از سر کرفتن لازم نیست بلکه جایز نیست پس باید
کناز همانجا قطع طواف کرده بکیرد تمام کند و هرکاه داخل در سعی
میان صفا و مروه شود و بخاطر آورد که اصلا طواف را بجا نیاورده
باید بر کردد و طواف را بجا آورد و بعد از ان نماز طواف کند و بعد از ان
مشغول سعی میان صفا و مروه شود و هرکاه بخاطر آورد که طواف را
تمام نکرده احوط آنستکه بر کردد و طواف را اتمام کند و بعد از اتمام از سر کیرد
و دو رکعت نماز طواف بلکه چهار رکعت را بجا آورد و بعد از ان مشغول
سعی شود و احوط اعاده کردن سعی است اکرچه بعضی از سعی را بجا آورده
باشد و هرکاه سهو کند و چیزی از طواف را زیاد کند پس هرکاه بخاطر

آورد

آورد بعد از انکه بحجر الاسود رسد احوط آنستکه شش مرتبه دور دور
خانه بکردد تا چهارده کردش شود و چهار رکعت نماز کند دو
بجهت طواف اول و دو بجهت طواف دویم و دو رکعت طواف
دویم پیش از سعی و دو رکعت طواف اول بعد از سعی بجا آورد و هرکاه
بخاطر آورد پیش از رسیدن بحجر الاسود جایز است دست بر داشتن
از طواف بمعنی اینکه ان زیاده ضرر در طواف ندارد بسبب انکه سهوا
زیاد شده و لکن تمام کردن در اینصورت نیز اولی است و هرکاه کسی
طواف را بجا آورد در جامه نجس پس هرکاه دانسته که جامه او نجس بوده طواف
او باطل است و هرکاه مطلع نباشد بر نجس بودن جامه و بعد از
فراغ از طواف مطلع شود بر او حرجی نیست و هرکاه فراموش کرده
باشد نجاست جامه و بدن را و بعد از طواف بخاطر آورد احوط آنستکه
اعاده طواف نماید اکرچه حکم بکفایة طواف او اقرب است و هرکاه
و هرکاه در بین طواف مطلع شود که جامه یا بدن نجس است باید
طواف را قطع کند و نجاست را بر طرف کند و در لزوم اعاده طواف و
کافی بودن بنا کذاشتن و تفصیل دادن میان انکه موقوف باشد بر طرف
کردن نجاست بر فعلی که منافی طواف باشد پس حکم باعاده و میان
غیر انه پس حکم به بنا کذاشتن و میان بجا آوردن چهار دوره طواف
پس تا میان غیر ان پس اول چند احتمال است دویم اقرب است



واحوط بنا گذاشتن است وبعد از تمام کردن از سر گرفتن است وهرگاه
کسی فراموش کرده باشد وبعد ازان طواف را بجا آورد که بی طهارت طواف را
بجا آورد یعنی وضو وغسل نداشته باید اعاده کند هرگاه طواف واجب باشد
وهرگاه نماز طواف کرده باید اعاده کند ودر موضعیکه فساد طواف شده
یا بعمل نیاورده هرگاه متمکن نباشد جائز است نائب بگیرد بلکه واجب است

باب سیم در سعی میان صفا ومروه چون خواهد متوجه سعی
شود سنت است که بنزدیک حجر الاسود آید وآن را ببوسد وبدن
ودستها را بان بمالد وهرگاه نتواند اشاره کند ودور نیست که این سنت
یعنی سنت بوسیدن حجر باشد که بعد از نماز بجا آورده هرچند که از کلمات
مرحوم میرزا تعدد مستفاد میشود ودلیل درستی در این باب بنظر نرسیده
وامر سهل است وبعد ازان سنت است آشامیدن از آب زمزم ودر وقت
آب خوردن سنت است که بگوید اللهم اجعله علما نافعا ورزقا واسعا
وشفاء من کل داء وسقم وسنت است که خود یک دلو یا دو دلو آب کشد
از همان دلو که نزدیک حجر الاسود است وبر سر وپشت وشکم خود ریزد
وهمان دعا را بخواند وبعد ازان نزدیک بحجر الاسود رفته چنان کند که پیشتر
وقت کرد پس متوجه کوه صفا شود وازان دریکه مقابل حجر الاسود است
بیرون رود وبر کوه صفا بالا رود بآرام دل وتن بقدریکه رکن خانه کعبه را
ببیند وبعد ازان رو نماید برکن عراقی که حجر الاسود در او منصوب است

وبعد ازان

وبعد ازان حمد وثناء الهی بجا آورده وبشمارد از نعمتهای الهی که با و لطف
کرده انچه را که تواند واز بلاهائی که از او دور کرده انچه را که تواند بعد
ازان بگوید الله اکبر هفت مرتبه الحمد لله هفت مرتبه لا اله الا الله هفت
مرتبه بعد ازان بگوید سه مرتبه لا اله الا الله وحده لا شریک له له
الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو
علی کل شیء قدیر بعد ازان سه مرتبه بگوید اللهم صل علی
محمد وال محمد الله اکبر علی ما هدانا والحمد لله علی ما اولانا
والحمد لله الحی القیوم وبعد ازان بگوید سه مرتبه اشهد ان لا اله
الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله لا نعبد الا ایاه مخلصین
له الدین ولو کره المشرکون وبعد ازان بگوید اللهم انی اسئلک العفو
والعافیة والیقین فی الدنیا والاخرة وبعد ازان سه مرتبه بگوید
اللهم اتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار
بعد ازان صد مرتبه بگوید الله اکبر وصد مرتبه بگوید الحمد لله و
صد مرتبه بگوید سبحان الله وبعد ازان بگوید لا اله الا الله انجز
وعده ونصر عبده وغلب الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد

وحده وحده اللهم بارك في الموت وفيما بعد الموت اللهم اني
اعوذ بك من ظلمة القبر ووحشته اللهم اظلني في ظل عرشك
يوم لا ظل الا ظلك و بعد ازان دین و نفس و اهل خود را بخدا بسپارد
که از لغزشها محافظت نماید بعد ازان بگوید استودع الله الرحمن
الرحيم الذي لا يضيع ودائعه نفسي وديني واهلي اللهم استعملني
على كتابك وسنة نبيك وتوفني على ملته واعذني من الفتنة
بعد ازان بگوید الله اکبر سه مرتبه بعد ازان بگوید الله اکبر دو مرتبه
بعد ازان بگوید الله اکبر یکمرتبه و یکمرتبه دیگر بگوید الله اکبر و یکمرتبه
دیگر نیز بگوید و هرگاه نتواند که همه این دعا را بخواند بعضی نیز کافی است
و در کتاب من لا یحضره الفقیه مذکور است که صد مرتبه بگوید لا اله الا الله
و صد مرتبه استغفر الله واتوب اليه بگوید و صد مرتبه اللهم
صل على محمد وآل محمد و بعد ازان این دعا بخواند يا من لا يخيب سائله
ولا ينفد نائله صل على محمد وآل محمد واعذني من النار برحمتك
و بعد ازان هر دعا که خواسته باشد بکند و عمل باین طریقه نیز نیکو است
و اول بهتر است و طول دادن دران مکان بقدر خواندن سوره بقره

سنت است

سنت است و بعد ازان فرود آمده در پله چهارم رو بکعبه بایستد
و بخواند این دعا که در همان کتاب مذکور است اللهم اني اعوذ
بك من عذاب القبر وفتنته وغربته ووحشته وظلمته وضيقه
وضنكه اللهم اظلني من ظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك
بعد ازان فرود آید و بگوید در حالتیکه پشت او نمایان باشد یعنی ردا
نباشد سر او یا رب العفو یا من امر بالعفو یا من هو اولى بالعفو یا
من یثیب على العفو العفو العفو يا جواد يا كريم يا قريب يا بعيد
اردد على نعمتك واستعملني بطاعتك ومرضاتك بعد
ازان راه رود بآرام تن و دل تا آنکه بمناره رسد که اول حد سعی
بر وجه وجوب بجهت آنکه بر بالای کوه صفا و کوه مروه رفتن
واجب نیست و همچنین بر بالای پلها بلکه کافی است چسبانیدن
پاشنه پا را بکوه صفا در هنگام رفتن و چسبانیدن سر انگشتان
پا را بجای پاشنه در هنگام مراجعت کردن و واجبات سعی
چهار چیز است اول نیت است و بهتر است که چنین نیت کند
که هفت مرتبه سعی در میان صفا و مروه میکنم در عمره اسلام
عمره حج تمتع واجب قربة الى الله و باید باقی بماند در حکم نیت تا آخر

هفت مرتبه بمعنی اینکه نیة مخالف نکند و بهتر آنستکه در پله چهارم
نیة کند از برای سعی و چون بر هر پایین رسد پاشنه پا را بکوه صفا
بچسباند و باز تجدید نیة کند دویم ابتدا کردن در سعی از صفا
سیم ختم کردن بمروه چهارم هفت مرتبه سعی کردن باینطوری
که رفتن از صفا بمروه را یک سعی حساب نماید و مراجعت از مروه
بصفا سعی دیگر حساب کند تا هفت مرتبه تمام شود و در هنگام سعی
باید از راه متعارف رود پس هر گاه مسجد الحرام را که در میان در آورد
و از در دیگر بیرون رود یا سوق لیل را راه خود قرار دهد مجزی نخواهد بود
و هم چنین باید بطریق معهود راه رود بمعنی اینکه رو بمقصود رود پس اگر
برپشت طی مسافت کند صحیح نیست و التفات کردن در بین راه یعنی نگاه
کردن جانب راست و چپ ضرر ندارد بلکه هر گاه رو را بالکلیه بجانب
راست و چپ اندازد ضرر ندارد و جایز است که سواره در محمل
سعی میان صفا و مروه نماید هرچند بی عذر باشد لکن افضل آنستکه
پیاده شود و در ابتدا شروع در سعی بآرام دل و تن رود تا بمناره اول
رسد از آنجا تا کوچه بازار عطاران هروله نماید یعنی تند رود مانند
شتر و کرک و هر گاه سواره باشد در محل هروله چاروای خود را
تند کند و بر زنان هروله نیست و در هنگام هروله کردن این
دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَصَلَّى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

علی اهل

عَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعَزُّ
الْاَكْرَمُ وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ اَقْوَمُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَا
عِفْهُ لِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي اَللّٰهُمَّ بِكَ سَعْيِي وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي
فَتَقَبَّلْ عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ و بعد از آن که داخل کوچه عطاران
شد باز بآرام دل و تن رود تا بمروه رسد و در هنگام رفتن این
دعا بخواند يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ يَا كَرِيمُ
و چون بمروه رسد سنت است که بالا رود و بهتر تکیه دکن عراقی نماید
شود پس رو بآن نموده و همان دعا که در صفا مذکور شد بخواند
و حاجتها را بخواهد و بعد از آن این دعا بخواند يَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ
يَا مَنْ يَجْزِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ زَيَّنَ الْعَفْوَ
يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ
يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ و
بسیار تضرع نموده و سعی کند که خود را بگریه آورد و بسیار جد
و جهد در طلب مغفرت و سؤال حاجتها نماید و نشستن در

[illegible]

در اثناء سعی بجهة راحت جایز است هم در کوه صفا و هم در کوه مروه
و هم در میانه **بدانکه** چنانکه طواف رکن حج بود هم چنین سعی میان
صفا و مروه نیز رکن است پس هرگاه کسی او را عمدا ترک کند اگرچه جاهل
بحکم بوده باشد حج او باطل است و فرقی نیست در میان آنکه سعی در
عمره باشد یا سعی در حج و هرگاه فراموش کرده باشد باید برگردد و سعی را
بجا آورد و هرگاه بخاطرش بیاورد مگر در جائی که نتواند برگردد یا
برگشتن براو مشقه شدیده باشد نائب بگیرد و هرگاه کسی عمدا یک
گردش را در سعی زیاده کند بلکه کمتر از این بقصد آنکه آن نیز از جمله
سعی واجب است حرام بجا آورده و سعی او باطل شده و اعاده براو
لازم است و هرگاه زیاده کرده باشد نه از این جهة در حکم ببطلان
خلاف است حکم ببطلان اقوی است و هرگاه زیاده شده باشد
بر عدد سهوا عیبی ندارد هرچند یکه چهارده گردش نموده باشد
باعتقاد آنکه مجموع رفتن از صفا و آمدن بآنجا یک گردش است
و در صورتیکه بخاطر آورده زیاده بجا آوردن را بعد از اکمال
گردش هشتم بعضی از علما فرموده اند که اختیار دارد در میان شش مرتبه
دیگر نیز گردش نماید تا چهارده تمام شود و میان آنکه شش زاید را
بیندازد و بهفت اکتفا نماید و دوم اصح است اگرچه نیز تخییر
محتمل است و هرگاه بیش از اکمال هشت مطلع شود و قطع نماید و هرگاه

از عدد هفتگانه سهوا چیزی را فراموش کرده هر وقت که بخاطر
آورد باید خود بجا آورد هرگاه تواند و هرگاه نتواند نائب
بگیرد و هرگاه جماع نماید پیش از بخاطر آوردن احوط آنستکه
یک گاو ماده قربانی کند و هرگاه یقین داند که چند شوط بجا
آورد ولکن نداند که از صفا ابتدا کرده یا از مروه پس هرگاه آن عدد را
که یقین میداند جفت باشد و در آن حالت بر صفا باشد معلوم
میشود که از صفا ابتدا نموده پس سعی او صحیح خواهد بود و هرگاه
آن عددیرا که یقین میداند طاق باشد و در آن حال بر مروه باشد
معلوم میشود که از مروه ابتدا کرده و سعی او باطل خواهد بود و هرگاه
بعد از اکمال عدد یقین داند که از صفا ابتدا نموده و شک داشته
که چند گردش بجا آورده شش بجا آورده یا هفت بجا آورده یا نه پس هرگاه
شک بر حال بودن او بر صفا باشد باطل است و بر او لازم است اعاده
و هرگاه شک او بر حال بودن او بر مروه باشد صحیح است و هرگاه قطع
سعی نماید بجهت کردن نمازهای یومیه یا بجهت حاجت برادر مؤمنی
خواه دعوت مهمانی باشد یا غیر آن جایز است تمام کردن از موضع قطع
هرچند یکه بیش از یک گردش بجا نیاورده باشد ولکن احتیاط در صورت
تجاوز نکردن از چهار گردش از سر گرفتن است بعد از تمام کردن و
واحوط قطع نکردن سعی است در هر جا که خواهد اگرچه جواز خالی

ازقوه نیست **بدانکه** چون از سعی میان صفا و مروه فارغ شد واجب
است که تقصیر کند و معنی تقصیر آنستکه جزئی از موی سر یا ریش یا شارب را
جدا کند یا جزئی از ناخن را بمقراض یا غیر آن بگیرد و سنت است که
تقصیر بعد از فرود آمدن از مروه باشد و سنت است که از موی ریش
و شارب و ناخن جزئی را از برای تقصیر بعد از سعی در اعمال حج بگذارد
و چون تقصیر بعمل آید حلال میشود بر معتمر هر چیز که بر او حرام شده بود
مگر سر تراشیدن و لکن سنت است که شبیه محرمان باشد و رخت دوخته
نپوشد تا احرام حج گیرد و در این هنگام تقصیر چنین نیت کند که تقصیر میکنم
از جهت محل شدن از عمره تمتع عمره اسلام واجب قربة الی الله و مقارن نیت
تقصیر کند

باب چهارم

در احرام حج تمتع است بدانکه بعد از
تقصیر در عمره تمتع واجب است که احرام حج گیرد و میقات این احرام
اندرون مکه است چنانکه گذشت و جایز است احرام بستن از هر موضع
که خواهد و افضل مواضع مسجد الحرام است و افضل مواضع مسجد الحرام مقام
حضرت ابراهیم ع است یا حجر حضرت اسمعیل و زن حایض و نفسا
در بیرون مسجد الحرام باید احرام بگیرند و افضل آن است که در روز هشتم
ذالحجه بعد از نماز ظهر و عصر احرام بگیرد و سنت است غسل احرام باین
نیة که غسل احرام حج اسلام حج تمتع میکنم سنة قربة الی الله و بعد از

غسل جامهای احرام بپوشد و بهتر آنستکه نیة کند در هنگام پوشیدن
جامها که دو جامه احرام می پوشم در حج اسلام حج تمتع واجب
قربة الی الله و هرگاه وقت نماز واجب نباشد سنة است که دو
رکعت نماز احرام بجا آورد باین نیة که دو رکعت نماز نافله احرام حج
تمتع بجا می آورم سنة قربة الی الله و بعد از نماز میخواند دعائی را که
در احرام عمره تمتع مذکور شد و بعد از خواندن بلا فاصله نیة کند
و بهتر آنستکه اول نیة حج کند که حج میکنم حج اسلام حج تمتع واجب
قربة الی الله و بعد از آن بلا فاصله نیة احرام کند که احرام میکنم بحج
اسلام حج تمتع و چهار مرتبه تلبیه میگویم بجهت عقد این احرام واجب
قربة الی الله و اختیار دارد میان گفتن تلبیه مقارن گذاردن نیة
و میان آنکه تاخیر اندازد تا رقطاء و در آنجا آهسته گوید و وقتیکه
مشرف شود بر ابطح سنت است بلند گفتن تلبیه و کیفیة تلبیه همان است
گذشت در احرام عمره و هر چه از احکام احرام که در احرام عمره گذشت
از واجبات و محرمات و مکروهات و مستحبات و ادعیه در این نیز
چنان است و تکرار تلبیات میکند خصوصا لبیک مشتمل بر ذی المعارج را
تا بعرفات و در عرفات نیز تکرار میکند تا زوال روز عرفه و بعد از آن
جایز نیست گفتن چنانکه گذشت **بدانکه** سنت است که با آرام تن
و دل از موضع احرام بیرون آید و متوجه منی شود و در هنگام توجه

بمنی این دعا که در صحیح معویة بن عمار از حضرت صادق ع وارد شده
بخواند اللهم ایاک ارجو و ایاک ادعو فبلغنی املی و اصلح
لی عملی و بعد از آنکه وارد منی شده این دعا را بخواند که در همان
حدیث مذکور است اللهم هذه منی و هی مما مننت بها علینا
من المناسک فاسئلک ان تمن علینا بما مننت به علی انبیائک
فانما انا عبدک و فی قبضتک و شب عرفه در منی بماند تا صبح و احوط
آنستکه قبل از صبح از آن موضع حرکت نکند و بهتر آنستکه در مسجد خیف
باشد و نماز کردن در نزدیک مناره که در وسط مسجد است سنت است
و آن موضعی است که جمیع پیغمبران در آن نماز کرده اند و دعاء شب عرفه
که در زاد المعاد مذکور است بخواند و همچنین سنت است که از وادی
محسر که منتهای منی است نگذرد مگر بعد از طلوع آفتاب که بعضی آنرا احوط دانند
و بعد از طلوع آفتاب روانه عرفات شود و سنت است که در هنگام
روانه شدن بسوی عرفات این دعا را بخواند که در خبر صحیح معویة
ابن عمار از حضرت صادق ع وارد شده اللهم الیک صمدت و ایاک
اعتمدت و وجهک اردت و قولک صدقت و امرک اتبعت
فاسئلک ان تبارک لی فی رحلتی و ان تقضی لی حاجتی و ان

تجعل

تجعلنی الیوم ممن تباهی به من هو افضل منی پس تلبیه گویان روانه شود

باب پنجم در وقوف بعرفات و وقوف بمشعر الحرام است بدانکه
واجبست در وقوف بعرفات دو چیز **اول** نیت است و احوط آنستکه
که چنین نیت کند که توقف میکنم در عرفات در حج اسلام حج تمتع واجب
قربة الی الله **دویم** ماندن در عرفات از زوال روز عرفه تا زوال شمس
بلکه رفتن سرخی مشرقی از سمت سر یعنی اینکه در هر یک از اجزاء
این زمان ممتد وقوف در عرفه را هرگاه حاجی بعمل آورد حج او
صحیح است و همین جهت است که توان غسل و نماز ظهر و عصر را در
بیرون عرفات بجا آورد و بعد از آن داخل در عرفات شود و لکن احوط
آنست که پیش از مقدار غسل و نماز ظهرین در خارج عرفات نماند
و تمام آن وقت در عرفات باشد تا غروب و در بین نیز بیرون نرود و
هرگاه عمدا پیش از غروب یعنی پیش از رفتن سرخی مشرقی کوچ کند گناه
کار است و باید قربانی کند هرگاه پیش از غروب بعرفات معاودت
نکرده باشد و اظهر آنستکه شتر قربانی کند و بگوسفند اکتفا نکند و
هرگاه کوچ کرده باشد بجهت آنکه مسئله را نمیدانست یا
فراموش کرده بر او چیزی نیست مگر آنکه پیش از غروب دانا شود
و فراموش کننده بخاطر آورد پس واجب است برگشتن و هرگاه بر
نگردد قربانی نماید بنابر احوط و هرگاه روز ممکن نشود او را وقوف

بعرفات اگرچه بنیت لحظه باشد باید شب عید در عرفات توقف کند
اگرچه قلیلی باشد هرگاه علم یا مظنه داشته باشد که مشعر الحرام را پیش از
طلوع آفتاب دریافت خواهد نمود و همچنین هرگاه فراموش
کرده باشد وقوف بعرفات را و در شب بخاطر آورد باید وقوف
نماید و هرگاه در چنین صورت ترک نماید مکث در عرفات را
حج او باطل است و هرگاه علم داشته باشد یا مظنه داشته باینکه
هرگاه شب در عرفات مکث نماید پیش از طلوع آفتاب در مشعر الحرام
نخواهد رسید باید در عرفات توقف نکند و پیش از طلوع آفتاب در
مشعر بماند و دانسته باشد که وقوف در مشعر بر دو قسم است اختیاری
که وقت آن از زوال تا غروب و اضطراری و وقت آن بعد از غروب
است تا صبح و سنت است که در وقت ظهر غسل کند و اسباب خود را جمع
آوری کند و اموری که باعث تشویش خواطر است از خود دور کند
و نماز ظهر و عصر را بیک اذان و دو اقامه کند و سمت دست چپ
نسبت بکسی که از مکه می آید در زمین هموار وقوف کند و با اصحاب
خود مجتمع شود و فرجه در میان خود و اصحاب خود نگذارد و در هنگام
دعا خواندن بپا ایستد و رو بقبله مشغول دعا شود و هرگاه
ایستاده از برای او شاق باشد که منافی حضور قلب باشد
بنشیند و در جمیع زمان وقوف مشغول ذکر و دعا باشد و از

برای

برای برادران دینی دعا کند بلکه بیشتر از برای ایشان دعا کند و دعای
یوم عرفه بسیار است و بهترین ادعیه دعای حضرت امام حسین ع
که در کتاب زاد المعاد مذکور است یا دعای حضرت امام زین العابدین ع
که در صحیفه مذکور و مشهور بدعای عرفه است و خواندن این دعا که در
صحیح معویة بن عمار مذکور است نیز سنت است و آن این است که بعد از
حمد و ثنای الهی و بعد از صد مرتبه الله اکبر گفتن و صد مرتبه سوره
قل هو الله احد خواندن و بعد از آن از برای هر خواهش خود خواهش داشته
باشد طلب نماید اللّهمّ ربّ المشاعر کلّها فکّ رقبتی
من النار و اوسع علیّ من الرزق الحلال و ادرء عنّی شرّ فسقة
الجنّ و الانس اللّهمّ لا تمکر بی و لا تخدعنی و لا تستدرجنی
یا اسمع السامعین و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین
و یا ارحم الراحمین اسئلک ان تصلّی علی محمد و آل محمد
و ان تفعل بی کذا و کذا و بعد از آن هر یک از حاجتهای خود را
در دل خود بگذراند و دستهای خود را بسمت آسمان بلند کند
و بگوید اللّهمّ حاجتی التی ان اعطیتنیها لم یضرّنی ما منعتنی
و ان منعتنیها لم ینفعنی ما اعطیتنی اسئلک خلاص رقبتی

که از برای

مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ اِنّي عَبْدُكَ وَمِلْكُ يَدِكَ وَناصِيَتي بِيَدِكَ
وَاَجَلي بِعِلْمِكَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُوَفِّقَني لِما يُرْضيكَ عَنّي وَاَنْ
تُسَلِّمَ مِنّي مَناسِكِيَ الَّتي اَرَيْتَها اِبْراهيمَ خَليلَكَ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْها حَبيبَكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ و نيز اين دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِمَّنْ رَضيتَ عَمَلَهُ وَاَطَلْتَ عُمْرَهُ وَاَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَماتِ
حَيٰوةً طَيِّبَةً و در هنکامیکه آفتاب خواهد غروب نماید این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشَتُّتِ الْاَمْرِ وَمِنْ شَرِّ ما
يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ اَمْسىٰ ظُلْمي مُسْتَجيراً بِعَفْوِكَ
وَاَمْسىٰ خَوْفي مُسْتَجيراً بِاَمانِكَ وَاَمْسىٰ ذُلّي مُسْتَجيراً بِعِزِّكَ وَاَمْسىٰ
وَجْهِيَ الْفاني مُسْتَجيراً بِوَجْهِكَ الْباقي يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيا
اَجْوَدَ مَنْ اَعْطىٰ جَلِّلْني بِرَحْمَتِكَ وَاَلْبِسْني عافِيَتَكَ وَاصْرِفْ
عَنّي شَرَّ خَلْقِكَ و بعد از آن حاجتهای خود را بخواهد و بعد از غروب
آفتاب در هنکام کوچ کردن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ
مِنْ هٰذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنيهِ اَبَداً ما اَبْقَيْتَني وَاقْلِبْنِيَ الْيَوْمَ مُفْلِحاً
مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لي مَرْحُوماً مَغْفُوراً لي بِاَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ

اليَوْمَ اَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ
مِنْ اَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَاَعْطِني اَفْضَلَ ما اَعْطَيْتَ اَحَداً مِنْهُمْ مِنَ
الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبارِكْ لي فيما
اَرْجِعُ اِلَيْهِ مِنْ اَهْلٍ اَوْ مالٍ قَليلٍ اَوْ كَثيرٍ وَبارِكْ لَهُمْ فِيَّ و بعد از آن
روانه مشعر الحرام شود چون بکثیب احمر که تلی است از ریک سرخ که در
دست راست واقع شده رسد این دعا بخواند که در صحیح معویة بن
عمار از حضرت صادق وارد شده اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفي وَبارِكْ لي في
عَمَلي وَسَلِّمْ لي ديني وَتَقَبَّلْ مَناسِكي و سنت است که در راه رفتن تند
باشد و تند نکند بلکه میانه روی نماید و چون بمشعر الحرام رسد این دعا
بخواند که در صحیح حلبی مذکور از همان جناب علیه السلام وارد است اَللّٰهُمَّ
هٰذِهِ جَمْعٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْمَعَ لي فيها جَوامِعَ الْخَيْرِ اَللّٰهُمَّ
لا تُؤْيِسْني مِنَ الْخَيْرِ الَّذي سَئَلْتُكَ اَنْ تَجْمَعَهُ لي في قَلْبي وَ
اَطْلُبُ اِلَيْكَ اَنْ تُعَرِّفَني ما عَرَّفْتَ اَوْلِياءَكَ في مَنْزِلي هٰذا وَاَنْ
تَقِيَني جَوامِعَ الشَّرِّ و در وجوب شب ماندن در مشعر خلاف است
فتوای مرحوم میرزا وجوب است و اقرب عدم وجوب است ولکن
احوط ماندن دران مکان شریف است در شب چنانکه مشهور قایلند

و بدامن کوه وقوف نماید و دران حال با غسل و وضو باشد ایستاده باشد
و این دعا که در فقیه مذکور است بخواند اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَرَبَّ
الرُّكْنِ وَرَبَّ الْحَجَرِ الْاَسْوَدِ وَزَمْزَمَ وَرَبَّ الْاَيّامِ الْمَعْلُوماتِ فُكَّ رَقَبَتي
مِنَ النّارِ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ وَادْرَءْ عَنّي شَرَّ فَسَقَةِ
الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ اِلَيْهِ
وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَلِكُلِّ وافِدٍ جائِزَةٌ فَاجْعَلْ جائِزَتي
في مَوْطِني هٰذا اَنْ تُقيلَ عَثْرَتي وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتي وَتَتَجاوَزَ عَنْ
خَطيئَتي وَتَجْعَلَ التَّقْوىٰ مِنَ الدُّنْيا زادي وَتَقْلِبَني مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً
لي بِاَفْضَلِ ما يَرْجِعُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ و بسیار
دعا از برای خود و والدین خود و اولاد خود و اهل خود و مال خود و
برادران دینی نماید و چون آفتاب بکوه ثبیر بتابد اعتراف بکناهان
خود نماید و هفت نوبت استغفار کند و روانه شود و احوط آنستکه
که از وادی محسر که حد منی و مشعر است نکذرد پیش از طلوع آفتاب اکر
چه سنت است کذشتن از اصل مشعر پیش از آفتاب از برای غیر امیر حاج
و چون بوادی محسر رسد در صد کام هروله کند یعنی تند حرکت کند
و هرکاه فراموش کند سنت است که برکردد و بجا آورد هروله را و هرکاه

سواره باشد چهار پا را تند حرکت دهد و در هنکام هروله این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَهْدي وَاقْبَلْ تَوْبَتي وَاَجِبْ دَعْوَتي وَاخْلُفْني فيمَنْ تَرَكْتُ
بَعْدي و سنت است که در مشعر الحرام سنک ریزهای که در جمرات
لازم است بردارد از هر موضع حرم مکر مسجد الحرام و مسجد خیف جایز است
برداشتن و سنت است آن سنک ریزه ها بقدر بند انکشت باشد و یکی
یکی از زمین بردارد و نقطه دار باشد یعنی نقطه سیاهی و در خود باشد
یعنی سخت نباشد بدانکه وقوف بر هشت قسمست اول وقوف اختیاری
در هر یک از عرفات و مشعر باین طریق که در مابین زوال و مغرب روز نهم
که عرفه است در عرفات مکث کند اکرچه اندک باشد و مابین طلوع
صبح و طلوع آفتاب در مشعر ماند اکرچه اندک باشد دویم وقوف
اضطراری در هر دو مکان باینمعنی که قلیلی از شب دهم در عرفه ماند
و از روز آن بعد از طلوع آفتاب در مشعر ماند سیم وقوف اختیاری
عرفه بتنهائی باینمعنی که ادراک نکند مکر مکث در عرفه را و از
برای او میسر نشود ماندن در مشعر نه در شب و نه در روز پیش از
زوال چهارم وقوف اختیاری مشعر بتنهائی باینمعنی که ادراک
نکند مکر مکث در مابین طلوعین را در مشعر و میسر نشود از برای
او ماندن در عرفه نه در روز نهم و نه در شب دهم پنجم وقوف
اضطراری عرفه بتنهائی باینمعنی که ادراک نکند مکر ماندن در جزئی

و محسر

پیش از زوال هم

وبنابراین پس بعد از ورود احوط آنستکه چنین نیة کند که شب را
بسر میاورم در مشعر الحرام در حج اسلام حج تمتع قربة الی الله ومتعرض
وجوب وسنة نشود وبعد از آن که صبح طالع شد احوط آنستکه
که تجدید نیة کند که می ایستم در مشعر الحرام تا طلوع آفتاب در حج
اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله ومجرد آمدن دران مکان شریف
کافی است اگرچه بعد از نیة بخواب رود یا بیهوش شود یا مجنون
کردد پس واجب در مشعر دو چیز است یکی نیة است ودیگری ماندن
بین طلوعین اگرچه اندک باشد قطعا وماندن در شب تا طلوع
آفتاب احتیاطا وزنان وکودکان ورفیقان ایشان وسایر معذوران
توانند که پیش از صبح حرکت نمایند از مشعر بمنی هرگاه به نیة وقوف
دران مکان شریف مانده باشد ولکن بعد از نصف بهتر است
وهرگاه کسی فراموش کرده از وجوب بودن دران مکان تا طلوع وپیش
ازان حرکت نماید حج او صحیح است وبر او چیزی لازم نیست وهرگاه عمدا
کوچ نماید باز بنا بر اظهر واشهر حج او صحیح است ولکن در اینصورت
باید یک گوسفند قربانی کند در منی بدون اشکال ودر حکم هر یک
از عامد وجاهل هرگاه وقوف اختیاری عرفات را دریافت نموده
باشد وبنا بر اظهر هرگاه وقوف اضطراری عرفات را دریافت نموده
باشد ودر صورتیکه هیچ یک را ادراک نکرده باشد محل اشکال است

واحوط بلکه اظهر لزوم برگشتن است بر هر دو هرگاه توانند که در
بین طلوعین در مشعر باشند وهرگاه نتوانند یا فراموش کنند بجواطرنا ونحو
پیش از زمان امکان برگشتن در سال دیگر حج کنند بعد از آنکه محل شوند
وعمره مفرده را بجا آورند یعنی بعد از گذشتن ایام تشریق که یازدهم
ودوازدهم وسیزدهم است در مکه آید وطواف خانه نماید وبعد از آن ۲
طواف نساء دو رکعت نماز بجا آورد جهت طواف وبعد از آن
سعی میان صفا ومروه نماید وسر تراشد یا از ناخن وموی چیزی بگیرد
هم چنانکه حکم هر کسی است که حج از او فوت شود وبهتر عدول کردن
از نیة حج است به نیة عمره مفرده وباقی ماندن بر احرام ومکث
نمودن در منی در آن سه روز حلاصراز برای مشعر نیز دو وقوف است
یکی اختیاری وآن اندک مکث در ما بین طلوعین است ودیگری
وقوف اضطراری است وآن از شب تا صبح واز طلوع آفتاب تا زوال
است بنا بر اظهر واشهر چنانکه فتوای سید مرحوم نیز همین است وسنت است
که نماز شام وخفتن خود را تاخیر اندازد که در مشعر بجا آورد اگرچه ثلث
شب بگذرد وجمع کند در آنجا میان نماز مغرب وعشا به یک اذان و
دو اقامه وچهار نافله مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد وبه نیة آداب شب را
تا صبح احیا نماید وبعبادت وذکر ودعا وتلاوت مشغول شود و
چون صبح شود نماز صبح را بجا آورد ونیة وقوف را بر وجه مذکور بکند

[margin:] رکعت ۲م
[margin:] لیس میان صفا ومروه [illegible]

بدست خود قرار دهد بر جمره کافی نخواهد بود **چهارم** هر یک را بان
میل رسانیدن وکافی است در رسانیدن هرگاه بزمین بقوة بر خورد و
از آنجا بجهد وبمیل برسد وهرگاه رسانیدن بفعل او نباشد یا فعل او با
فعل غیر باعث رسیدن شود کافی نیست وهرگاه شک کند در رسیدن بجمره
باید نو بیندازد وهم بر سطان **پنجم** آنکه در بعد از طلوع آفتاب باشد وشرطست
دران اینکه بکر باشند یعنی آن سنگ را دیگری نینداخته باشد بر می صحیح
واحوط اشتراط پاک بودن سنگ ریزها است واز حرم باشد واز جنس
کلوخ ودر نیچ وگچ وغیر آن نباشد واز سنگ بزرگ نباشد وسنت است
اینکه خود در هنگام انداختن با وضو باشد وغسل در اینجا سنت نیست واینکه
ده ارش فاصله تا پانزده ارش میان او وجمره باشد واینکه سنگ ریزها
بدست چپ گیرد ونگاه دارد وبدست راست بیندازد واینکه در حین
انداختن پشت بقبله ورو بجمره باشد واینکه پیاده باشد وسواره هم میتوان انداخت
وافضل بودن سواره چنانکه بعضی قایلند دلیلی درست ندارد واینکه بطریق
حذف بیندازد ودر تفسیر آن خلاف است اشهر واظهر آنستکه سنگ ریزه را
بگذارد بر شکم انگشت بزرگ وناخن انگشت شهادة بیندازد وهرگاه
اینقسم انداختن جمع نشود با دور شدن بمقدار ده ارش وزیاده این
قسم را احیا نماید چونکه بعضی قایل بوجوبند ومستحب است نیز دعا
خواندن پیش انداختن سنگ ریزه ها در حالیکه سنگ ریزها در

میان دستها باشد چنانکه در صحیح معویة ابن عمار از حضرت صادق ع
وارد شده وآن این است اَللّٰهُمَّ هٰؤُلَاءِ حَصَیَاتِی فَاَحْصِهِنَّ لِی
وَارْفَعْهُنَّ فِی عَمَلِی ودر هنگام انداختن هر یک از سنگ ریزها
این دعا بخواند اللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطَانَ اَللّٰهُمَّ تَصْدِیقاً
بِکِتَابِکَ وَعَلٰی سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
حَجّاً مَبْرُوراً وَعَمَلاً مَقْبُولاً وَسَعْیاً مَشْکُوراً وَذَنْباً مَغْفُوراً ومکروه
است بودن سنگ ریزها سرخ وسفید وسیاه وبعد از
آنکه از سنگ ریزه فارغ شد بمنزل مراجعت نماید واین دعا بخواند که در
حدیث صحیح وارد شده اللّٰهُمَّ بِکَ وَثِقْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ
فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلٰی وَنِعْمَ النَّصِیرُ **واجب دویم** از اعمال منی قربانی
کردن است یعنی ذبح کردن قربانی هرگاه غیر شتر باشد ونحر کردن آن
یعنی مثل کارد ونیزه در گودی گردن آن فرو بردن هرگاه شتر باشد
وواجب است دران چند امر **اول** آنکه قربانی شتر یا گاو یا میش باشد
وغیر اینها مانند اسب وآهو ومرغ کافی نیست وافضل در میان اقسام
شتر است واوسط اینها گاو وپست تر اینها میش وبز است پس هرگاه شتر
باشد باید پنج سال یا در ششم باشد وکمتر از آن کافی نیست وهرگاه گاو وبز باشد
باید یکسال تمام یا در دو باشد وکافی است در میش اینکه شش ماه تمام

از شب دهم در عرفات و میسر نشود از برای او ماندن در مشعر در بین
طلوعین بوند در شب دهم و نه در روز پیش از زوال **ششم** وقوف
اضطراری مشعر تنها ئی با ینطریق که میسر نشود از برای او مگر ماندن جزئی
در شب تنها در مشعر یا ماندن جزئی بعد از طلوع پیش از زوال و میسر نشود
از برای او مکث جزئی در عرفات نه در روز نهم و نه در شب آن **هفتم**
وقوف اختیاری عرفه با اضطراری مشعر باینطریق که در ما بین زوال و مغرب
روز عرفه در عرفات مکث کند اگر چه اندک باشد و شب دهم یا روز آن بعد از
طلوع آفتاب و پیش از زوال مکث کم در مشعر نماید و از برای او میسر نشود
ماندن در بین طلوعین در مشعر **هشتم** اضطراری عرفه با اختیاری
مشعر باینمعنی که در شب عرفه مکث در عرفات نماید اگر چه بلحظه باشد
و ما بین طلوعین روز عرفه در مشعر الحرام مکث کند اگر چه اندک باشد
او را میسر نشود ادراک اختیاری عرفه و همه این اقسام بی خلاف مجزی
اند و رفع شغل ذمه مینماید مگر قسم دویم و سیم و پنجم و ششم اما قسم
پنجم پس جزما مجزی نیست چنانکه مرحوم میرزا و سید مرحوم دعوی قطع
بر عدم اجزاء نموده اند و اما قسم دویم و سیم پس مشهور میان علما چنانکه
فتوای آن دو بزرگوار است صحت حج با دراک هر یک از آن دو تا است و حکم
در قسم دویم واضح است یعنی مجزی است و اما در قسم سیم مشکل است
و احوط عدم اجزاء است و اعاده و در دن بعمره مفرده چنانکه اشاره بکیفیت آن شد

هرچند یکه

هرچند یکه صحه محتمل است باحتمال قوی و در ششم آنجناب حکم بعدم
اجزا نموده اند و اخبار دال بر اجزا بسیار است و اخبار دال بر عدم اجزا نیز
بسیار است و اتیان را جح اند و عمل بایشان متعین است **بدانکه** حد
عرفات ما بین بطن نمره و عرنه و ثویه و ذات المجاز است پس هر گاه وقوف
در هر یک از اینها بعمل آید حج فاسد خواهد شد و حد مشعر الحرام میان مازمین
که نام محلی است که در ما بین عرفه و مشعر الحرام و میان وادی محسر است پس
هر گاه در یکی از حدود وقوف نماید مجزی نخواهد بود مگر در بالای مازمین
که در جانب مشعر واقع شده که در آنجا در صورت ازدحام ناس و تنگی جا
توان وقوف نمود و در معرفت این دو مکان شریف رجوع باهل آن ا مکنه
و کسانیکه معرفت بامکانها دارند توان نمود اگر چه افاده مظنه کند **باب
ششم** در اعمال منی است بدانکه اعمال واجبه سه است **اول** رمی جمره
عقبه است یعنی هفت سنگ ریزه زدن بمیلی که نزدیک تر بین میلها است
بمکه معظمه و در آن چند چیز واجب است **اول** نیت است و کافی است قصد
قربت و لکن احوط آنست که چنین نیت کند که این جمره یعنی میل را میزنم بهفت
سنگ ریزه در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و باید همان نیت باقی
باشد تا فراغ از زدن سنگ ریزها و نیت غیر قربت نکند و باید آن نیت مقارن
زدن سنگ ریزها باشد **دویم** انکه هفت سنگ ریزها بهفت مرتبه
انداختن بنا بر احوط بلکه خلافی ظاهر نیست **سیم** انداختن پس هر گاه

کرده داخل در هفت شده باشد و احوط انکه هفت ماه کامل کرده داخل
در هشت باشد و باید اینها کور نباشد قطعا هر گاه کوری اینها ظاهر باشد
باینطریق که مردمک چشم زایل شود بنا بر اظهر و هر گاه کوری آن ظاهر
نباشد مثل اینکه روی مردمک چشم را بیاض گیرد و هم چنین باید لنگ
نباشد بلنگی ظاهر بنوعیکه نتواند با گوسفندان بچرا رود و شریک ایشان
در علف نشود و اما هر گاه لنگی ظاهر نباشد احوط اجتناب کردنست هر
چند یکه دور نیست که کافی باشد و هم چنین باید لاغر نباشد و حد آن را
مشهور بر این طریق نموده اند که قلبهای او پیه نداشته باشد و بعضی تحدید
آن را بانچه در عرف او را لاغر گویند بعید ندانسته اند و اولی اظهر است
و اعتبار هر دو احوط است و هم چنین باید شاخ درونی که شاخ سفیدی
است که شاخ او را احاطه نموده شکسته نباشد و هر گاه شاخ بیرونی شکسته
باشد حرج ندارد و هم چنین باید گوش بریده نباشد بنوعیکه قطع نموده
باشند و هر گاه شکاف دار باشد یا سوراخ دار باشد بحیثیتی که از گوش
چیزی نیفتاده باشد حرجی ندارد و هر گاه بی گوش و بی شاخ
باشد بحسب خلقت اصلی باز هم ضرر ندارد یعنی بآن اکتفا توان نمود و هم
چنین باید بنا بر اظهر اینکه خصیه او را نکشیده باشند و بر طرف نکرده
باشند و هر گاه خصیه را آب نموده باشند بلکه کوبیده باشند یا بالا
داده باشند ضرر ندارد و احوط آنکه بیمار نباشد خصوصا هر گاه

بیماری

بیماری او ظاهر باشد و خصوص هر گاه بیماری جرب باشد و هم چنین
بسیار پیر نباشد و هر گاه خریده باشد باعتقاد چاقی و بعد از ذبح کردن
معلوم شد که لاغر بوده مجزی است و هر گاه پیش از کشتن معلوم شود
کافی نخواهد بود و هر گاه باعتقاد لاغری خریده شد و بعد از کشتن
معلوم شود که چاق بوده بآن اکتفا توان نمود و احوط عدم اکتفا
بآن است مگر انکه پیش از کشتن معلوم شود که ناقص بوده و چه بعد
از آن مجزی نخواهد بود بنا بر احوط بلکه اظهر چنانکه فتوای سید مرحوم
نیز همین است و هر گاه شروط سابقه جمع نباشد فتوای سید مرحوم آنکه
کافی است قربانی کردن انچه یافت میشود و احوط جمع کردن میان قربانی
آن و روزه گرفتن ده روز است هر چند دور نیست که اول اظهر باشد
دویم انکه قربانی از یکنفر باشد و دیگری باو شریک نباشد چه قربانی
در حج واجب باصل شرع باشد و چه قربانی در حج سنتی که واجب
میشود بشروع در ان چه در قربانی گوسفند و چه در قربانی شتر
و گاو و چه در حال اختیار و چه در حال اضطرار یعنی اینکه هر گاه قیمت
قربانی گران باشد یا بعد و هر سه یافت نشود مشارکت مجزی نخواهد بود
سیم انکه در وقت کشتن قربانی نیت کند یعنی قصد را رضای خدا قرار
دهد و بهتر آنست که چنین نیت کند که میکشم این قربانی را در حج اسلام
حج تمتع واجب قربة الی الله و نیابت در قربانی کردن جایز است هر چند خود

[Margin, written vertically:] ۷ ماهی بوده و هر گاه باعتقاد ناقصی خرید و بعد از کشتن معلوم شود که ... از کشتن و چه در

خود تواند که ذبح و نحر نماید و در این صورت اولی آن است که او و نائب
هر دو نیة کنند و نائب چنین نیة کند که این قربانی را بنیابة فلان
میکنم از حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و باید نیة مقارن
کشتن باشد و بر ان نیة باقی باشد تا آخر قربانی و نیة دیگر از ریا و
مانند آن نکند **چهارم** انکه قربانی که در روز عید کند بعد از سنک
ریزه زدن و پیش از سر تراشیدن و چیزی از موی خود و ناخن خود
جدا نمودن بنابر اشهر و اظهر و احوط چنانکه فتوای مرحوم میر سید است و فتوای
سید مرحوم استحباب است یعنی ترتیب سنة است و واجب نیست **پنجم**
انکه قربانی را سه قسمت کند یک حصه را از برای خود قرار دهد و از ان
قدری بخورد و در هنگام شروع بخوردن چنین نیة کند که از این گوشت قربانی
که در حج الاسلام حج تمتع قربانی نمودم میخورم قربة الی الله و بهتر آنست که تتمه
حصه خود را بخویشان که در همراه او می باشند بخوراند و هرگاه ایشان
نباشند با همسفران خصوص آنانیکه عیال او می باشند بخوراند و با
نبودن ایشان تصدق نماید و یکحصه را بعنوان تصدق بسائلین و فقراء
دهد و در هنگام دادن چنین نیة کند که تصدق میکنم این گوشت قربانی
حج اسلام حج تمتع را قربة الی الله و حصه سیم را هدیه بفرستد برای کسانیکه
از جمله مؤمنین باشند و مصاحبان و دوستان و قانع و معتر باشند
و در هنگام هدیه فرستادن چنین نیة کند که هدیه میفرستم این گوشت

قربانی

کسی که هر چه بهشد
قانع باشد

قربانی حج اسلام حج تمتع را قربة الی الله و قانع چنانکه در صحیح سیف
ابن سلیمان تمار وارد شده اگرچه گوشت پارچه باشد و معتر کسی است که
غنی ادنی تر از قانع است و از تو سؤال نمیکند و خواهش فرستادن نمیکند
و از برای او بیشتر میباید فرستاد و جمیع انچه گفته شد در تقسیم قربانی
طریقه احتیاط است و علما را در وجوب آن و سنة بودن آن
خلاف است هر چند یکه حکم بوجوب سه تقسیم فی الجملة اقوی است
چنانکه فتوای شیخ بهائی است اگرچه سید مرحوم و میرزای مرحوم
این طریقه را احوط میدانند و فتوای در اینمقام نداده اند و سنة است
که قربانی بسیار چاق باشد بنوعی که چاقی نمایان باشد و ماده باشد
هرگاه قربانی شتر و گاو باشد و نر باشد هرگاه قربانی میش و بز باشد
و انکه قربانی را در عرفات حاضر کرده باشد و کافی است خبر
دادن فروشندهٔ قربانی بانکه در عرفات حاضر شده و هرگاه
قربانی شتر باشد سنة است که نحر کننده در هنگام نحر در جانب
راست ایستد و دست چپ او را در ما بین زانو و پاشنه به بندد
و در حالتیکه ایستاده نحر نمایند و هم چنین سنة است انکه دست
خود را بر روی دست قصاب گذارد و قوة کند هرگاه نتواند خود
قربانی نماید و هرگاه صاحب وقوف باشد خود مرتکب نحر و ذبح
شود و در هنگام ذبح کردن این دعا را بخواند که در خبر صحیح

از حضرت صادق ع وارد شده وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضَ حَنِيفاً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ
وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا
مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ
تَقَبَّلْ مِنِّي و بعد ازان کارد را بکشد و مکروه هست قربانی جامیش
وانکه خایه او کوبیده شده باشد و قربانی کردن گاومیش بدانکه هرگاه
قربانی گیر نیاید بهمه اقسام و قادر بر بهاء آن و دادن قیمت آن باشد
باید بنا بر اظهر و اشهر آنکه قدر قیمت را در پیش شخص معتمدی بامانت
بگذارد که هر وقت که قربانی گیر آورد خریده بنیابت او قربانی کند
در ماه ذی الحجه و هرگاه دران ماه گیر نیاید در سال آینده قربانی کند
و هرگاه قادر نباشد تکلیفش آنستکه ده روز روزه بدارد سه
روز پی در پی در ماه ذی الحجه و بهتر آنستکه روز هفتم و روز هشتم
و روز نهم باشد و هفت روز روزه را بعد از ورود بمنزلگاه خود
گیرد و هرگاه فراموش کند روزه گرفتن سه روز را در ماه ذو الحجه
یا عمدا یا جهلا ترك آن نموده بر او لازم است قربانی کردن هرگاه
تواند بنفس خود در منی آمده قربانی نماید و هرگاه نتواند یا آمدن او
مستلزم مشقه خارج از عادة باشد بفرستد کسی را که نائب

او باشد

او باشد در قربانی کردن و هرگاه بعد از سه روز روزه گرفتن قربانی
بهم رسد پس هرگاه آن سه روز پیش روز عید باشد احوط بلکه اظهر
وجوب قربانی ست مگر آنکه عاجز باشد از خریدن آن و هرگاه
بعد باشد لازم نیست خریدن قربانی هر چند یکه قادر شده باشد
و قربانی کردن در سایر شهرها نیز مؤکد است و افضل از برای حاجی
آنستکه قربانی را بجا آورد اگرچه قربانی واجب مجزی ازان است
و هرگاه گیر نیاید قربانی قیمت را تصدق نمودن سنت است
و سنت است که این قربانی پرواری نباشد **واجب سیم** از اعمال منی
سر تراشیدن یا تقصیر کردن است در حق مردان و تقصیر کردن تنها
است در حق زنان و معنی تقصیر چیدن چیزی از ناخن و مو کم کردنست
و اظهر و اشهر و احوط وجوب آن است چنانکه اشهر افضل بودن
تراشیدن سر است از تقصیر خصوصا از برای نو حاجی و کسیکه
موی خود را بصمغ یا عسل یا مثل آن مالیده باشد از ترس شپش
و کیك و احوط آنستکه این طایفه سر تراشیدن را ترك نکند بلکه
وجوب آن قوة دارد هر چند یکه قول اول هم دور نیست و افضل
جمع کردن میان سر تراشیدن و تقصیر کردنست و هرگاه در سر کسی
مو نباشد مثل آنکه کل باشد احوط جمع کردنست میان گرفتن قدری
از موی ریش و میان آنکه تیغ سر تراشی بر جمیع سر خود مرور دهد

وکافی است در تقصیر مسمای آن و احتیاط آنستکه بکمتر از بند انکشت
اکتفا نکند و واجبست نیة کردن در هنکام سر تراشیدن باین
نحو که سر میتراشم از جهة محل شدن از احرام حج اسلام حج تمتع واجب
قربة الی الله و کلاء هرکاه نیة کند نیز مرحوم میرزا بهتر دانسته
و دلیل آن معلوم نیست هر چند یکه عیب ندارد و سنت است که
دران وقت رو بقبله باشد و ابتدا بجانب راست پیش سر کند و
این دعا بخواند اللّهمّ اعطنی بکلّ شعرةٍ نوراً یوم القیمة و موی
سر را دفن کند چنانکه حضرت سید سجاد در خیمه خود که در منی
زده بود دفن فرمودند و هرکاه در غیر منی سر تراشیده باشد
سنت است که در منی نفرستد که دفن شود چنانکه در روایت ابی شبل
از حضرت صادق ع وارد شده که هر که سر تراشد و موی را در منی
دفن کند چون روز قیامت بر پا شود آن شخص محشور خواهد شد
در حالتیکه هر موی او را زبانی باشد که بنام صاحب خود تلبیه
کویند و تمام سر تراشیدن اولی است هر چند یکه بعضی اخبار مستفاد
میشود که کافی است سر تراشیدن تا دو استخوان بر آمده که
لحی هر دو کذشتند و در تقصیر نیة کند بآن نحو که تقصیر میکنم از
جهة محل شدن از احرام حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و
واحوط دانسته است مرحوم میرزا در تقصیر این را که از مجموع

واسهوام

[illegible]

سر و ریش و شارب قدری کم کند و ناخن را هم بکیرد و لکن ظاهر
کافیست کم کردن مو از هر موضع که خواهد هر چند یکه عمل بفرموده
او نیز نیکوست و هرکاه تقصیر را بعد از سر تراشیدن بجا آورد
نیة وجوب نکند بلکه قصد سنة یا قصد قربة نماید و بعد از تراشیدن
سر یا تقصیر نمودن هر چیز که بعد از احرام بر او حرام بوده حلال
میشود مکر بوی خوش بنا بر احوط بلکه اقوی و مکر زنان و مکر
صید حرمی و احوط اجتناب از صید احرامی است اکرچه جواز در
کمال قوة است چنانکه فتوای میرزا و مرحوم سید است رحمهم الله
باب هفتم در اعمال بر کشتن از منی است بمکه معظمه بجهة بقیه اعمال حج
بدانکه بهتر آنستکه در همان روز بمکه رود از جهة طواف زیارت
و سعی میان صفا و مروه و طواف نسا و هرکاه نتواند در فردای آن
روز بمکه رود و دو طواف با سعی بجا آورد و تاخیر انداختن از آن
حرام است بنا بر اقوی چنانکه فتوای هر دو جناب است و هرکاه تاخیر
اندازد و بعد از ایام تشریق بجا آورد حجش صحیح است هر چند یکه
کناه کار است و سنت است که چون داخل مکه شود غسل کند و غسل
کردن در منی در روز قربانی جایز است بجهة طواف و هرکاه در میان
غسل و طواف بخوابد یا یکی از چیزهائیکه باعث وضو است بعمل
آورد سنة است اعاده آن و نیز سنة است که شارب و ناخنها را

وبعد از فراغ از این زنان بر او حلال میشود و استعمال کردن بوی خوش
پیش از این طواف مکروه هست و این طواف نسا در همه اقسام حج واجب
است و هم چنین واجبست در عمره مفرده و در عمره حج تمتع واجب
نیست و چون قول نادر بوجوب آن است چنانکه شهید ره در
دروس از بعضی نقل نموده اکر کسی بعد از سعی عمره طواف نساء را بعمل
آورد مرحوم میرزا آن را بهتر دانسته و این طواف نسا واجبست بر پیر
و جوان و زن و مرد و خواجه سرا و بر اطفال نیز پس هرکاه ممیز باشد امر میکند
ولی ایشان را بطواف و هرکاه ممیز نباشند ولی ایشان را طواف میدهد
پس هرکاه بعمل نیاید واجبست که بعد از بلوغ بعمل آورند و هرکاه نیاورند
نایب کیرند هرکاه آمدن در حق ایشان مستلزم مشقت شدیده باشد
و هرکاه هیچیک را بجا نیاورد زن کرفتن بر ایشان حرام است و هم چنانکه
زنان بر مردان حرام است بدون این طواف عکس نیز چنین است و احوط
ترک صید حرمی است و کندن درخت و کیاه حرم بعد از طواف نسا نیز
هر چند یکه بعضی بجواز اول بلکه هر دو فتوای داده بعد از سر تراشیدن
باب هشتم در مراجعت کردن از مکه بمنی بدانکه حاجی هرکاه در روز
عید بمکه آمده باشد واجبست که در همان روز بمنی بر کردد و دو شب
یازدهم و دوازدهم در آنجا بماند و هرکاه دران روز نیامده و در فردای
آن روز آمده باشد باز باید بر کردد که هر دو شب را در منی بماند

وهرکاه کسی

وهرکاه کسی از زنان دوری و اجتناب ننموده باشد یا صید کرده باشد
باید که شب سیزدهم در منی بماند و هم چنین هرکاه آفتاب روز دوازدهم
غروب کرده باشد و او در منی باشد در اینصورت واجبست ماندن
شب سیزدهم نیز و احوط آنستکه هرکاه کسی از مطلق تلذذ بزنان
دوری نکرده بلکه از مطلق محرماتی که از برای آن در شرع کفاره قرار داد
شده دوری ننموده حتی در احرام عمره تمتع باید در آن شب نیز در منی
بماند و هرکاه اجتناب کرده باشد جایز است که دران شب نیز بماند
و باید نیة کند در اول هر شب که باید بماند باین طریق که در این شب
در منی میمانم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و هرکاه کسی ترک
ماندن در شبها در منی نماید واجبست که از برای هر شبی کوسفندی
قربانی نماید مکر آنکه در مکه شب را بروز آورده باشد و مشغول بندکی
خدا باشد مکر بقدر ضرورت از اکل و شرب و قضاء حاجة و خواب
که در اینصورت واجب نیست کشتن کوسفند قربانی هر چند یکه
مشغول طواف و سعی نباشد و اشتغال بآنها بهتر است و ماندن
در منی در مجموع شب واجب نیست بلکه قدر واجب ماندن از غروب
تا نصف شب است هر چند یکه بعضی قائلند که کافی است ماندن
دران مکان از نصف شب تا صبح و آن خلاف احتیاط است و بعد
از آن جایز است بیرون رفتن بهر جانب که خواهد اکرچه ماندن

بکیرد و متوجه مسجد الحرام شود باذکر و تمجید و تحمید و تعظیم الهی و صلوات
بر محمد و آل محمد و چون بدر مسجد رسد این دعا را بخواند که در صحیح
معویة ابن عمار از حضرت صادق ع وارد شده است اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي
عَلٰى نُسُكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمْهُ لِي اَسْئَلُكَ مَسْئَلَةَ الْقَلِيلِ
الذَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ اَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِي وَاَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي
اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ اَطْلُبُ رَحْمَتَكَ
وَاَؤُمُّ طَاعَتَكَ مُتَّبِعًا لِاَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدَرِكَ اَسْئَلُكَ مَسْئَلَةَ الْمُضْطَرِّ
اِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِاَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ
اَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ بعد از آن
داخل شود و چون نزدیک حجر الاسود رسد آدابی که در طواف
عمره گفته شد همه آن را بعمل آورد و دعائی که در آنجا در هنگام رسیدن
بحجر الاسود میخواند بخواند در اینجا و بعد از آن نیة طواف زیارت
کند باین طریق که هفت گردش میکنم در زیارت خانه کعبه در حج اسلام
حج تمتع واجب قربة الی الله و طواف را بهمان قسمی که در طواف عمره
گفته شد بعمل آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بهمان کیفیتی که در نماز
طواف عمره ذکر شد در مقام حضرت ابرهیم بنحوی که مذکور شد

بعمل آورد

بعمل آورد و نیة چنین کند که دو رکعت نماز طواف زیارت میکنم
در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و بعد از آن سنت است
که نزد حجر الاسود آید و آدابی که در عمره مذکور شد بجا آورد پس متوجه
شود بسمت صفا از جهة سعی میان صفا و مروه و اولی بالا رود بر کوه
صفا و آدابی که در رفتن بکوه صفا ذکر شد بعمل آورد و بعد از آن فرود
آمده سعی میان صفا و مروه نماید بهمان نوعی که در آنجا مذکور شد
و تفاوت نیست مگر در نیة که در اینجا باید چنین نیة کند که هفت
مرتبه سعی میکنم میان صفا و مروه در حج اسلام حج تمتع واجب قربة
الی الله و بعد از آن که سعی را نیز بجا آورده حلال میشود برا وی بوی خوش
نیز و بعضی فقها فرموده اند که بوی خوش حلال میشود بعد از طواف
زیارت و پیش از سعی و اولی احوط است بلکه اظهر است چنانکه
فتوای سید مرحوم است و پوشیدن لباس دوخته پیش از بجا آوردن
طواف زیارت بلکه پیش از سعی مکروه هست و پوشیدن سر نیز همین
حکم دارد و بعد از فراغ از سعی برگردد بجانب خانه کعبه از برای طواف
نسا و در هنگامی که بحجر الاسود رسد برابر آن بایستد و نیة کند که هفت
مرتبه گردش طواف نساء بجای آورم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة
الی الله و بعد از فراغ از این طواف دو رکعت نماز در پشت مقام حضرت
ابراهیم بهمان کیفیت بجای آورد در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله

و این نیة کرد در رکعت طواف نساء بجای آورد

تا صبح افضل است و داخل شدن بمکه پیش از صبح احوط است اگرچه
جایز است چنانکه فتوای سید مرحوم است و معذوران چون شبانان
و مانند ایشان توانند که ترک ماندن در منی نمایند و در وجوب قربانی
گوسفند بر غیر شبان و اهل سقایة زمزم اشکال است و احوط قربانی
کردن است و اما شبانان و سقایان زمزم بر ایشان واجب نیست قربانی
ظاهرا و واجب است که در روزها هر سه جمره را بهفت سنگ ریزه بزنند
که بیست و یک سنگ ریزه بهر یک هفت سنگ ریزه زنند و واجب است
ترتیب باین معنی که اول رمی جمره اولی که بعرفات نزدیک تر است و بعد
رمی جمره میانه و بعد از آن رمی جمرهٔ ثالثه که نزدیک تر بمکه است نماید پس
هرگاه عکس کند واجب است که اعاده کند وسطی و عقبه را تا ترتیب
حاصل شود و طریق انداختن سنگ ریزه همان است که در اعمال روز
عید مذکور شد و آداب سنتی انداختن این سنگ ریزها و رسانیدن
آنها را بهر سه میل چنان است که مذکور شد در همانجا و فرقی نیست
مگر در دو امر یکی آنکه در وقت انداختن سنگ ریزها و زدن آنها
بر جمره اولی و وسطی این دو میل را بجانب راست خود گیرد دویم ایستادن
نزد هر دو بقدر زدن سنگ ریزه ها و مشغول شدن بحمد و صلوات
و دعا و بعد از آن قدری پیش رفتن و در آنجا دعا نمودن که خداوند
عالم از تو قبول کند و در رمی جمره عقبه ایستادن نزد آن سنت نیست

بلکه احتمال

بلکه احتمال کراهیت دارد و زمان انداختن سنگ ریزها بنابر اشهر
و اظهر چنانکه فتوای سید مرحوم و موحوم میرزا است از طلوع آفتاب
است تا غروب و هرگاه شخصی بیمار باشد یا ترسان باشد از دزد یا
یا شبان باشد یا بنده باشد تواند که شب سنگ ریزها را بزند و واجب
است در جمره اولی مقارن انداختن اول سنگ ریزه نیة قربت کند
و بهتر آنست که چنین نیة کند که جمرهٔ اولی را بهفت سنگ ریزه
میزنم در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و هم چنین جمره وسطی
و عقبی و سنت است که با هر یک از سنگ ریزه که می اندازد الله اکبر
بگوید و روزهای ایام تشریق یازدهم و دوازدهم و سیزدهم از منی
بیرون نرود و هرگاه بعضی از روزها را فراموش کند انداختن
سنگ ریزها را واجب است که در فردای آن روز بعمل آورد و بنیة
قضا و قضا را مقدم دارد و بهتر آنست که قضا را پیش از ظهر و ادا را بعد از
ظهر بعمل آورد و هم چنین است هرگاه کسی عمدا یا جهلا زدن سنگ ریزها
بعمل نیاورد واجب است قضا کند در روز بعد و اول قضا و بعد از آن ادا را
بجا آورد و هر کاه دو روز فراموش کرده در روز سیم هم
هر دو را بجا آورد و بعد از آن ادا را بعمل آورد و هرگاه بخاطر نیاورد مگر
بعد از آمدن بمکه باید برگردد و قضا کند هرچند که ایام تشریق گذشته باشد
و هرگاه بعد از بیرون آمدن از مکه بخاطر آورد احوط آن است که در سال

دیگر خود آمده قضا نماید و هرگاه نتواند یا مشقت شدیده آمدن او باعث
شود نائب گیرد هر چند یکه اظهر عدم وجوب است و تکبیرات سنت است
در منی بنا بر اظهر و اشهر در عقب پانزده نماز واجبی که اول آن ظهر روز عید است
و آخر آن صبح روز سیزدهم است چنانکه در صریح صحیح زراره است
اگرچه در صحیح معویة بن عمار آخر آن را نماز عصر روز سیزدهم قرار داده
و ظاهر آن آنست که در عقب هفده نماز سنت است و ظاهرا عمل بان
نشده و در شهرهای دیگر تکبیر سنت است عقب ده نماز و همچنین هرگاه
از منی در روز دوازدهم کوچ کند چنانکه گفته شد که آن جایز است از برای
کسیکه از صید و زنان بلکه از مطلق چیزهائیکه باعث کفاره است
اجتناب نموده باشد و طریق گفتن تکبیر چنانکه در صریح صحیح زراره
و صحیح منصور ابن حازم است این است که بگوید اللّٰهُ اکبَرُ اللّٰهُ اکبَرُ لا اِلٰهَ
اِلّا اللّٰهُ واللّٰهُ اکبَرُ اللّٰهُ اکبَرُ وَلِلّٰهِ الحَمدُ اللّٰهُ اکبَرُ عَلیٰ ما هَدانا اللّٰهُ اکبَرُ
عَلیٰ ما رَزَقَنا مِن بَهیمَةِ الاَنعامِ و در صحیح معویة بن عمار بعد از این وارد
شده الحَمدُ لِلّٰهِ عَلیٰ ما اَبلانا و در کتاب من لا یحضره ذکر این حمد است
بعد از هدانا و پیش الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام و عمل با اول اهم
است و سنت است که در ایام منی نمازها را در مسجد خیف بجا آورد
که در آنجا هزار پیغمبر نماز کرده اند و محل نماز حضرت رسول الله ص نزدیک
مناره است که وسط آن مسجد است پس در آنجا نماز کردن افضل است

و دران شش رکعت نماز افضل سنت است چنانکه در روایت ابی بصیر
و علی ابن ابی حمزه وارد شده و در روایت ابی حمزه ثمالی از امام محمد باقر ع وارد
شده که هر که در آن مسجد صد رکعت نماز کند آن صد رکعت برابر عبادة
هفتاد سال است و هر که در آنجا صد مرتبه سبحان الله گوید خداوند
عالم در نامهٔ عمل او ثواب بنده آزاد کردن ثبت کند و هر که در آنجا صد مرتبه
لا اله الا الله گوید برابر است با اجر چند تن شهید و هر که صد مرتبه الحمد لله
بگوید برابر است اجر او با اجر خراج عراقین که در راه خدا تصدق
داده شود و بر هر که جایز است کوچ کردن در روز دوازدهم جایز نیست
که پیش از زوال کوچ کند و هر که در روز سیزدهم کوچ می نماید تواند که پیش
از زوال کوچ کند ~~و هر که ... بعد از زوال~~ و لکن کوچ کردن پیش از زوال بهتر است
که نماز ظهر و عصر را در مکه بجا آورد **بدانکه** چون سنگ ریزه انداختن
آخر افعال حج است پس بعد از فراغ از آن جایز است که از منی بوطن
خود برگردد مگر آنکه بر وجه چیزی از مناسک مکه مانده باشد و جایز است
که مراجعت بمکه نماید و آن سنت است خصوصا از برای نو حاجی و در هنگام
راه افتادن مشغول شدن بگفتن لا اله الا الله و مانند آن از ذکرهای
حقتعالی سنت است و آداب دخول کعبه و مسجد الحرام از غسل و غیر آن بطریقی
است که قبل از این مذکور شد و سنت است رفتن درون خانهٔ کعبه
و واجب نیست و پیش از دخول سنت است غسل کردن و در وقت دخول

بهتر است

حلقه در را گرفتن و بآرام تن و دل بودن در هنگام دخول و بعد از دخول
بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلتَ وَمَن دَخَلَهُ کانَ آمِناً فَآمِنّی مِن عَذابِ النّارِ
پس دو رکعت نماز کند بر روی سنگ سرخی که فرش است در میان
دو ستون و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ مبارکهٔ حم سجده بخواند
و چون بآیهٔ سجده رسد باید سجده کند و سر از سجده برداشته بایستد
و باقی سوره را بخواند چنانکه فتوای سید مرحوم چنین است و در رکعت
دویم بعد از حمد بقدر عدد آیه های آن سوره که پنجاه و چهار آیه است
از قرآن از هر جا که خواهد بخواند و بعد از آن در هر کنجی از چهار کنج خانه
دو رکعت نماز کند و بعد از آن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ مَن تَهَیَّأَ اَو
تَعَبَّأَ اَو اَعَدَّ اَوِ استَعَدَّ لِوِفادَةٍ اِلیٰ مَخلوقٍ رَجاءَ رِفدِهِ وَجائِزَتِهِ
وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ فَاِلَیکَ یا سَیِّدی تَهیِئَتی وَتَعبِیَتی وَ
اِعدادی وَاستِعدادی رَجاءَ رِفدِکَ وَنَوافِلِکَ وَجائِزَتِکَ
فَلا تُخَیِّبِ الیَومَ رَجائی یا مَن لا یَخیبُ عَلَیهِ سائِلٌ وَلا یَنقُصُهُ
نائِلٌ وَلا یَبلُغُ مِدحَتَهُ قائِلٌ فَاِنّی لَم آتِکَ الیَومَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمتُهُ
وَلا شَفاعَةِ مَخلوقٍ رَجَوتُهُ وَلٰکِنّی اَتَیتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلمِ وَالاِساءَةِ
عَلیٰ نَفسی فَاِنَّهُ لا حُجَّةَ لی وَلا عُذرَ فَاَسأَلُکَ یا مَن هُوَ کَذٰلِکَ

اَن تُعطِیَنی مَسأَلَتی وَتُقیلَنی عَثرَتی وَتَقلِبَنی بِرَغبَتی وَلا تَرُدَّنی
مَجبوهاً مَمنوعاً وَلا خائِباً یا عَظیمُ یا عَظیمُ یا عَظیمُ اَرجوکَ
لِلعَظیمِ اَسأَلُکَ یا عَظیمُ اَن تَغفِرَ لِیَ الذَّنبَ العَظیمَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ و
سنت است نیز سر بسجده گذاشتن و در سجده این دعا خواندن که از
حضرت صادق ع شنیدند لا یَرُدُّ غَضَبَکَ اِلّا حِلمُکَ وَلا یُجیرُ مِن عَذابِکَ
اِلّا رَحمَتُکَ وَلا یُنجی مِنکَ اِلَّا التَّضَرُّعُ اِلَیکَ فَهَب لی یا اِلٰهی فَرَجاً
بِالقُدرَةِ الَّتی بِها تُحیی اَمواتَ العِبادِ وَبِها تَنشُرُ مَیتَ البِلادِ وَلا
تُهلِکنی غَمّاً حَتّیٰ تَستَجیبَ دُعائی وَتُعَرِّفَنِی الاِجابَةَ اَللّٰهُمَّ ارزُقنِی
العافِیَةَ اِلیٰ مُنتَهیٰ اَجَلی وَلا تُشمِت بی عَدُوّی وَلا تُمَکِّنهُ مِن
عُنُقی مَن ذَا الَّذی یَرفَعُنی اِن وَضَعتَنی وَمَن ذَا الَّذی یَضَعُنی
اِن رَفَعتَنی وَمَن ذَا الَّذی یَعرِضُ لَکَ فی عَبدِکَ اَو یَسأَلُکَ فی اَمرِهِ
فَقَد عَلِمتُ یا اِلٰهی اَنَّهُ لَیسَ فی حُکمِکَ ظُلمٌ وَلا فی نَقِمَتِکَ عَجَلَةٌ اِنَّما
یَعجَلُ مَن یَخافُ الفَوتَ وَیَحتاجُ اِلَی الظُّلمِ الضَّعیفُ وَقَد تَعالَیتَ یا
اِلٰهی عَن ذٰلِکَ اَللّٰهُمَّ لا تَجعَلنی لِلبَلاءِ غَرَضاً وَلا لِنَقِمَتِکَ نَصَباً
وَمَهِّلنی وَنَفِّسنی وَاَقِلنی عَثرَتی وَلا تَرُدَّ یَدی اِلیٰ نَحری وَلا

همانکه

الغایة

تتبعني بلاء على اثر بلاء فقد ترى صعفي وتضرعي اليك ووحشتي من النار وانسي بك اعوذ بك اليوم فاني عبدك واستجيرك فاجرني واستعين بك على الضراء فاعني واستنصرك فانصرني واتوكل عليك فاكفني واومن بك فامني واستهديك فاهدني واسترحمك فارحمني واستغفرك مما تعلم فاغفر لي واسترزقك من فضلك الواسع فارزقني ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وبعد ازان بيرون آيد و در هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند که حضرت صادق ع میخواند هنگام بیرون آمدن الله اكبر الله اكبر الله اكبر اللهم لا تجهد بلائنا ربنا ولا تشمت بنا اعدائنا فانك انت الضار النافع بدانکه سنت است که در ایام حج سیصد و شصت طواف بکند بعدد ایام سال و هرگاه نتواند سیصد و شصت گردش که هفت مرتبه آن یک طواف است و هرگاه نتواند هر قدر که تواند سنت است خصوصا طواف وداع که آن هنگام کوچ کردن از مکه است و کیفیة آن اینست که نیت کند در حالتیکه برابر حجر الاسود ایستاده است که هفت گردش در طواف وداع میکنم سنة قربة الى الله بعد ازان طواف میکند و سنت است که در هر گردش رکن یمانی و حجر الاسود را

در بغل گیرد و شکم و روی خود را براو بمالد و هرگاه در هر گردش میسر نشود هر قدر که میسر شود اگرچه در گردش اول و هفتم باشد و بعد ازان در نزد مستجار آمده و دعا میکند همان دعائیکه در طواف عمره مذکور شد در هنگام آمدن در شوط هفتم در مستجار و بعد ازان در نزد حجر الاسود آمده شکم خود را بکعبه بچسباند و یک دست را بر حجر الاسود قرار داده و دست دیگر را از جانب در خانه بکعبه بچسباند و بگوید الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وامينك وحبيبك ونجيبك وخيرتك من خلقك اللهم كما بلغ رسالاتك وجاهد في سبيلك وصدع بامرك واوذي في جنبك وعبدك حتى اتاه اليقين اللهم اقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي بافضل ما يرجع به احد من وفدك من المغفرة والبركة والرحمة والرضوان والعافية اللهم ان امتني فاغفر لي وان احييتني فارزقنيه من قابل اللهم لا تجعله آخر العهد من بيتك اللهم اني عبدك وابن عبدك وابن امتك

ينقلب بعد (margin)

حملتني على دوابك وسيرتني في بلادك حتى ادخلتني حرمك وامنك وقد كان في حسن ظني بك ان تغفر لي ذنوبي فان كنت قد غفرت لي ذنوبي فازدد عني رضى وقربني اليك زلفى ولا تباعدني وان كنت لم تغفر لي فمن الآن فاغفر لي قبل ان تنأى عن بيتك داري فهذا اوان انصرافي ان كنت اذنت لي غير راغب عنك ولا عن بيتك ولا مستبدل بك ولا به اللهم احفظني من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي حتى تبلغني اهلي فاكفني مؤنة عبادك وعيالي فانك ولي ذلك من خلقك ومني و بعد از خواندن این دعا بجانب چاه زمزم آید و از آب بیاشامد و بیرون آید و در اثناء بیرون آمدن بگوید آئبون تائبون عابدون لربنا حامدون الى ربنا راغبون الى الله راجعون انشاء الله و در هنگام بیرون از مسجد الحرام چون بدر مسجد رسد بر زمین افتد و سجده طولی بجا آورد چنانکه حضرت صادق ع و حضرت امام موسی کاظم علیهما السلام بجا آوردند و چون راست شود رو بکعبه نموده بگوید اللهم اني انقلب على لا اله الا انت و سنت است نیز که در هنگام

بیرون آمدن از مکه معظمه یک درهم خرما خریداری نموده قبضه آن را تصدق دهد تا کفاره اموری باشد که از روی نادانی از او سر زده و عزم کند بر آنکه خداوند عالم توفیق حج دیگر براو کرامت کند و ترک این قصد موجب نقص عمر است چنانکه در بعضی اخبار وارد شده **خاتمه** در بیان سه مطلب است **مطلب اول** در بیان حکم محصور و مصدود است و اول کسی را گویند که مرض مانع شده باشد او را از رسیدن بمکه و بجا آوردن اعمال مکه از طواف و سعی هرگاه محرم باشد باحرام عمرهٔ تمتع و از دریافت نمودن مشعر و عرفات با اختیاری مشعر هرگاه محرم باشد باحرام حج و مصدود کسی را گویند که دشمن در سر راه او آید و نگذارد او را که داخل مکه شود و اعمال آن را بجا آورد و هرگاه احرام عمره تمتع را بسته باشد یا نگذارد او را که بمشعر و عرفات رود یا نگذارد او را که وقوفهای مشعر را بجا آورد هرگاه احرام حج بسته باشد و هرگاه مرض مانع شود از بجا آوردن طواف حج و سعی و طواف نساء یا دشمن مانع شود از رفتن بمکه و بجا آوردن بعضی اعمال فتوای بعضی از فقهاء در این صورت آنستکه باید باقی بماند تا زمان تمکن و فتوای بعضی آنستکه باقی ماندن واجب نیست و ثانی اقوی است چنانکه مختار سید مرحوم است هرچند که اول احوط است و همچنین است حکم هرگاه از اعمال منی مانع شوند که روز عید باید بعمل آید

وهم از این اعمال مذکوره وهرگاه مانع نشوند از خصوص این اعمال منی
نائب گیرد و در صورت عدم امکان نائب فتوای بعضی آنستکه
باید باقی بماند تا وقتیکه ... تواند بعمل آورد واقوی آنستکه باقی
ماندن لازم نیست چنانکه سید مرحوم فتوای داده بلکه او
مصدود و محصور است وهرگاه نتواند اعمال منی را اگر بعد از
عود بکه باید بعمل آورده شود ومرض وهد شمن مانع او شوند
نائب گیرد هرگاه نتواند وهرگاه نتواند در سال آینده قضا کند هرگاه
خود تواند وهرگاه نتواند نائب گیرد وهر یک از محصود و مصدود
نتوانند که محل شوند هرگاه قربانی نمایند لکن محل قربانی در حق
شخص محصود منی است هرگاه محرم باحرام حج باشد یعنی مانع او را
مانع شود از دریافت کردن وقوف بمشعر وعرفات یا مشعر تنها
قطعا یا از طواف ر وسعی وطواف نسا و با اعمال منی از رمی جمره
عقبه و ذبح وتقصیر وبدون آنها بنا بر اظهر و محل قربانی او مکه است
وهرگاه محرم باحرام عمره تمتع یا مطلق عمره باشد ونتواند که طواف
وسعی وتقصیر را بجا آورد تا محل شود وفرستادن قربانی در ان بجهت محل او را
بنا بر اظهر واشهر وتا ما دامیکه قربانی کشته در ان مکان نشود محل
نخواهد شد مگر آنکه شرط کرده باشد در هنگام احرام بستن محل شدن
خود را هر زمان که مانع از برای او بهم رسد چنانکه در دعاء احرام
مذکور شد و مذکور شد که سنت است این شرط کردن در هنگام احرام

بستن و محل شدن وبعد از کشتن قربانی از هر چیز مگر زنان و فرقی نیست
بنا بر اظهر میان عمره تمتع وغیر آن وحج وغیر حج واجب باشد حج الاسلام
وحج نذر و مانند آن حج حج مستقر اسلامی باشد وحج غیر آن لکن در
حج سنتی توان نایب گرفت که طواف را به نیابت آن بعمل آورد ودر اقسام
واجب باید در سال آینده خود حج را بعمل آورد تا زمان بر او حلال شوند
مگر آنکه عاجز باشد از آمدن ودر این صورت هرگاه نائب گیرد در
بجهت طواف نسا ان شاء الله زنان حلال بر ایشان خواهد شد و کافی
است در محل شدن مظنه رسیدن قربانی در محل ضرر و قربانی شدن
وهرگاه بعد از ان معلوم شود که قربانی او ذبح شده بر او حرج نیست
در کردن او آنچه را که بر محرم لازم بود از کفاره و مانند آن لکن احوط
اجتناب کردن است از محرمات ولزوم فرستادن قربانی دیگر و
هر وقتیکه آن قربانی ذبح شود محل خواهد شد وهرگاه بیماری او بعد از
فرستادن دفع شود یا در خود سبکی بیند واجب است بر او رفتن
هرگاه مظنه آن داشته باشد که تواند ادراک آنچه بر او لازم است نمود
ودر چنین صورت هرگاه مناسک عمره را بعمل آورد وادراک وقوف
اختیاری عرفه ومشعر یا اضطراری هر دو یا اختیاری مشعر تنها نمود حجش
مقبول است وهرگاه توانست که دریافت نماید هیچیک از آنها را بر او
لازم است که عمره مفرده را بجا آورد تا محل شود وکیفیت عمره گذشت در مبحث

وقوف بمشعر وآیا محض فرستادن قربانی و ذبح شدن کافی در حلال شدن
آنچه بر محرم حرام بود یا واجب در حلال شدن آنها تقصیر است نیز در هنگامیکه
وعده رسیدن قربانی است بمحل آن ظاهر دویم است وبر مصدود لازم
نیست فرستادن قربانی بلکه در هر جا که ممنوع شود تواند قربانی کند
ومحل شود بشرط آنکه متمکن نباشد که از راه دیگر رفته بمکه داخل شود
یا عرفات ومشعر را دریافت نماید یا آنکه تواند ولکن نفقه او وفا بقدر
اخراجات راه دیگر نکند قطعا یا امید بر طرف شدن دشمن نداشته باشد
اگرچه بمال بسیار که در حق او اجحاف نباشد وهرگاه راه دیگر باشد و حج
ان راه را داشته باشد یا مظنه بر طرف شدن دشمن اگرچه بمال داشته باشد
واجب است تمام کردن آنچه بر او واجب است اگرچه اصل حج سنتی باشد و
هر وقت که متمکن نشد و قربانی نمود بر او هر چیزی که بر محرم حرام بود حلال
میشود حتی زنان هرگاه بعد از قربانی تقصیر نماید و چنانکه محل شدن
جایز است باقی ماندن بر احرام نیز جایز است تا زمانی که وقت بگذرد
ودر این صورت هرگاه مانع بر طرف شود واجب است که محل شود بعمره
مفرده که کیفیت آن گذشت وهرگاه بر طرف نشود بکشتن قربانی و تقصیر محل
میتواند شد ودر صورتیکه حج از او فوت شد پس هرگاه سنتی باشد
یا نذر متعلق بهمان سال باشد از کردن او ودر سال آینده ساقط است
وهرگاه حج در ذمه او مستقر باشد یا استطاعة تا سال آینده باقی باشد

واجب است که در سال آینده حج نماید **مطلب دویم** در کفاره است
بدانکه آنچه بر محرم حرام است چنانکه در مبحث احرام ذکر شد بر چند
قسم میشود **قسم اول** آنچیزهائیکه بر محرم در کردن آنها کفاره لازم نیست
مثل مالیدن روغنی که در او بوی خوش نیست چون روغن زیتون
وپیه و مانند آن وهم چنین کندن علفها وگیاهائی را که در حرم
روییده مثل صید کردن بعضی از حیوانات چون درندگان مانند
کفتار و چرخ و مانند اینها که حرام میباشد بنا بر اظهر اگرچه سید
مرحوم قایل بعدم حرام بودن آنها است ودر اسد یعنی شیر خلافی است
واحوط دادن کفاره است هرگاه او را بکشد در حرم بلکه در غیر آن
وهم چنین است جدال هرگاه صادق باشد در کمتر از سه مرتبه و پوشیدن
زن صورت خود را در حال احرام اگرچه اولی قربانی کردن گوسفند است
وفتوای در کفاره سوای استغفار نیست وکشتن غیر شپش از جانوران
بدن **قسم دویم** چیزهائی است که در آن کفاره است با فاسد شدن حج
چون جماع کردن پیش از دریافت کردن وقوف بعرفه ومشعر اگرچه بمتعه
وجاریه باشد و بخاطر داشته بودن خود را محرم هرگاه دانا باشد
بحرمت آن ودر بخاطر داشته بودن خود را محرم چه در دبر و چه در قبل
چه انزال شود و چه نشود ودر این صورت بر هر دو لازم است تمام کردن حج

وآوردن حج دیگر در سال آینده اگرچه حج سنت بوده باشد واحوط الحاق طلب
کردن بدست ساست با انزال بجماع در فساد حج و وجوب آوردن حج دیگر
ودر اینصورت کفاره لازم است بر هر دو هرگاه هر دو بی اکراه این عمل
قبیح را بعمل آورده باشند وکفاره ایشان قربانی کردن هر یک را یک شتر بود
وعمره نیز باطل میشود هرگاه پیش از سعی میان صفا ومروه جماع نموده باشد
وقربانی کردن شتر نیز کفاره اوست قسم دوم چیزهائیست که باعث
کفاره است وحج وعمره بآن باطل نمیشود وکفاره آن مخصوص بحال عمد است
اگر در حال ضرورت باشد وآن چند امر است اول جماع کردنست بعد از
دریافت کردن وقوفین وپیش از طواف زیارت وطواف نساء باید یک
شتر قربانی نماید ودر همین حکم است نظر کردن بزن بشهوة با انزال
منی وانزال منی بعد از ملاعبه وبازی وبوسیدن زن خصوصا هرگاه
باشهوة باشد وبا انزال بنا بر احوط دوم بوی خوش بکار بردن هر
قسم از کار بردن که باشد وآن باعث کشتن یک گوسفند است هرگاه
عمدا باشد ودر صورت جهل وفراموشی حرجی نیست چه در جهل
بموضوع وچه حکم وچه در فراموشی حرجی بهر یک از آنها وفرق بنا
بر احوط میان صورت اختیار واضطرار نیست ودر حکم بوی خوش است
پوشیدن لباس دوخته ودر حال ضرورت بجهت حفظ از سرما وگرما

اگرچه جایز است لکن قربانی گوسفند را باید بکند وهم چنین سر پوشانیدن
وپوشیدن چیزیکه پشت پا را بپوشد چون چکمه وجوراب وهم چنین است
سایه بان قرار دادن در حال راه رفتن اگرچه بجهة ضرورت وحاجة
باشد وحاجه باشد وسر در آب فرو بردن وکندن موی زیر بغل وگرفتن
مجموع ناخنها از دستها یا پاها در یک مجلس عرفی وهم چنین است گرفتن مجموع
ناخن دستها وناسی وجاهل را کفاره لازم نیست در فتوی دهنده در
گرفتن ناخن لازم است هم کفاره اگرچه محرم نباشد هرگاه خون بدون تعمد
ناخن گیرنده بیرون آید وفرقی میان مجتهد حقیقی وغیر آن نیست لکن باید
باعتقاد مستفتی قابل فتوی دادن باشد وهم چنین بر جدال کننده یعنی قسم
خوردن باسماء الله هرگاه راست گفته باشد در قسم خوردن سیم وهم چنین
است در قسم اول هرگاه دروغگو باشد واستعمال روغن خوش بو
اگرچه در حال ضرورت باشد همین کفاره را دارد واحوط لزوم همین
کفاره است در کندن دندان وکندن درخت کوچک حرم اگرچه شاخهای
آن یا ریشهای آن در غیر حرم باشد وگرفتن موی یک زیر بغل سیم
انچیزیکه در او کفاره مخیر است وآن سر تراشیدن نیز در حال احرام مخیر است
در میان روزه گرفتن سه روز وتصدق بمسکینان نمودن چه جو وچه گندم
ویک گوسفند قربانی نمودن اگرچه در حال ضرورة باشد بسبب اذیت
از شپش واحوط آنست که ده نفر را تصدق دهند بمد وشش نفر را بدو مد

بمدیکه آن چهار سیر وچهار مثقال ویک نخود ونیم میشود [illegible] استرآباد ویک چارک [illegible] مثقال [illegible] میشود [illegible]

تصدق اگرچه بیکی از آنها توان اکتفا کرد خصوصا اخری چهارم
آنچیزیست که کفاره او تصدق کردن بمد است وآن گرفتن هر یک از
ناخن نه جمیع آن وگرفتن دو ناخن دو مد کفاره دارد وسه ناخن سه
مد وچهار چهار مد وپنج پنج مد تا بده رسد پنجم آنچیزیست که کفاره
او تصدق کردن بیک قبضه طعام است از گندم وجو وامثال آن کشتن شپش
وانداختن آن را از جسد واولی دادن همین کفاره است بجهة کشتن کیک
ومانند آن از جانوران بدن وافتادن موی ریش وسر بجهة دست کشیدن
همین کفاره دارد ودر افتادن آن بجهة مسح وشستن در وضو بر او چیزی لازم
نیست ششم آنچیزیست که کفاره او قربانی کردن گاو ماده است وآن
بنا بر احوط کندن درخت بزرگ حرم است وقسم خوردن باسما الهی
خصوصا بلا والله وبلی والله در صورت دروغ دو مرتبه همین کفاره
دارد بنا بر اشهر واظهر چنانکه فتوای سید مرحوم همین است قسم چهارم
چیزیست که موجب فساد حج نمیشود وکفاره آن مخصوص بحالت علم وعمد
نیست بلکه بر جاهل وبر عالم وبر مخطی نیز لازم وآن صید است وآن
بر دو قسمست قسم اول آنچیزیست که از برای کفاره بدل مخصوصی است
وآن پنج است اول شتر مرغ است ودر قتل آن باید شتر ماده قربانی
کرد بنا بر احوط هر چند مرحوم سید کافی میدانند شتر نر را در قربانی هرگاه
شتر گیر نیاید قیمت آن را گندم خریده بشصت مسکین تصدق نماید وهر یک را

بنا بر احوط دو مد که تفسیر آن گذشت بدهد وهرگاه بهاء شتر را نداشته
باشد شصت روز روزه بگیرد وهرگاه از آن عاجز شود هجده روز روزه
دوم گاو وحشی وگورخر ودر قتل هر یک از آنها کفاره باید بدهد وآن
گاو اهلی است وهرگاه نیابد قیمت آن را گندم یا جو خریده بسی مسکین
تصدق نماید وهر یک را دو مد بنا بر احوط دهد وهرگاه قادر نباشد
سی روز روزه گیرد بنا بر احوط وبعد از عجز از آن نه روز روزه گیرد سیم
آهو است وکفاره قتل آن گوسفند است وهرگاه نیابد قیمت آن را گندم
یا جو خریده بده نفر تصدق نموده هر یک را دو مد بنا بر احوط وهرگاه
بهای آن را نداشته باشد ده روز روزه گیرد وهرگاه عاجز باشد
سه روز ودر حکم آهو است روباه وخرگوش بنا بر احوط ودر هر
صورت هرگاه قیمت شتر وگاو وگوسفند از قدر تصدق کم باشد
بهمان قدر اکتفا نماید چهارم هرگاه تخم شتر مرغ را بشکند بعد از آنکه بچه
درمیان آن حرکت کند وبسبب شکستن تلف شود وبعد هر بچه از آن باید یک
شتر ماده جوان را قربانی نماید وهرگاه پیش از حرکت بشکند پس هرگاه
یقین داشته که تخم معیوب بوده یا بچه آن مرده بر او چیزی لازم نیست وهرگاه
یقین ندانند باید شترهای نر وادو شترهای ماده بعدد تخم شکسته که قابلیت
حمل هم رسانیدن دارند رها کند ومشاهده نماید جستن نر را بر مادها و
هر قدر که بچه زایید قربانی خانه کعبه نماید وهرگاه عاجز باشد از شتر

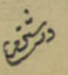
یعنی نداشته باشد عوض هر تخم کوسفندی قربانی کند و هرگاه بهای آن را
نداشته باشد بده مسکین تصدق دهد بهر یک مد بنابر احوط هر چند که
یک مد کافی است و هرگاه عاجز باشد سه روزه بگیرد **پنجم** در شکستن
تخم طیهو که او را خراطین نیز کویند بعد از انکه بچه در میان آن حرکت کند و بسبب
شکستن تلف شود بعدد هر بچه از آن یک کوسفند جوان بکشد و پیش
از حرکت یا یقین نداشتن بعیب تخم یا فاسد شدن بچه باید نرهای
کوسفند در مادههائی که قابلیت حمل داشته باشند بعدد هر تخمی شکسته
رها نماید و مشاهده جستن کند و هر قدر که بچه زائیده شود قربانی نماید
بجهة خانه و هرگاه عاجز شود بعدد هر تخم کوسفندی قربانی نماید و بعد از
عجز از کوسفند ده مسکین را تصدق دهد بمدی و هرگاه از آن عاجز شود
بعدد هر کوسفند سه روز روزه کیرد **فصل دویم** آنچه چیزیست که از برای
کفاره او بدل مخصوصی نیست و آن نیز پنج است **اول** کبوتر است
و در قتل آن کوسفندی قربانی نماید و در تلف کردن جوجه بنابر احوط
هر چند یکه بزغاله چهار ماهه نیز جائز است یعنی چهار ماهه بنابر
اظهر و در شکستن تخم کبوتر هرگاه بچه در آن حرکت نکند درهمی
تصدق نماید و هرگاه بچه در آن حرکت کند بره چهار ماهه از میش
یا از بزغاله قربانی نماید و اول احوط است و فتوای مرحوم سید دویم
است و هرگاه محرم قتل کبوتر در حرم نماید علاوه بر کوسفند یک درهم نیز

تصدق کند

تصدق کند و هرگاه جوجه کبوتر را در حرم تلف نماید علاوه بر قربانی
بره چهار ماهه نصف درهم تصدق نماید و هرگاه تخم را در حرم بشکند
علاوه بر درهم ربع درهم نیز تصدق کند و غیر محرم هرگاه کبوتر در
حرم را بکشد یک درهم باید تصدق نماید و هرگاه جوجه را تلف نماید نصف
درهم و هرگاه تخم را بشکند ربع درهم تصدق نماید و احوط آنست که
هرگاه قیمت بازاری آن کبوتر بیشتر از درهم باشد قیمت آن را دهد
غیر محرم و محرم در حرم با علاوه مذکوره و هرگاه کبوتر را کشته و نصف قیمت را
دهد هرگاه جوجه را کشته ربع قیمت را دهد و هرگاه تخم را شکسته و
مراد از کبوتر هر حیوان پرنده ایست که آواز خود را کردش دهد و منقار
خود را در آب کذاشته آنقدر خورد که سیراب شود نه آنکه آب را بمنقار خود
قطره قطره بردارد و بعد از آن فرو داده آن قطره قطره دیکر را بردارد
چون مرغ خانکی و مانند آن و فرقی در میان کبوتر حرم و غیر آن در حکم مذکور
نیست مکر آنکه در کبوتر حرم اختیار دارد میان آنکه قیمت آن را تصدق
دهد و میان آنکه قیمت آن را کندم خریده خوراک کبوترهای حرم نماید
دویم طیهو و کبک و دراج و در قتل هر یک از آنها باید بره که
از سن او چهار ماه کذشته باشد و استعداد آن داشته باشد که سر خود
چرا کند قربانی نماید **سیم** خارپشت و سوسمار و موش دشتی و در قتل
آن بزغاله باید کفاره دهد و قربانی نماید و احوط آنست سید مرحوم قربانی

وکبجنک م

کردن بره میش را که قابلیت سر خود چریدن داشته باشد ولکن احوط
عدم تعدی از بزغاله است **چهارم** کنجشک و صعوه که حیوان کوچکی است
که او را دم بلند است و حکاوک و در قتل آنها باید مدی از کندم و جو تصدق
نماید **پنجم** ملخ است و در کشتن یکی از آنها یک دانه خرما تصدق کند و هرگاه
بسیار باشند بقدری که در عرف کثیر صادق آید و همه را بکشد کوسفندی
قربانی کند و هرگاه حذر کردن از کشتن آن میسر نباشد بسبب آنکه در میان
راه باشند کفاره ندارد بلکه معصیت نیز ندارد و کشتن هر حیوانی
که بخصوص آن چیزی وارد نشده باشد مثل غیر مذکورات کفاره آن دادن
قیمت آن است بقیمت بازاری و باید قیمت کننده دو شخص عادل باشند
و احوط قربانی نمودن کوسفند است در اردک صحرائی و در کلنک و در
بلغر فارسی غاز صحرائی کویند و هرگاه قیمت از برای او نباشد جز کفاره
استغفار کفاره ندارد و احوط بلکه اظهر لزوم تصدق دادن بقدری از کندم
و جو هرگاه یک زنبور را بکشد عمدا و هرگاه زیاده از یکی باشد احوط
دادن صاع است در قتل آن و هرگاه بسیار باشند عرفا احوط قربانی
کردن کوسفند است و در صورت خوف نیز احوط دادن همین کفاره
است هر چند یکه دور نیست که لازم باشد چنانکه احوط است همین کفاره
در صورت خطا و هرگاه عیب دار شکاری را چون یک چشم و شکسته
اعضا را بکشد جایز است که صحیح دانه او معیب را او دهد مثل


در شتر

در شتر مرغ معیب تواند که شتر ماده صحیح و مانند او معیب را کفاره
دهد و قربانی نماید و هم چنین در جمیع آنچه کفاره مخصوص دور کفاره
خوردن صید مثل کفاره قتل صید است هر چند یکه خوردن از باب
ضرورت باشد بنابر اظهر و اشهر چنانکه فتوای سید مرحوم است هر چند یکه
بعض کفاره آن را قیمت آن میدانند و بعضی جز یک کفاره بیش قایل
نیستند و هرگاه کسی هم قتل صید نماید و هم از آن بخورد کفاره باید بدهد
و هرگاه جماعتی شریک باشند بر هر یک بر هر یک کفاره بخصوصه لازم است
و هم چنین است هرگاه جماعتی شریک باشند در قتل صید و احوط آنست که
که کفاره صید ماده نر نباشد بلکه مثل صید ماده باشد و هرگاه تیر اندازد
بسوی صید و معلوم شود که باو برنخورده بر او کفاره لازم نیست و هرگاه
زدن او سبب شود از برای دلالت بر صید و دیکری صید کند و تیرش
خطا کند بر هر دو لازم است کفاره و هم چنین است در هر صورتیکه
دلالت کند محرم غیر خود را بر صید و صیاد صید نماید و قتل آورد و هم چنین
است هرگاه سک را یورش دهد بر صید و سک آن را بکشد و هرگاه
سبب دلالة شود باز ضامن است هر چند تاثیر کند هرگاه با غیر باشد در
تیر انداختن و غیر او را بزند و هرگاه تیر اندازد و جراحت کند و بعد از آن
او را ببیند که درست اعضا است احوط لزوم دادن ربع قیمت فدا و قیمت
صید است هرگاه آنها زیاده بر ارش جنایة باشد و معنی ارش جنایة تفاوت




تفاوت ما بین صحیح و معیب است و هرگاه ارش جنایت زیاده باشد آن را
بدهد لکن تفصیل میان جراحت نیکوست و آن این است که هرگاه
جراحت شکست یا دست باشد ربع قیمت را دهد و آن را
تصدق نماید هرگاه صید مملوک احدی نباشد و هرگاه ملک احدی باشد آن
قدری که باعث ضرر مالک شود متحمل شود و هرگاه جراحت تیر شکست آید و
موضع باشد ارش جنایت را دهد و هرگاه خوب شدن او را نداند فدا کامل
دهد چنانکه احوط است هرگاه بعد تیر انداختن شک در تیر بر خوردن
یا شک در تیر تأثیر کردن داشته باشد اگرچه لزوم آن دلیلی ندارد و هرگاه
شیر حیوانی را محرم بخورد چه آهو و چه گاو کوهی و چه غیر آن باید قیمت
آن را تصدق نماید هرگاه قیمت داشته باشد و هرگاه ملک غیر باشد
ضرر آن را متحمل شود و همچنین است هرگاه پای حیوانی یا عضو دیگر را
بشکند یا عضو دیگر را مجروح سازد لکن احوط آنست که هرگاه آهوی را
در حرم بدوشد و شیر آن را بخورد خونی نیز بریزد علاوه بر قیمت
شیر بلکه در غیر حرم نیز و همچنین احوط آنست که هرگاه هر دو شاخ
آهو را بشکند نصف قیمت آن را بدهد و هرگاه یک شاخ آن را
بشکند ربع قیمت آن را و هرگاه هر دو چشم را بکند تمام قیمت را بدهد
و هرگاه یک دست آن را یا یک پای آن را بشکند نصف قیمت بدهد و هرگاه
هر دو پا و هر دو دست را بشکند همه قیمت آن را بدهد و بر محرم واجب

رها کردن صیدی را که همراه خود در احرامگاه آورده و هرگاه رها نکند
و بمیرد فدا دهد مثل آنچه سابقاً ذکر شده و هرکه کبوتر حرم را که تغییر آن
گذشت از حرم دور نماید یا مطلق صید را واجب است که برگرداند و هرگاه
برنگردد و تلف شوند ضامن خواهد بود و هرگاه کبوتران را نفرت
دهد سید محرم و عود نموده که باکی بلزوم قربانی یک گوسفند نیست
هرگاه همه برگردند و هرگاه برنگردند باکی نیست بلزوم قربانی جداگانه
بعدد کبوتران نفرت نموده اگرچه از حرم دور نشوند و آن دور نیست
و هرگاه در آشیانه کبوتران حرم راست نماید پس هرگاه بعد از احرام بستن
باشد ضامن است بجهت سد کردن در قفس کبوتران بفدا کردن گوسفند
و بر سد کردن آن بر جوجها بره از میش و بر تخمها بدرهمی و هرگاه پیش
از احرام بستن باشد ضامن است بجهت کبوتران بدرهم و بجهت جوجها
بنصف درهم و بجهت تخمها بربع درهم خواه قطع بهلاکت آنها بسبب سد
نمودن داشته باشد و خواه نه و هرگاه ظن بسلامت آنها داشته باشد
احوط دادن همین کفاره است و هرگاه بعد از احرام سد در آشیانه
نماید باید بجهت سد بر کبوتران هم قربانی گوسفند نماید و هم درهمی دهد
و بجهت سد بر جوجها هم بره قربانی نماید و هم نصف درهم دهد و بجهت سد
بر تخمها هم درهم دهد و هم ربع و هرگاه جماعتی آتشی برافروزند و در آن صیدی
افتد و بسوزد بر همه ایشان لازم است که یک فدا دهند هرگاه قصد صید

۲
از تخمهان درهم

کردن نداشته باشند و هرگاه قصد داشته باشند واجب است
هر یک فدای جداگانه دهند و هرگاه غیر محرم آتش برافروزاند
قیمت یک صید لازم است هرگاه قاصد نباشند و با قصد هر یک
جداگانه باید قیمت دهند و هرگاه جماعت محرمان در حرم چنین
آتشی افروزند باید هم قیمت دهند و هم فدا هرگاه فدا غیر قیمت
باشد چنانکه مذکور شد و در جائیکه فدا منحصر بقیمت باشد
مثل آنکه بخصوص کفاره قتل آن خبر معتبری وارد نشده مثل غیر مذکورات
در تعدد قیمت بر محرم در حرم اشکال است و احوط بلکه اظهر اخبار معتبره
دلالت بر آن دارد تعدد است در اینجا ظاهر میشود کفاره قتل غیر محرم
صید را در حرم قیمت اوست مگر موضعی که تصریح شده است بکمتر از آن
چون کشتن کبوتر و بستن در آشیانه و مانند آن و در هر صورتی که محرم صید را
در حرم قتل نماید لازم است جمع میان فدا و قیمت در غیر صورت استثنا و
هرگاه بال کبوتر حرم را بکند واجب است تصدق بر مسلمین بهمان دستی که پر را کنده
است و هرگاه هر پری را بکند و باعث تفاوت قیمت شود باید بنا بر احوط
تفاوت قیمت را بدهد چنانکه حکم هم چنین است هرگاه بال کبوتر را یا پر کبوتر را
بکند و هرگاه بزند محرم پرنده را بعد از صید کردن بر زمین حرم و بمیرد احوط
آنستکه فداء او را بدهد یا دو قیمت آنرا هر چند یکه فدا و یک قیمت اقرب است
و فرقی نیست در لزوم فدا میان آنکه خود باعث تلف شود یا چهارپای او

چه شتر

چه شتر و چه غیر آن و هرگاه تیری را بجهت نشانه اندازد و بر خورد بصید
و آن را تلف دهد فداء آن صید را باید بدهد و هم چنین است باید دو فدا
دهد هرگاه بقصد یک صید اندازد و از او تجاوز کرده بدیگری هم بخورد
و هرگاه تخم شتر مرغ را محل بجهت محرم بخرد و او بخورد بر محل لازم است بعدد
هر تخم یک درهم و بر محرم لازم است که بعدد هر تخمی که خورده گوسفندی
قربانی نماید و این صید که حکم بتفصیل مذکور شد هرگاه محرم بسبب تلف آن
یا قاتل در احرام عمره شده باشد تا ذبح یا نحر فدا را در مکه معظمه نماید و هرگاه
در احرام حج شده باشد باید در منی بعمل آید و احوط آنستکه فدا غیر صید را
مثل کشتن شتر بجهت کفاره جماع و گاو بجهت کندن درخت حرم و مانند آن از
کفارات که قسم چهارم مذکور شد مثل فدای صید است اگر چه بعضی از اخبار
دلالت دارد بر جواز کشتن آن در هر موضعی که خواهد و در موضعی که تصدق
لازم است تواند تصدق در هر مکان که خواهد دهد و هر صیدی که مملوک
غیر خدا باید قیمت آن را هرگاه تلف شده و ارش جنایه هرگاه تلف نشده
بمالک دهد علاوه بر آنچه گذشت از حق الهی و هرگاه از محرمات که ذکر کفاره
بجهت آن نشد بعمل آورد کفاره آن استغفار است چون عقد نمودن و شاهد
شدن و غیر آن **مطلب ششم** در کیفیت زیارت حضرت پیغمبر و حضرت
فاطمه زهرا و ائمه بقیع حضرت امام حسن و حضرت امام زین العابدین
و حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق علیهم السلام و غیر آن

از احکام بدانکه چون حاجی از مکه از راه مدینه بر کردد مستحب است که در معرس
فرود آید و قلیلی در انجا مکث کند و هر کاه وقت نماز باشد در آنجا کند و
چون داخل حرم مدینه منوره شود حرام است بنابر اظهر مراو صید کردن
و هم چنین است حرام است بنابر اظهر بریدن درخت این حرم و قطع نمودن
خار و خاشاک و علف مکر بجهة دو چوب لبیب و آلتی که آن از شتر آب
میکشند و مکر بریدن علف بجهة شتر و این صورت را نیز ترک نمودن اولی
و احوط است و مراد بحرمی که صید در ان حرام است مابین حره لیلی که در سمت
مشرقی واقع شده و حره واقم که در سمت غربی واقع شده و صید غیر این مابین
هر چند در میان عایر که بعضی او را کوهی میدانند که در سمت قبله مدینه
قریب بذی الخلیفه واقع شده و عیر صید کرده شود و اولی ترک صید آنست
در این میانه نیز و هر کاه صید نمود در میان حره واقم و حره لیلی پس هر کاه شکار
از حیوان حلال کوشت باشد و ذبح نموده پس در حلال بودن خوردن
کوشت اشکال است و احوط ترک است هر چند یکه حکم بجواز آن دور نیست
و بر هر تقدیر کفاره لازم نیست و مراد بحرمی که قطع نمودن خار و علف و درخت در
در این احرام تغییر آنجا است یعنی ما بین عایر و عیر که بعضی تحدید نموده اند
آن را بدو کوه مشرقی و غربی بنابر احوط هر چند یکه احتمال قوی آن است که مراد
از آن نیز ما بین حره واقم و حره لیلی باشد چنانکه در صحیح زراره از حضرت امام
محمد باقر ع وارد شده و چون بمدینه رسد مستحب است که از برای دخول آن غسل

کند و بعد از آن

کند و بعد ازان داخل شود و چون اراده زیارت نماید غسل دیگر کند
و مهیای زیارت شود و فضیلت زیارت حضرت رسول ص در اخبار بسیار است
و از انجمله شهاب روایت نموده از صاحب قصر یاقوتی جنان یعنی سید و سرور
شهیدان که آنجناب بخدمت خسرو پیغمبران عرض نمود که ای جد بزرگوار جزای
چیز است جزای کسی که ترا زیارت کند حضرت رسول ص فرمودند که هر که
مرا و پدر تو را و ترا زیارت کند حق است بر من که او را در روز قیامت زیارت
کنم و از کناهان پاک نمایم بلکه در حدیث دیگر وارد شده است که هر که
حج کند و زیارت من نکند مرا جفا کرده و شرمسار در عرصه محشر محشور
خواهد شد و چون غسل نمود داخل مسجد شود از دری که جبرئیل بر آن حضرت
نازل میشد و بایستد در نزد ستونی که در پیش رو است از جانب
راست قبر در نزدیک سر مبارک در حالتیکه رو بقبله باشد
و دوش راست او بسمت منبر و دوش چپ بجانب قبر باشد
که در آنمکان موضع سر مبارک حضرت است و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ
اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَشْهَدُ
اَنَّکَ رَسُولُ اللهِ وَاَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ
رِسالاتِ رَبِّکَ وَنَصَحْتَ لِاُمَّتِکَ وَجاهَدْتَ فی سَبِیلِ اللهِ وَعَبَدْتَ
اللهَ حَتّی اَتیکَ الْیَقینُ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَاَدَّیْتَ الَّذی

عليك من الحق وانك رؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين
فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين الحمد لله الذي استنقذنا
بك من الشرك والضلالة اللهم فاجعل صلواتك و
صلوات ملائكتك المقربين وعبادك الصالحين وانبيائك
المرسلين واهل السموات والارضين ومن سبح لك يا رب
العالمين من الاولين والآخرين على محمد عبدك ورسولك
ونبيك وامينك ونجيك وحبيبك وصفيك وخاصتك
وصفوتك وخيرتك من خلقك اللهم اعطه الدرجة والو
سيلة من الجنة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والا
خرون اللهم انك قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما واني اتيت نبيك
مستغفرا تائبا من ذنوبي واني اتوجه بك الى الله ربي وربك ليغفر
لي ذنوبي و بعد از ان نیز زیارت کند که زیارت قبر پیغمبر میکنیم متقربا
الى الله و بعد از ان بگوید السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك

يا امين الله

يا امين الله اشهد انك قد نصحت لامتك وجاهدت في سبيل
الله وعبدته حتى اتاك اليقين فجزاك الله يا رسول الله افضل
ما جزى نبيا عن امته اللهم صل على محمد وآل محمد افضل ما
صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد و هر گاه حاجتی داشته
باشد قبر شریف آنحضرت را در پیش رو داشته و رو بقبله نموده و دستها را
بسمت آسمان بلند نموده حاجتهای خود را سؤال نموده باشد که امید
قضاء آن از حضرت قاضی الحاجات هست خصوصا طلب آمرزش نی
بخواند دعائی را که حضرت سید سجاد ع در این مکان شریف میخواندند
در حالیکه خود را بروضه شریفه میچسبانیدند اللهم اليك الجأت
ظهري والى قبر محمد عبدك ورسولك اسندت ظهري والقبلة
التي رضيت لمحمد صلى الله عليه وآله استقبلت اللهم اني
اصبحت لا املك لنفسي خير ما ارجو ولا ادفع عنها شر
ما احذر عليها واصبحت الامور بيدك فلا فقير افقر مني اني
لما انزلت الي من خير فقير اللهم اردد مني بخير فلا راد
لفضلك اللهم ربي اعوذ بك من ان تبدل اسمي وتغير جسمي

اَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ وَ
وَاعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ بعد ازان دو
رو و دو چشمهای خود را بدان بمالد و دست و روی خود را بدان بمالد
و در صحیح معویة بن عمار وارد شده که مالیدن چشم بدان شفای درد
چشم است و در انجا حمد و ثنای الهی بجا آورد و حاجت خود را سؤال
نماید بعد ازان در مقام حضرت رسول آمده نماز کند بهر چیزیکه خواهد و دو
رکعت نماز زیارت نیز سنت است و بهتر آنستکه در رکعت اول بعد از حمد سوره
انا انزلناه و در ثانی بعد ازان انا اعطیناک بخواند و بعد از نماز تسبیح فاطمه
زهرا ع بجا آورد و این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ
هَدِيَّةً مِنِّي اِلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ مُحَمَّدِ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ
فَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَاَجِرْنِي وَآبَائِيَ الْمُحْسِنِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ
صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِاَنَّهُ
لَا يَكُونُ الصَّلٰوةُ وَالرُّكُوعُ اِلَّا لَكَ لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتِي وَاَعْطِنِي سُؤْلِي بِمُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ و سنت است که در مقام جبرئیل ع که زیر ناودان است

بماند و بگوید اَيْ جَوَادُ اَيْ كَرِيمُ اَيْ قَرِيبُ اَيْ بَعِيدُ اَسْئَلُكَ اَنْ
اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَرُدَّ
عَلَيَّ نِعْمَتَكَ و هر زن حائضیکه دران مکان رو بقبله نموده از
از خدا طلب برطرف شدن خون نماید خون او قطع میشود
بدانکه زیارت حضرت فاطمه ع نیز سنت است و دران
فضیلت بسیار است از آنجمله از خود آنمعصومه روایت شده
که فرمود که خبر داد مرا پدرم که هر سه روز بر او و بر من سلام
کند بهشت بر او واجب است چه در حال حیوة و چه بعد ازان
و در قبر آنمعصومه خلاف است بعضی آن را ما بین قبر و منبر
میدانند و محمد ابن بابویه قمی آنرا خانه آنمعصومه میدانند که بعد
از زمان بنی امیه بجهت وسعت مسجد داخل مسجد شده و الحال
در پشت خانه که آنحضرت مدفون است علامت ضریح آنحضرت
است چنانکه اختیار سید مرحوم است و بعضی آن را بقیع میدانند
و این طایفه بعضی مدفن او را بیت الاحزان و بعضی آن را مقبره
ائمه اربعه علیهم السلام میدانند و در چهار موضع زیارت آنمعصومه
کردن جایز است خصوصا در موضع اول و دویم و اظهر آنستکه
که موضع قبر دویم است چون بدان موضع رسد بعد از انکه

غسل زیارت کرده باشد نیز زیارت کند که زیارت فاطمه زهرا میکنم
سنة قربة الی الله و بعد از ان بگوید السلام علیک یا بنت رسول
الله السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت
حبیب الله السلام علیک یا بنت خلیل الله السلام علیک
یا بنت صفی الله السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک
یا بنت خیر خلق الله السلام علیک یا بنت افضل انبیاء الله و
رسله و ملئکته السلام علیک یا بنت خیر البریة یا سیدة نساء
العالمین من الاولین و الاخرین السلام علیک یا زوجة ولی الله
و خیر الخلق بعد رسول الله صلی الله علیه و اله السلام علیک
یا ام الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة السلام علیک ایتها
الصدیقة الشهیدة السلام علیک ایتها الرضیة المرضیة السلام
ایتها الفاضلة الزکیة السلام علیک ایتها الحوریة الحوراء
الانسیة السلام علیک ایتها التقیة النقیة السلام علیک
ایتها المحدثة العلیمة السلام علیک ایتها المظلومة
المغصوبة السلام علیک ایتها المضطهدة المقهورة

السلام یا فاطم

السلام علیک یا فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه
و اله و رحمة الله و برکاته و صلی الله علی روحک و بدنک
اشهد انک قد مضیت علی بینة من ربک و ان من
سرک فقد سر رسول الله صلی الله علیه و اله و من
جفاک فقد جفا رسول الله صلی الله علیه و اله و من اذاک
فقد اذا رسول الله صلی الله علیه و اله و من وصلک
فقد وصل رسول الله صلی الله علیه و اله و من قطعک
فقد قطع رسول الله صلی الله علیه و اله لانه بضعة منه
و روحه التی بین جنبیه کما قال صلی الله علیه و اله اشهد الله
رسله و ملائکته انی راض عمن رضیت عنه ساخط
علی من سخطت علیه و متبرئ ممن تبرئت منه موال لمن والیت
معاد لمن عادیت مبغض لمن ابغضت محب لمن احببت و
کفی بالله شهیدا و حسیبا و جازیا و مثیبا و سنة است که بعد از
صلوات بر پیغمبر و یک یک از ائمه علیهم السلام بفرستد و دو رکعت نماز

بجا آورد با همان دعا بعد از نماز که مذکور شد بدانکه زیارت
ائمه بقیع علیهم السلام نیز سنت است و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که از برای هر امام عهدی است بر گردن شیعیان و از تمام
وفاء بعهد است زیارت کردن قبرهای ایشان پس هر که زیارت قبر امام کند
در حالتیکه راغب بزیارت ایشان باشد و تصدیق کننده باشد بچیزی را
که ایشان باو راغب اند ایشان شفیع او خواهند بود در روز قیامت
و فضیلت زیارت امام حسن ع در بیان فضیلت زیارت جدش گذشت
و از امام حسن عسکری ع روایت است که هر که زیارت امام جعفر
صادق ع و پدرش امام محمد باقر ع نماید بدرد چشم مبتلا نخواهد
شد و بیماری باو نخواهد رسید و بر ابتلا نخواهد مرد و حضرت
صادق ع فرمودند که هرگاه کسی زیارت کند گناهان او آمرزیده
شود و بدرد فقر مبتلا نخواهد شد و طریق زیارت آنستکه غسل
نموده در قبرستان رود برابر قبر آن بزرگواران بایستد و نیت زیارت
کند که زیارت حضرت امام حسن و حضرت امام زین العابدین
و حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق علیهم السلام
میکنم سنة قربة الی الله السلام علیکم یا ائمة الهدی السلام علیکم
یا اهل التقوی السلام علیکم یا حجج الله السلام علی اهل الدنیا السلام

علیکم

السلام علیکم ایها القوامون بالقسط علی البریة السلام علیکم
یا اهل الصلوة السلام علیکم یا اهل النجوی اشهد انکم قد بلغتم
ونصحتم وصبرتم فی ذات الله وکذبتم واسیء الیکم فغفرتم و
اشهد انکم الائمة الراشدون المهدیون وان طاعتکم مفروضة
وان قولکم صدق وانکم دعوتم فلم تجابوا وامرتم فلم تطاعوا
وانکم دعائم الدین وارکان الارض ولم تزالوا بعین الله ینسخکم
فی اصلاب المطهرین وینقلکم فی الارحام المطهرات لم تدنسکم
الجاهلیة الجهلاء ولم تشرک بکم فتن الاهواء طبتم وطاب
منشاکم انتم الذین من علینا بکم دیان الدین فجعلکم فی بیوت
اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه وجعل صلواتنا علیکم
رحمة وکفارة لذنوبنا اذ اختارکم لنا وطیب خلقنا بما من
علینا من ولایتکم وکنا عنده مسمین بعلمکم معترفین
بتصدیقنا ایاکم وهذا مقام من اسرف واخطأ واستکان
واقر بما جنی ورجی بمقامه الخلاص وان یستنقذه بکم
مستنقذ الهلکی من النار فکونوا لی شفعاء فقد وفدت

الیکم اذ رغب عنکم اهل الدنیا واتخذوا بآیات الله هزوا واستکبروا
عنها یا من هو قائم لا یسهو ودائم لا یلهو ومحیط بکل شیء لک المن
بما وفقتنی وعرفتنی بما اثمتنی اذ صد عنه عبادک وجهلوا
معرفتهم واستخفوا بحقهم وما لوا الی سواهم وکانت المنة
منک علی مع اقوام خصصتهم بما خصصتنی به فلک الحمد
اذ کنت عندک فی مقامی مکتوبا فلا تحرمنی ما رجوت ولا
تخیبنی فیما دعوت وبعد ازان هر دعا که خواهد کند و از برای
هر امامی دو رکعت نماز کند در مسجد دیگر در آنجاست که آن را بعضی
مکان نماز خاتون قیامت میدانند و بعد ازان هشت رکعت نماز
بخواند و خوندن دعائیکه بعد از نماز حضرت رسول صلی الله علیه واله
مذکور شد مناسبست و سنت است نیز زیارت عم پیغمبر حمزه
که در احد مدفون است چون بدانجا رسد بگوید السلام علیک
یا عم رسول الله یا خیر الشهداء السلام علیک یا اسد الله یا اسد
رسول الله اشهد انک قد جاهدت فی الله ونصحت لرسول الله
وصبرت لنفسک وطلبت ما عند الله ورغبت فیما وعد الله
وچون بقبر که سنت است رفتن بدانجا رسی سنت است که بگوید

السلام علیکم بما صبرتم

السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار انتم لنا فرط وانا بکم
لاحقون و سنت است نماز کردن در مسجد رسول الله م که نماز دران
مکان شریف برابر هزار رکعت است خصوصا ما بین قبر و منبر و سنت است
که پیش از زیارت قبر حمزه و قبور شهدا نماز کردن در مسجد قبا که اول
مسجدی است که حضرت رسول م دران نماز کرد و هر قدر که خواهد نماز کند
و بعد ازان به مشربه ابرهیم که مسکن رسول الله م است رود و در آنجا
نماز کند و بعد به مسجد فضیخ رود و در انجا نماز کند که پیغمبر نماز در انجا
کرده و سنت است که بعد ازان بجانب احد رود و به مسجد دیگر که قریب
به حره است نماز کند و بعد ازان زیارت قبر حمزه و قبور شهدا نماید
و بعد ازان در مسجد بزرگی که جانب راست کوه واقع شده نماز کند
و بعد ازان بمسجد احزاب که آن را مسجد فتح نیز میگویند رود و هر چه خواهد
نماز نافله کند و بعد از نماز این دعا بخواند یا صریخ المکروبین ویا
مجیب المضطرین اکشف عنی غمی وکربی کما کشفت عن نبیک
صلوات الله علیه واله همه وغمه وکربه وکفیته هول عدوه
فی هذا المکان و سنت است روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنجشنبه
وجمعه در مدینه منوره از برای حاجت و سنت است که نماز او در شب
چهارشنبه در نزد ستون ابی لبابه که آن را اسطوانه توبه گویند چون

قبول توبه او در اینمکان شد بعد از انکه خود را بان سطون بسته بود
در روز چهارشنبه در همانمکان بنشیند و در شب پنجشنبه در نزد
ستونیکه قریب بمحراب حضرت رسول است نماز کند و روز را
در همین مکان بنشیند و نماز شب جمعه و روز جمعه را برابر محراب
رسول الله ص بجا آورد و در روز جمعه حمد و ثناء الهی بجا آورد و
درودها در رود بر حبیب حضرت و دود و ال اطهار فرستد
و بعد از ان حاجتهای خود را از خداوند عالم سوال نماید و
این دعا بخواند اللّٰهُمَّ ما کانَ لِی اِلَیکَ مِنْ حاجَةٍ شَرَعْتُ اَنَا
فی طَلَبِها وَالتِماسِها اَوْ لَمْ اَشْرَعْ سَاَلْتُکَها اَوْ لَمْ اَسْئَلْکَها
فَاِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَآلِهِ
فی قَضاءِ حَوائِجی صَغیرِها وَکَبیرِها و هر گاه این دعا خوانده شود
خواننده سزاوار خواهد شد که حاجة او بر اورده شود و هرگاه خدا
خواهد و هر گاه تواند که در سه روز تکلم نکند مگر بقدر ضرورت و بیرون
از مسجد نرود مگر بقدر حاجة و شبها و روزها بخواند البته بعمل آورد
که در ان فضیلت بیشمار است و سنة است اعتکاف نمودن در ان مسجد
شریف و همین طریقه را در او مراعات نمودن و از حضرت صادق ع
روایت شده که انجناب فرمودند که سنة است روزه گرفتن در مدینه

هر قدر

هر قدر که تواند و اقامه نمودن در نزد ستونها هر قدر که خواهد
و سنة است نماز کردن در مسجد غدیر خم که در اینمکان خداوند
عالم ظاهر نمود حق خلافة امیر المؤمنین علیه السلام را بدانکه
چون خواهد که وداع قبر حضرت رسول الله نماید در موضع سر
مبارک آنحضرت آید بنیة زیارت کند و سلام کند بانجناب بهمان
سلامی که بعد از نیة زیارت ان بزرگوار بعد از شهادت مذکور شد
و بعد از ان در نزد منبر رود و صلوات بر پیغمبر ص و ال او فرستد و
دو رکعت نماز زیارت با همان دعائی که مذکور شد بجا آورد
و بعد از ان دوش چپ خود را بقبر بچسباند و بعد از ان شش رکعت
یا هشت رکعت نماز بجا آورد و بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند و در قنوت هر دعا که خواهد بخواند
و بعد از فراغ از نماز رو بقبر شریف نموده بگوید در حالة وداع
اَلسَّلامُ عَلَیکَ لا جَعَلَ اللّٰهُ آخِرَ تَسْلیمی عَلَیکَ اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَةِ قَبْرِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَآلِهِ اِنْ
تَوَفَّیتَنی قَبْلَ ذلِکَ فَاِنّی اَشْهَدُ فی مَماتی عَلی ما اَشْهَدُ فی
حَیوتی اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ و در
بعضی از کتب زیارت مذکور است که بعد از و رسولک بگوید
فَاِنَّهُ خِیَرَتُکَ مِنْ خَلْقِکَ ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ اَهْلِ بَیتِهِ

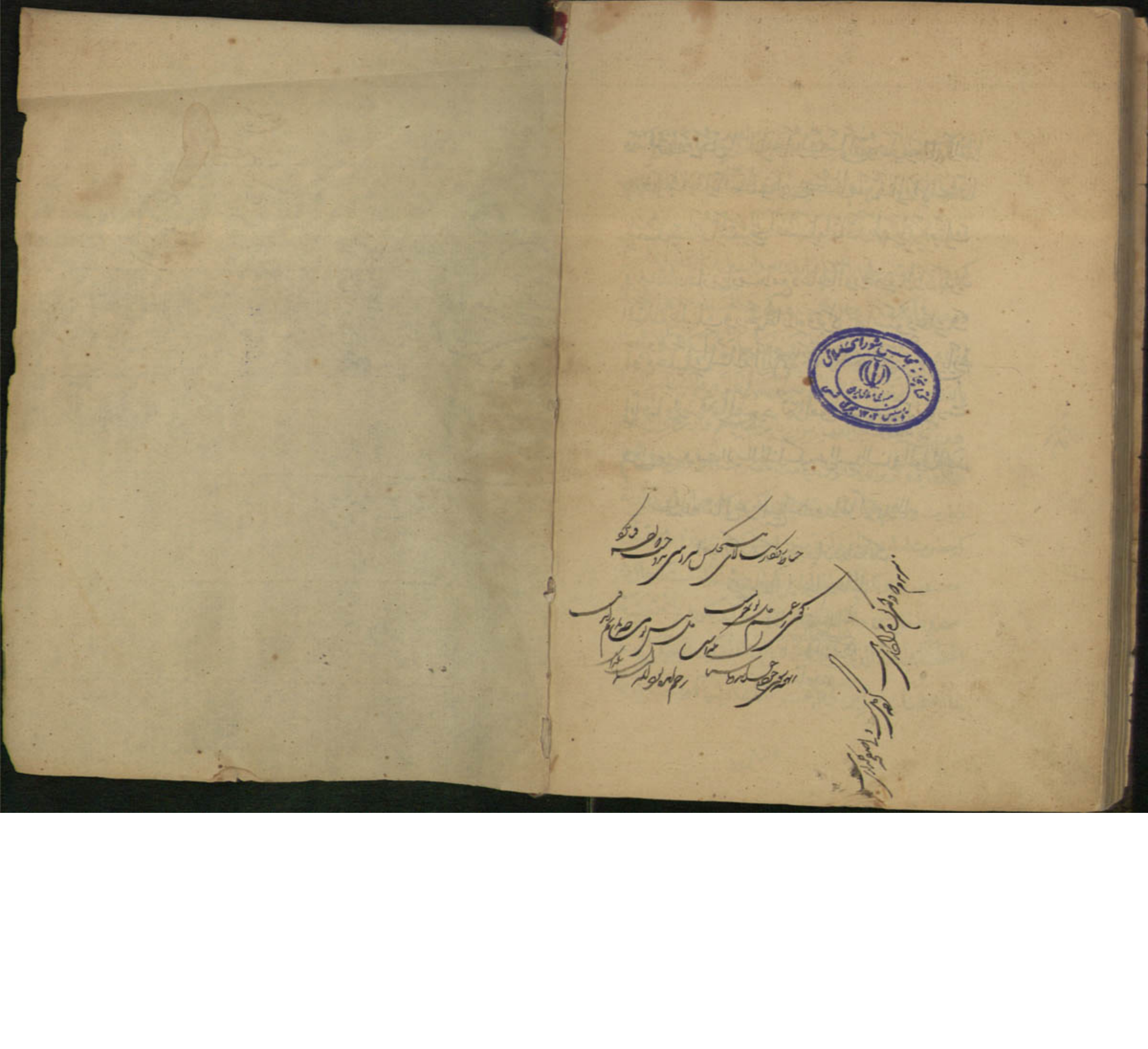
الائمة الطاهرين الذين اذهب عنهم الرجس وطهرتهم
تطهيرا فاحشرنا في زمرتهم وتحت لوائهم ولا تفرق بيني
وبينهم في الدنيا والاخرة يا ارحم الراحمين وچون خواهد
كه وداع ائمه بقيع عليهم السلم نمايد وبعد از زيارت ايشان و نماز زيارت
ودعا چنانكه مذكور شد بايستد و بگويد السلام عليكم ائمة
الهدى ورحمة الله وبركاته استودعكم واقرا عليكم السلام امنا
بالله وبالرسول وبما جئتم به ودللتم عليه فاكتبنا مع الشا
هدين ثم لا تجعله اخر العهد من زيارتي اياهم وارزقني العود
ثم العود واز براى خاتون قيامت حضرت فاطمه زهرا عليها السلم
زيارت وداعى بنظر قاصر نرسيده ولكن هرگاه بخواند اين زيارت را
كه حضرت امام محمد باقر ذكر فرموده است كه چون بنزديك قبر آن
معصومه روى كه ظاهرا قبر آن بزرگوار در خانه اوست كه حالا در
مسجد داخل شده چنانكه خبر صحيح دلالت ميكند بگويد يا ممتحنة
امتحنك الله الذي خلقك قبل ان يخلقك فوجدك
لما امتحنك صابرة وزعمنا انا لك اولياء ومصدقون

اللهم تم

وصابرون

وصابرون لكل ما اتانا به ابوك صلى الله عليه واله واتانا
به وصيه فانا نسئلك ان كنا صدقناك الا الحقتنا
بتصديقنا لهما لتبشر انفسنا بانا قد طهرنا بولايتك
وبعد از ان نماز زيارت را مع دعا بجا آورد و بعد از ان بگويد
السلام عليك ورحمة الله وبركاته استودعك و
اقرء عليك السلام اللهم لا تجعله اخر العهد من زيارتي
اياها وارزقني العود ثم العود اميد هست كه زيارت
وداع برسد تمت الرسالة المناسكية عن السيد السند والمولى الامجد
سلمه الله تعالى عن جميع المكاره والمآثم بمحمد واله

اميد انكه هر كه از شيعيان در ان امكنه
شريفه اعمال را بانجام رساند
بعون الله الملك المنان
از براى عصيان
كاتب طلب آمرزش
نمايند
م



[illegible]

هذا الكتاب مناسك الحج ملك السيد السند ا[illegible]
هاشم القزويني ابن المكرم سلمه الله تعالى بمحمد وآله
كاتب الحروف [illegible]

[illegible]

[illegible]